



اشرف کریمی ز ادگان

ارتقاء جایگاه زنان ضرورت توسعه کشور

پاسخگویی به این مباحث هدر رود. در حالی که در خیلی از اوقات اهداف اصلی سیاست گذاری‌ها از سوی دیگران درک نشده است و به نظر می‌رسد تلاش‌های بسیار برای توجیه و یا تبری یافتن از اتهامات وارد شده موجب استهلاک نیروهای اجرایی و کارشناسی می‌شود.

با توجه به لزوم سرعت بخشیدن به اقدامات مرتبط با آرمان‌ها و چشم‌انداز ترسیمی از رشد و توسعه کشور نیازمندیم که زمان را مغتنم بشماریم و با کاستن از اینگونه چالش‌ها و تمرکز بر سیاست‌های اصلی و دوری گزیندن از حاشیه‌ها، تمام توانمان را صرف کار اجرایی نماییم.

تجربه چندین سال گذشته نشان داده است که گاهی اوقات یک اظهار نظر فکر نشده و یا یک تصمیم عجولانه و خارج از چهارچوب یک مسئول، بهانه به دست منتقدان خارجی می‌دهد و یا موجب تنش و گفتگوی بی حاصل داخلی و یا خدای نکرده سنگ اندازی در اجرای برنامه‌های اصلی می‌شود. متأسفانه مسائل و مشکلات جامعه به اندازه‌ای زیاد است که تنش‌های ایجاد شده صدمات جبران ناشدنی به پیکر آن وارد کرده است. اظهار نظر راجع

سرزمین ایران، سرزمینی وسیع و دارای امکانات خدادادی بی شماری است. بدیهی است وجود این امکانات موجب خوشنودی مردم و ایجاد شرایط بهتر برای مسئولین به منظور اداره کردن امورات کشور است. متأسفانه شاهدیم با وجود این شرایط خوب بعضی سیاست‌های اعمال شده در سیستم مدیریتی، اداری و قضائی کشور موجب شده که انتقاد زیادی بابت اتخاذ اینگونه اعمال به سیستم اداره کشور وارد شود. این انتقادها هم از سوی مردم عزیز کشورمان و گاهی هم از سمت مجامع بین‌المللی متوجه مسئولین شده است.

هم اکنون بعضی از گزارش‌های بین‌المللی از وضعیت اداره کشور، آنچنان ما را در مظان اتهام قرار داده است که پاسخگویی و توجیه این گزارش‌ها اجتناب ناپذیر می‌نماید. چرا که افکار عمومی داخل کشور نیز در بعضی موارد همراه با نتیجه‌گیری‌های حاصل از این گزارشات است. مشخصاً آمارهای موجود و گزارشات منفی داخلی و خارجی حاصل عملکرد منفی خود ما در بسیاری از موارد است. این اشتباهات باعث شده است که وقت زیادی از کارشناسان و مسئولین، بابت مجادلات و



جامعه رخ می‌دهد. متأسفانه بعضی اوقات بصورت ناگهانی و غیر مترقبه گروهی برای جامعه زنان تصمیم می‌گیرند و سختانی مطرح می‌شود که بسیار سوال برانگیز است. گویا همه مسائل حل شده است و فقط مسائل زنان - آن هم به سلیقه آنان - حل نشده باقی مانده است.

از جداسازی های زنان تا انتخاب رشته های دانشگاهی، از حضور در اجتماع تا خانه نشینی، از طلاق تا ازدواج، از بارداری تا محدودیت های پزشکی، و دهها موضوع دیگر که سرمشق گروه‌هایی است که با کنار گذاشتن زنان در حال تصمیم گیری و تصمیم سازی هستند.

مشخصا زنان به عنوان انسان دارای حقوق و تکالیفی هستند این حقوق و تکالیف در قانون اساسی بیان شده است. هرگونه تفسیری که موجب خدشه دار شدن حقوق زنان شود با واکنش جامعه خصوصا زنان مواجه خواهد شد.

سیاست بالا دستی زیر نشاندهنده فاصله و تشتت آرمانها و اهداف ما با اتفاقی است که در جامعه جریان دارد:

«۱۴- تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و در صحنه‌های اجتماعی و استیفاء حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان.»*

آیا از این سیاست باید برداشت حذف کرد یا تاکید بر حضور؟

جواب مشخص است. خوشبختانه زنان و مردان جامعه ما خود می‌دانند که معابر و مراکز و مکان های عمومی جولانگاه برخی اعمال خودسرانه و خلاف اخلاق و عرف نیست. سوال این است که چرا موضع گیری‌هایی انجام می‌شود که مخالف سیاست های کلی نظام و شرایط عرفی و اخلاقی جامعه است؟ کوتاه سخن آنکه به به جای ایجاد شک و شبهه های منفی، تمام هم و غم خود را صرف توسعه و پیشرفت منافع کشور عزیزمان کنیم

* سیاست‌های کلی برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - اجتماعی، سیاسی، امنیتی - بند ۲۵

به مسائل زنان و تصمیم گیری و اجرای مواردی مثل جداسازی زنان و مردان از یکدیگر در جامعه امری ظریف و حساس است. این موارد اگر بر اساس سیاست های کلی نظام و منافع ملی و عرف کلی جامعه نباشد بهانه به دست دیگری خواهد داد که شاید چند وقتی است برای ایجاد تنش در جامعه موضوع داغی نداشته اند. در شرایطی که قوانین مشخصی در این زمینه داریم و راه و مصلحت جامعه نیز بر کسی پوشیده نیست. کمترین توقع از مسئولین این است که تفاسیر شخصی خودشان را وارد کار اجرا نکنند و موجب هياهو در جامعه نشوند. هر چقدر افراد رتبه بالاتر و مسئولیت بیشتری داشته باشند حساسیت جامعه نسبت به آنان افزون تر است. از معتمدین نظام توقع داریم که با احتیاط بیشتری نسبت به مسائل اینچنینی برخورد کنند و بهانه به دست رسانه های بیگانه ندهند.

متأسفانه بعضی موضع گیری‌ها برخلاف خواسته ما و یا حتی مقصود و غرض ما برداشت می‌شود و از آن تفاسیر نابجا و مغرضانه‌ای منتشر می‌شود. این تصمیمات تبعات نامطلوبی در جامعه دارد و حتی گذشت زمان اثرات آن را پاک نمی‌کند. بدیهی است که مسئولیت عواقب تصمیمات ما بر عهده ماست و شاید هر چه زمان بیشتری بگذرد لزوم پاسخگویی و جبران خسارات وارده بیشتر شود. توروخ تاریخ نشان می‌دهد گاهی اظهارات و یا تصمیمات کوچک عواقب سنگینی را بر جامعه تحمیل می‌کند که حتی با مقصود مسببان آنها همخوانی ندارد.

نکنه بعدی این است که چرا تصمیمات مهم راجع به مسائل زنان بدون حضور آنان و یا استفاده از نظرات کارشناسان آنها و بصورت یکطرفه اتخاذ می‌شود؟ آیا هنوز و پس از ۳۵ سال از انقلاب اسلامی هنوز زنان جنس دوم هستند؟ هنوز در فرایند تصمیم گیری و تصمیم سازی آنها را غریبه می‌دانیم و قرار است یکطرفه به قاضی برویم؟ مسئله زنان در کشور ما همچنان با دیدگاه‌های متفاوت و گاه متضادی روبروست. در این وادی همه برای زنان تصمیم می‌گیرند غیر از خود زنان! با نگاهی به مطبوعات و رسانه ها، به راحتی در می‌یابیم که چه اتفاقی در فرایند تصمیم سازی در





زهرة سادات امیرآفتابی
کارشناس ارشد حقوق عمومی



مهین پاکزادیان
کارشناس ارشد مشاوره خانواده

مرخصی زایمان

بار مالی بر دوش دولت یا سرمایه‌گذاری آتی در توسعه‌ی اجتماعی کشور؟

(بررسی مرخصی زایمان در ایران و بیست و یک کشور پیشرفته اقتصادی)

چندی پیش در جلسه ۱۳۹۲/۴/۱۶ هیئت دولت، با توجه به مجوز تبصره ۲ ماده واحده قانون اصلاح قوانین تنظیم جمعیت و خانواده ۱۳۹۲ مبنی بر اجازه به دولت، جهت افزایش مرخصی زایمان مادران به ۹ ماه و پیش‌بینی دو هفته مرخصی اجباری (تشویقی) همسر آنان؛ هیئت دولت مدت مرخصی زایمان (یک قلو و دو قلو) زنان شاغل در بخش‌های دولتی و غیردولتی را از ۶ ماه پیش‌بینی شده در ماده ۳ اصلاحی قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی (۱۳۸۶) به نه ماه تمام با پرداخت حقوق و فوق‌العاده‌های مربوط تغییر داد. همچنین بر اساس این مصوبه همسران افراد یادشده هم از دو هفته مرخصی اجباری (تشویقی) برخوردار گشتند. در این مصوبه تصریح شده است مفاد این تصویب نامه به مادرانی که سن فرزندان آنان به نه ماهگی نرسیده است تسری یافته و مدت مرخصی آنان تا نه ماهگی نوزاد افزایش می‌یابد. تاریخ اجرای این مصوبه هم از زمان لازم‌الاجرا شدن قانون اصلاح قوانین تنظیم جمعیت و خانواده مصوب ۱۳۹۲ تعیین گردید. لیکن از زمان تصویب این مصوبه، دستگاه‌های ذی‌ربط به انحراف مختلف از اجرای مصوبه مذکور سر باز زدند. از جمله بخش‌های زیر نظر سازمان تأمین اجتماعی و وزارت آموزش و پرورش، به دلیل مشکلات اجرایی و عدم تأمین اعتبار مالی برای اجرای مصوبه مذکور، آن را به اجرا نگذاشتند. به علاوه، بسیاری از زنان شاغل که در بخش‌های مختلف با استفاده از این مصوبه از نه ماه مرخصی زایمان خویش استفاده نکرده‌اند در بازگشت به کار با مشکل مواجه شده و کار خود را از دست داده‌اند و به دنبال احیای حق قانونی ایجاد شده خویش، سیل دادخواست‌ها را بر دیوان عدالت اداری و معاونت امور زنان و خانواده روان نمودند. در پاسخ به حل این مشکل بیان گردید که علی‌الاصول اجرای چنین طرحی در بخش غیردولتی به جهت هزینه‌بر بودن طرح و کاهش تمایل بخش خصوصی در به کارگیری نیروی زن در کارگاه‌های خویش غیر ممکن است و طرح مذکور محدود به بخش دولتی خواهد بود که در اجرای آن بخش نیز با مشکلات تأمین اعتبار روبرو است و در حال حاضر متوقف شده است. اما پرسش اساسی این است که آیا درخواست زنان شاغل مبنی بر افزایش مدت مرخصی زایمان خویش به همراه پرداخت حقوق و مزایای این دوران و پیش‌بینی مرخصی تشویقی برای پدران یک فرزند نرسیده، مطالبه‌ای دور از انتظار و موجب تحمیل بار مالی بر دولت است یا اصولاً از سرمایه‌گذاری‌های زیر بنایی و بلند مدت دولت برای آتی به امر توسعه‌ی اجتماعی محسوب می‌شود؟

در این مقاله بر آن هستیم که با مطالعه وضعیت مرخصی زایمان در بیست و یک کشور نسبتاً پیشرفته اقتصادی، جایگاه فعلی کشور ایران در این زمینه در جهان را مورد بررسی قرار داده و پاسخ پرسش‌های فوق را بیابیم.



غریبه‌ها)، وی (مراقبت‌کننده) حضور فعال و در دسترسی را ندارد، به سمت کسب سبک دلبستگی نایمن پیش خواهد رفت. در این حالت احساساتی نظیر رهاسدن، عصبانیت، یأس و غم در کودک به وجود می‌آید و در وی باقی می‌ماند. سبک دلبستگی نایمن، خود دارای زیر مجموعه‌های دیگری است که در این مقاله، مجال باز کردن آن نیست.

حال آنچه در این میان اهمیت دارد این است که سبک دلبستگی یک فرد (که تا ۲ یا ۳ سالگی یک کودک در او تثبیت می‌شود) در سال‌های آینده و در موقعیت‌های خطرناک و اضطراب‌زایی که فرد قرار می‌گیرد، فعال شده و نحوه واکنش به آن موقعیت را تعیین می‌کند.

افرادی که دارای سبک دلبستگی ایمن هستند، به دلیل اینکه در زمان نوزادی از جانب مراقبت‌کننده اصلی خود، به خوبی حمایت شده‌اند و نیازهای آنها به هنگامی که ناتوان بوده‌اند به موقع و به درستی پاسخ داده شده است، به ندیای اطراف خود اعتماد بیشتری دارند، توانا بوده، عیوب خود را می‌پذیرند، تحمل انتقاد و استرس را دارند، افرادی صمیمی هستند، روی عواطف تکیه می‌کنند و ارزش‌ها را می‌پذیرند. در مقابل افرادی که دارای سبک دلبستگی نایمن هستند، غیر صمیمی و پرخاشگر می‌باشند. این افراد در برخورد با همسالان بسیار محتاط و بی‌ثبات بوده و به راحتی دگرگون می‌شوند. همچنین زود عصبانی می‌شوند، در کفایت خود ضعیف هستند، منفعل، گوشه‌گیر و آسیب‌پذیر می‌باشند، آنان به راحتی به طرف همسالان خود می‌روند اما به آسانی برانگیخته می‌شوند و دچار ناسامانی، نامیدی و استرس می‌گردند.

دلبستگی نایمن، موجب سطوح بالاتری از افسردگی، اضطراب و عواطف منفی می‌شود و نوجوانان دلبسته نایمن برای کنار آمدن با تعارض‌ها و تضادهای بین شخصی بیشتر احتمال دارد که از شیوه‌های اجتنابی یا حمایت‌جویانه استفاده کنند و از تعاملات اجتماعی به دلیل ترس از طرد شدن اجتناب می‌کنند، در حالی که افراد دارای سبک دلبستگی ایمن، به راحتی به دیگران اعتماد می‌کنند، دیدگاه مثبتی در مورد خودشان دارند و متکی به خود هستند.

کنتار تخصصی ضرورت پیش‌بینی مرخصی برای والدین فرزند تازه متولد شده از منظر روان‌شناسی و نظریه دلبستگی

ضرورت مرخصی جهت تولد کودک را می‌توان از دو منظر مورد بررسی قرار داد: اول نیاز مادر به فرصتی برای بازیابی جسمی و روانی خویش؛ چرا که برخی از بانوان پس از زایمان علاوه بر عارضه‌های جسمی ناشی از تولد کودک، دچار حالات افسردگی روحی و روانی می‌گردند که در صورت عدم رسیدگی لازم، پیشرفت کرده و آثار نامطلوب و جبران‌ناپذیری در زندگی مادر و آینده کودک خواهد داشت.

از سوی دیگر کودک پس از تولد، نیازهای جسمی و عاطفی خاص خویش را داشته که سلامت روانی و جسمی کودک در آینده، ارتباط مستقیم با برآورده شدن به موقع این نیازها و عدم ایجاد دلبستگی نامن در کودک دارد.

بر اساس گفته‌ی جان بالبی (۱۹۵۳)، نظریه‌پرداز رویکرد دلبستگی در رابطه میان مادر و فرزند، عشق‌مادری در دوره نوزادی و کودکی برای سلامت روانی همانند ویتامین‌ها و پروتئین‌ها برای سلامت جسمانی، ضروری است. او ادعا می‌نماید که داشتن رابطه‌ای گرم، صمیمی و مداوم بین مادر و کودک (و یا جانشین دائمی مادر از جمله پرستار یا مراقب آموزش دیده) امری حیاتی است. نوزادان انسان حدود ۶ ماهگی شروع به دلبستگی می‌کنند و پس از آن ترس از غریبه‌ها را نشان می‌دهند. بالبی معتقد بود اگر دلبستگی در ۲ تا ۳ سال اول زندگی رخ ندهد، بعد از آن احتمالاً خیلی دیر و با دشواری شکل می‌گیرد.

در واقع دلبستگی، پیوند عاطفی عمیق و پایدار کودک با فردی است (معمولاً مادر) که از ابتدای تولد با وی تعامل بیشتری دارد. کیفیت نظام دلبستگی در هر نوزادی تابع چگونگی تعامل کودک با مراقبت‌کننده وی می‌باشد. هر چقدر این فرد در دسترس تر باشد و نیازهای نوزاد را به موقع پاسخ دهد، نوزاد به سمت کسب سبک دلبستگی ایمن پیش خواهد رفت و بالعکس، اگر این فرد نیازهای نوزاد را به موقع پاسخ ندهد و کودک احساس کند که هنگام بروز ناامنی (مانند حضور





با توجه به آنچه گفته شد، حضور فعال مادر برای مراقبت صحیح از نوزاد به جهت کاستن از ضربات روحی وارده به نوزاد ناشی از تعامل بی کیفیت وی با مادر، ضروری می باشد. چرا که در جامعه‌ی ما هنوز شغل پرستار بچه به صورت همه گیر، بوجود نیامده است و واقعیتی که باید بپذیریم این است که، نوزادان در مهدکودک‌ها به صورت مکانیکی نگهداری می شوند و به عواطف و احساسات این موجودات بی دفاع، به درستی پاسخ داده نمی شود. همچنین به جهت نقش سنتی تعریف شده برای زن در راستای نگهداری و تربیت در جهان، عموماً پدران نیز مهارت‌های کافی در برخورد با فرزند تازه تولد یافته و نحوه‌ی پاسخگویی به نیازهای آنان را ندارند. به همین جهت بنا بر وضعیت موجود و مهر مادری طبیعی بیشتر وظیفه نگهداری از فرزند که آینده جامعه را تشکیل می دهد بر دوش مادر نهاده می شود. این مسئله در کشور ما با توجه به عدم آشنایی پدران با وظایف و نقش خویش در پرورش و الگوسازی کودکان، برجسته تر می نماید و سهمیم نمودن پدر در این روند نیازمند آموزش و آگاهی‌های لازم و صرف زمان بیشتر برای شکل گیری، تعریف نقش‌های لازم در این زمینه است. با توجه به این مطالب است که ضرورت پیش بینی مرخصی برای والدین، به ویژه مادر در حین زایمان و پس از تولد فرزند برای ما آشکار می گردد.

کنتار دوم بررسی وضعیت مرخصی زایمان در ایران و ۲۱ کشور توسعه یافته اقتصادی

با توجه به ضروریات پیش گفته، تمامی کشورهای پیشرفته اقتصادی فرصتی را برای والدین به جهت نگهداری و پاسخگویی به نیازهای کودک تازه تولد یافته خویش، در راستای شکل گیری نسلی سالم از لحاظ روانی و جسمانی در جامعه خود پیش بینی نمودند. در حال حاضر قوانین اکثر این کشورها در تلاشند که برای والدین کودک نورسیده سه امتیاز را در این مدت فراهم آورند:

■ فرصتی برای نگهداری و پرورش فرزند نورسیده
 ■ تأمین امنیت شغلی و توان بازگشت به کار پیشین

■ تأمین امنیت مالی در دوران استفاده از مرخصی
 و در این راستا مدل‌های متفاوتی را در پیش گرفته‌اند که در این گفتار مورد بررسی قرار می گیرد. هنگامی که سخن از مرخصی به سبب تولد فرزند جدید در کشورهای توسعه یافته اقتصادی به میان می آید، سخن از مرخصی والدین است و نه صرفاً مرخصی زایمان برای زن به جهت بازبایی سلامت جسمی. در واقع، این کشورها دیدگاهی کل نگرتر به مسئله مرخصی به سبب تولد فرزند جدید خانواده دارند و آن را علاوه بر زمانی برای بازبایی سلامت جسمی و روانی مادر، فرصتی برای والدین جهت صرف زمان بیشتر در کنار کودک نو رسیده خود برای نگهداری، پرورش و تربیت وی تلقی می نمایند.

تمامی این کشورهای توسعه یافته به طور حتم زمانی را حداقل به یکی از والدین جهت استفاده از چنین مرخصی اعطا می نمایند. این مدت در کشورهای مورد نظر بسیار متغیر است و از صرفاً ۱۴ هفته در کشور سوئیس تا بیش از ۳۰۰ هفته در کشور فرانسه و اسپانیا آغاز می شود؛ لیکن صرف بررسی طول اعطای دوران این مرخصی شاخص جامعی برای سنجش عملکرد یک کشور در رابطه با مرخصی والدین و سنجش وضعیت آن در کشور مربوطه نیست. از این رو به جهت سهولت در مقایسه کشورهای مختلف به صورت جامع چند شاخص اساسی در رابطه با مرخصی والدین در ۲۱ کشور پیشرفته اقتصادی مد نظر قرار می گیرد:

■ مدت زمان اعطای مرخصی به والدین؛
 ■ حمایت‌های مالی موجود از والدین در طول دوران استفاده از مرخصی؛
 ■ تأمین امنیت شغلی والدین در دوران استفاده از مرخصی؛
 ■ عدم تأثیر سیاست تعیین مرخصی مذکور در تبعیض جنسیتی؛
 ■ فراگیر بودن مرخصی مذکور برای تمامی کارکنان بخش‌های دولتی و غیر دولتی؛
 ■ امکانات و شرایط جانبی و پوشش اجتماعی پیش بینی شده برای کودک تازه متولد شده از سوی دولت؛

بند اول مقایسه مدت مرخصی والدین و میزان حمایت‌های مالی از والدین

همان‌طور که پیش‌تر نیز بیان گردید مدت مرخصی زایمان در این کشورها متغیر است. اکثر کشورهای مورد بررسی بیش از یکسال مرخصی برای والدین را پیش‌بینی نموده‌اند. در این میان ۶ کشور بیش از دو سال مرخصی برای والدین پیش‌بینی نموده‌اند که به ترتیب عبارتند از: فرانسه ۳۱۸ هفته، اسپانیا ۳۱۲ هفته، آلمان ۱۷۰ هفته، سوئد ۱۶۳ هفته، نروژ ۱۵۰ هفته و اتریش ۱۱۶ هفته (نمودار شماره ۱).

همچنین ۵ کشور مرخصی والدین کمتر از یکسال را پیش‌بینی نموده‌اند که عبارتند از: بلژیک (۴۳ هفته)، هلند (۴۲ هفته)، پرتغال (۳۱ هفته)، آمریکا (۲۴ هفته) و سوئیس (۱۴ هفته) (نمودار شماره ۱).

در میان کشورهای مورد مقایسه، سوئیس با ۱۴ هفته مرخصی کمترین میزان مرخصی را برای والدین سوئیسی در نظر گرفته است؛ لیکن باید توجه داشت که سوئیس با پرداخت ۱۱ هفته حقوق و مزایای کامل، بیش از دو سوم مدت مرخصی اعطایی خویش را تحت پوشش مالی قرار داده است (یعنی پرداخت حدود ۷۸ درصد حقوق اعطایی در دوران مرخصی والدین)؛ در حالی که در کشورهایی همچون فرانسه و اسپانیا که قابلیت اعطای مرخصی بیش از ۳۰۰ هفته را پیش‌بینی نموده‌اند؛ صرفاً ۲۲ هفته آن (حدود ۷ درصد حقوق دوران پیش‌بینی شده) در فرانسه ۱۸ هفته (حدود ۶ درصد حقوق دوران پیش‌بینی شده) و در اسپانیا تحت پوشش مالی قرار گرفته است (نمودار شماره ۱).

پس از سوئیس در میان کشورهایی که در میزان پرداختی پیمتاز هستند، به ترتیب می‌توان به فنلاند با پرداخت حدود ۶۶ درصد حقوق دوران مرخصی (پرداخت ۳۲ هفته از ۴۸ هفته مرخصی)، پرتغال حدود ۵۸ درصد (پرداخت ۱۸ هفته از ۳۱ هفته مرخصی)، حدود ۵۶ درصد (پرداخت ۳۴ هفته از ۶۰ هفته مرخصی) و کانادا حدود ۵۴ درصد (پرداخت ۲۸ هفته از ۵۲ هفته) اشاره نمود (نمودار شماره ۱).

بعد از پنج کشور نامبرده، سایر کشورهای توسعه

یافته اقتصادی کمتر از ۵۰ درصد حقوق و مزایای پرداختی در دوران مرخصی والدین را بر عهده می‌گیرند که به ترتیب عبارتند از: کشور ژاپن با پرداخت حدود ۴۹ درصد از حقوق (۲۶ هفته از ۵۸ هفته)، بلژیک حدود ۴۲ درصد (۱۸ هفته در ۴۲ هفته)، دانمارک حدود ۳۸/۴ درصد (۲۰ هفته از ۵۲ هفته)، هلند حدود ۳۸ درصد (۱۶ هفته از ۴۲ هفته)، ایتالیا حدود ۳۶/۳۳ درصد (۲۵ هفته از ۶۹ هفته)، ایرلند حدود ۳۰ درصد (۲۱ هفته از ۷۰ هفته)، نروژ حدود ۲۹/۳ درصد (۴۴ هفته از ۱۵۰ هفته)، سوئد حدود ۲۸/۸ درصد (۴۷ هفته از ۱۶۳ هفته)، آلمان حدود ۲۷/۶ درصد (۴۷ هفته از ۱۷۰ هفته)، نیوزلند حدود ۲۶ درصد (۱۴ هفته از ۵۴ هفته)، انگلیس حدود ۱۶/۳ درصد (۱۳ هفته از ۸۰ هفته)، اتریش حدود ۱۳/۸ درصد (۱۶ هفته از ۱۱۶ هفته) و آمریکا و استرالیا بدون هیچ‌گونه پرداختی (به ترتیب ۰ درصد از ۲۴ هفته، ۰ درصد از ۵۲ هفته) (نمودار شماره ۱).

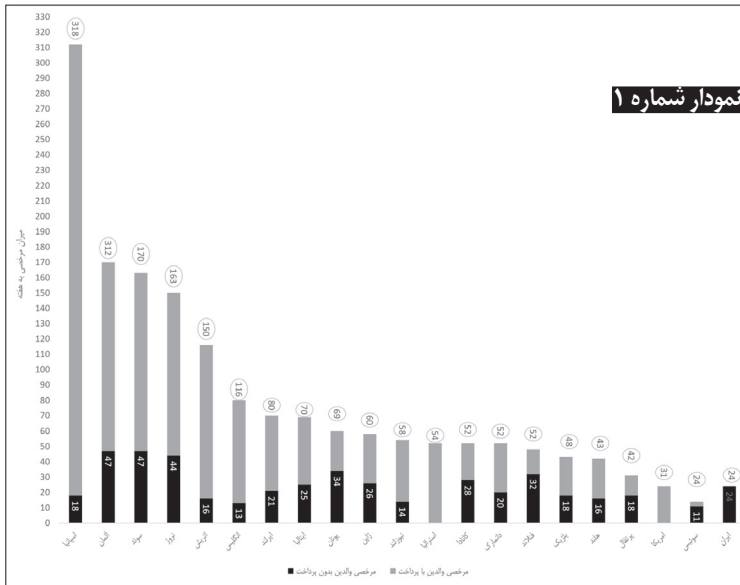
البته باید توجه داشت که استرالیا گرچه مانند آمریکا حقوق کاری فرد را تحت پوشش قرار نمی‌دهد؛ لیکن مبلغی به عنوان «کمک هزینه کودک» (۱) به خانواده‌های دارای نورسیده اعطا می‌نماید که تا حدودی جبران مخارج کودک را می‌نماید. همچنین برخی از ایالات آمریکا در دوران مرخصی والدین مبالغی پرداخت می‌نمایند اما نمی‌توان آن را به تمامی ایالات آمریکا و سطح فدرال آن تعمیم داد.^۱

به طور قطع درصد حمایت مالی و پرداختی از حقوق دوران مرخصی نقش اساسی در استفاده والدین از مرخصی مذکور دارد؛ چراکه مسلماً یک خانواده با ورود کودکی تازه و با توجه به نیازهای خاص کودک تازه متولد شده، بار مالی بیشتری را متحمل خواهد گردید و منابع مالی تأمین در این دوران نقش اصلی در گردش اقتصاد خانواده بازی خواهد نمود. به علاوه به جهت فاصله گرفتن والدین از محیط کار احساس نا امنی مالی بیشتری در درون فرد و خانواده وی شکل خواهد گرفت که می‌تواند والدین را از وقف این فرصت در راستای پرورش نورسیده خویش بازدارد. به همین جهت در صورت پیش‌بینی مرخصی‌های



مرخصی زایمان در ایران را می‌توان در کنار ایتالیا با ۲۵ هفته (رتبه هشتم) پرداخت ارزیابی نمود؛ لیکن در صورت اجرای مصوبه هیئت دولت مبنی بر اعطای ۹ ماه مرخصی زایمان به بانوان با پرداخت حقوق و مزایا، به طور قطع ایران با پرداخت حدود ۳۶ هفته حقوق در ردیف چهارمین کشور دنیا از این منظر یعنی پس از آلمان، سوئد و نروژ قرار خواهد گرفت که سیاست‌هایی مبنی بر افزایش کیفی جمعیت خویش را با توجه به مواجهه با مسئله پیری جمعیت در پیش گرفته‌اند.

طولانی مدت بدون پرداختی، والدین - به ویژه افسار کم درآمدتر جامعه که نیاز بیشتری به حمایت و استفاده از چنین دورانی را دارا هستند - اشتیاق کمتری به استفاده از مرخصی مذکور در مدت بدون پرداخت نشان خواهند داد. بنابراین صرف پیش‌بینی مرخصی والدین دراز مدت در یک کشور را نمی‌توان دلیل برتری وضعیت والدین دارای کودک تازه متولد شده در یک کشور دانست.



بند دوم مرخصی والدین و مسئله تبعیض جنسیتی در ۲۱ کشور توسعه یافته اقتصادی

موضوع مرخصی والدین و پیش‌بینی آن در قوانین کاری هر کشور می‌تواند نقش تأثیرگذاری در سیاست‌های تساوی جنسیتی بازی نماید. بدین معنی که به عنوان مثال در کشوری که مرخصی والدین تعریف نشده باشد، با توجه به نقش‌های تعریف شده جنسیتی سنتی مبنی بر خانه‌داری زن و نان‌آوری مرد، زن از محیط کار جدا می‌شود و نقش زن محدود به نگهداری و تربیت فرزند

بنابراین با کنار گذاشتن میزان مدت متغیر مرخصی والدین در این کشورها و توجه به میزان پرداختی هر یک از آن‌ها با توجه به نمودار یک، باید این گونه ادعان داشت که کلیه کشورهای مورد نظر عموماً میان سه ماه تا یکسال مرخصی والدین قابل استفاده عموم، یعنی همراه با پرداخت، برای شهروندان خویش پیش‌بینی نموده‌اند که در این میان آلمان و سوئد با پیش‌بینی ۴۷ هفته مرخصی با پرداخت حقوق یعنی حدود یکسال بیش‌تاز هستند. رتبه ایران در این میان با توجه به پرداخت ۶ ماه کامل (حدود ۲۴ هفته) حقوق و مزایا در دوران



در مقابل، سیاست تقسیم طول مدت مرخصی مذکور به طور مساوی میان پدر و مادر موجب می‌گردد که نقش‌های سنتی تعریف شده در جامعه تعدیل گردد. امنیت شغلی مادر حفظ شده و وضعیت شغلی زنان در بازار کار دچار آسیب نگردد. به علاوه، پدر نیز بر نقش خویش در تربیت و نگهداری فرزند واقف شود که این در آینده‌ی کودکان و الگوسازی‌های آنان به عنوان سازندگان جامعه آینده بسیار مثبت خواهد بود.

لیکن صرف پیش‌بینی مرخصی والدین برابر مادر برای پدر نو رسیده این عدم تبعیض جنسیتی تأمین نمی‌گردد، بلکه برای تأمین آن باید به موضوعات زیر نیز توجه داشت:

الف- غیر قابل انتقال بودن مرخصی والدین به یکدیگر

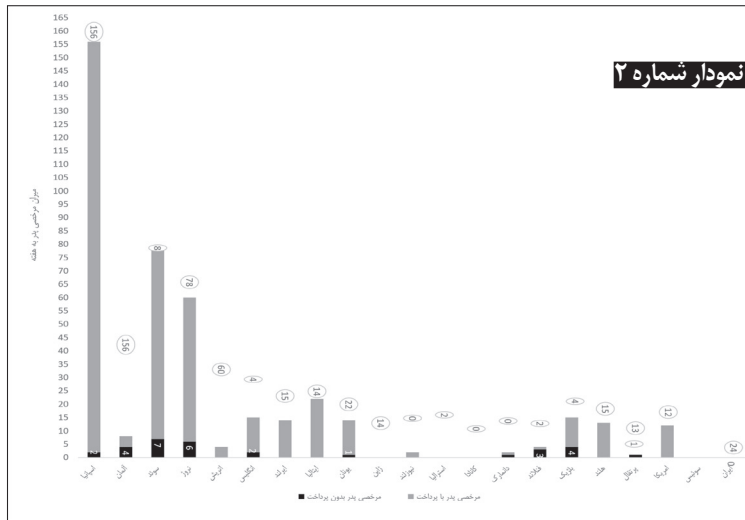
ب- میزان حقوق پرداختی به پدر با توجه به

مدت زمان مرخصی پیش‌بینی شده برای وی در اکثر کشورهای مورد مطالعه غیر قابل انتقال بودن این مرخصی پیش‌بینی گردیده است؛ لیکن در اکثر آن‌ها میزان مدت پیش‌بینی شده برای مردان و میزان حقوق پرداختی در این مدت بسیار کمتر از مادران است. وضعیت کشورها در میزان مرخصی و پرداختی آن در رابطه با مادران و پدران را در

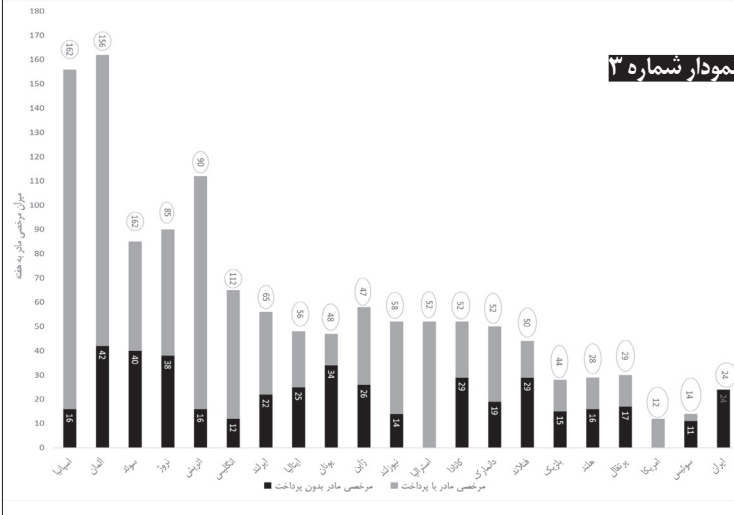
می‌گردد. از سوی دیگر پدر به جهت قرار گرفتن بار تأمین معاش خانواده به تنهایی بر عهده وی، مجبور می‌گردد با رها نمودن نقش خویش در رابطه با نگهداری و تربیت فرزند به بازار کار برای تأمین معاش خانواده برود و این در الگوسازی کودک در آینده به تبع نقش مستقیمی بازی خواهد نمود.

همچنین جامعه‌ای را فرض می‌گیریم که در آن مرخصی والدین تنها برای زن تعریف گردیده است و مرد از هیچ گونه مرخصی برای نگهداری از فرزند خویش برخوردار نیست. در چنین جامعه‌ای در وهله اول این فرض ایجاد می‌شود که گامی در راستای حمایت از زنان و حقوق آنان برداشته شده است؛ لیکن این سیاست در دراز مدت تبعات منفی را برای زنان جامعه به همراه خواهد داشت. در این جامعه نیز به طور حتم نقش‌های سنتی غالب می‌گردد و نقش مرد به بازار کار محدود گردیده و بار مسئولیت نگهداری و تربیت فرزند به تنهایی بر دوش زن قرار داده می‌شود. به علاوه، این حالت و رای آسیب‌های فوق کاهش تمایل به استخدام زنان از سوی کارفرمایان به ویژه بخش خصوصی و تعریف دستمزد پایین‌تر برای زنان در بازار کار را به همراه خواهد داشت که خود از مصادیق بارز تبعیض جنسیتی است.

نمودار شماره ۲



نمودار شماره ۳



فرزند نو رسیده و پاسخگویی به نیازهای وی را نادیده انگاشت. به طور حتم عشق و امنیتی که کودک از آغوش مادر خویش می‌گیرد با هیچ چیز قابل جایگزینی نیست. گرچه نمی‌توان نقش پدر در نگهداری و پرورش کودک را کتمان نمود؛ لیکن در وهله‌ی اول پدر به ویژه در کشورهای سنتی‌تر به جهت نقش تعریف شده برای وی نیاز به آموزش در

نمودارهای زیر می‌توان مورد مقایسه قرار داد: این میزان نابرابر از سهم پرداختی حقوق پدر در دوران مرخصی والدین نسبت به مادر موجب مواجه شدن خانواده با مشکلات معیشتی در صورت استفاده پدر از مرخصی والدین خویش خواهد شد. این روند با توجه به نقش سنتی مرد، پدر را به بازگشت به کار در دوران بدون پرداخت برای تأمین معیشت خانواده سوق خواهد داد و در مقابل مجدداً بار نگهداری از کودک و تربیت فرزند را بر دوش مادر قرار داده و نقش وی را در بازار کار کمرنگ‌تر خواهد نمود. به عنوان مثال در کشور پرتغال تا سال ۲۰۰۰ مرخصی والدین برای پدر بدون پرداخت بود. در این دوران صرفاً ۱۵۰ مرد از مرخصی مذکور استقبال نمودند؛ لیکن پس از اصلاح این قانون در ۳ سال بعد و پیش‌بینی مرخصی والدین با پرداخت به مدت ۲ هفته برای مردان، حدود ۲۷۰۰۰ پدر از این مرخصی استقبال نمودند (۳).

اما با این وجود پرسش اساسی این است که چرا کشورهای توسعه یافته همچنان مرخصی والدین را بیشتر امتیازی برای مادر در جهت نگهداری کودک محسوب می‌نمایند؟ به نظر می‌رسد با توجه به مسئله برابری جنسیتی و با عنایت به مسئله ساز بودن پیش‌بینی این مرخصی برای زنان در بازار کار همچنان نمی‌توان نقش ویژه مادر در نگهداری



اینکه در تصویب‌نامه مذکور مرخصی پدر به صورت اجباری (تشویقی) مورد تصویب قرار گرفته و مسئله پرداخت حقوق پدر در طول دوران این مرخصی اجباری بی‌پاسخ مانده است. به همین جهت موجب این ابهام می‌گردد که آیا مرخصی مذکور با پرداخت یا بدون پرداخت پیش‌بینی شده است؟ و اگر منظور اعطای مرخصی بدون پرداخت و اجباری به پدر بوده است به طور حتم نه تنها ویژگی مثبتی برای آن نمی‌توان متصور بود، بلکه موجب لطمه زدن به اقتصاد خانواده و ایجاد دغدغه برای آنان یا ملحق شدن عضو جدید به خانواده خواهد شد. به علاوه وضعیت امکان انتقال آن به مادر یا غیر قابل انتقال بودن این مرخصی نیز روشن نیست.

بند سوم فراگیر بودن مرخصی والدین برای تمامی کارکنان بخش‌های دولتی و غیر دولتی

یکی از اساسی‌ترین شاخص‌ها در اعطای مرخصی والدین عدم تعیین شرایط محدود کننده‌ای است که دایره شمول افراد استفاده کننده از این امتیاز را محدود نماید. به بیان بهتر، تمامی افراد شاغل اعم از مستخدمین رسمی، افراد دولتی دارای قراردادهای تمام وقت و پاره وقت، افراد شاغل در بخش خصوصی به طور تمام وقت و نیمه وقت باید توان استفاده از امتیاز مذکور را داشته باشند.

در میان کشورهای مورد بررسی، آمریکا علاوه بر این که تنها ۱۲ هفته برای هر یک از والدین مرخصی بدون پرداخت پیش‌بینی نموده است، این مرخصی را به شرایطی محدود نموده است که عملاً بسیاری از شاغلین این کشور قادر به استفاده از مرخصی مذکور نیستند و از این منظر محل انتقاد است. بر اساس قانون فدرال مرخصی پزشکی و خانوادگی آمریکا (۴)، تنها افراد شاغل در کارگاه‌های بالای پنجاه نفر قادر به استفاده از این مرخصی هستند مشروط بر آن که یک سال تمام برای کارفرمای فعلی خود کار کرده باشند و میزان کار این افراد در سال مذکور به ۱۲۵۰ ساعت برسد. البته کارفرمایان آمریکایی آزاد هستند به برخی یا تمامی کارمندان خویش مرخصی والدین با شرایط آسان‌تر یا حتی بدون رعایت شرایط قانون فدرال اعطا نمایند؛ لیکن باید در نظر داشت این آزادی

خصوصاً پاسخگویی به نیازهای جسمی و عاطفی کودک را دارد. در غیر این صورت حضور یک پرستار آموزش دیده و دلسوز در کنار کودک، به ویژه پرستار زن، می‌تواند نقش موثرتری در تربیت فرزند بازی کند.

متأسفانه کشور ایران تا کنون در پیش‌بینی سیاست‌های مرخصی برای فرزند نو رسیده و افزایش جمعیت توجه کمتری به نقش مردان به عنوان پدر در این سیاست داشته است و در این مصوبه جدید هیئت دولت برای نخستین بار بابتی برای توجه به نقش پدر در نگهداری فرزند تازه متولد شده خانواده باز گردیده است که از همین ابتدا مورد مخالفت دستگاه‌های ذی‌ربط به جهت بار مالی ناشی از آن قرار گرفته است؛ چراکه در جامعه ما همچنان با غلبه نقش‌های سنتی، و عدم شناخت مردان به عنوان پدر از نقش خویش در نگهداری فرزند نورسیده خود، ضرورت اعطای چنین فرصتی به پدر شناخته نشده است. اما پیش‌بینی چنین فرصت دو هفته‌ای همگام با بسیاری از کشورهای توسعه یافته جهان می‌تواند فرصت مناسبی برای آگاه‌سازی پدران از نقش خویش در رابطه با فرزندان نورسیده‌ی آنها باشد.

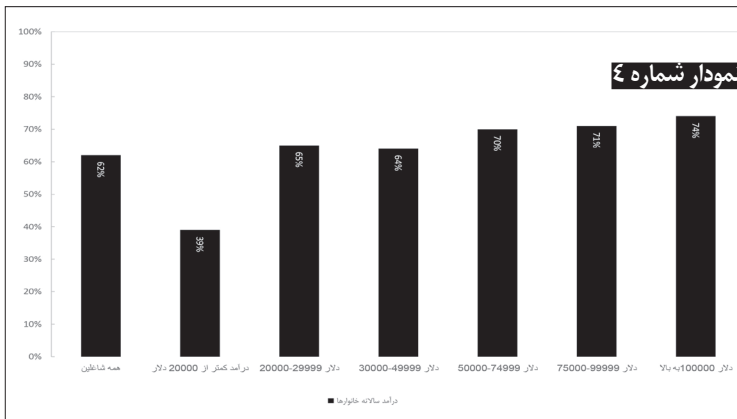
اما نکته‌ای که در اینجا باید به آن توجه داشت



به مردان و تقسیم بار نگهداری کودک و تأمین هزینه‌های خانواده میان والدین است. متأسفانه در رابطه با مصوبه جدید دولت باید بیان داشت که در وهله‌ی اول اجرا نخستین مطلبی که در طی اظهار نظرها همواره شنیده می‌شود عدم تسری قانون ۹ ماه و ۲ هفته مذکور به بخش خصوصی به جهت عدم توان تأمین بار مالی آن و ایجاد تمایل برای کارفرمایان در اعطای مرخصی مربوطه به بانوان یا به کارگیری آنان در دراز مدت می‌باشد؛ لیکن باید توجه داشت که درصد بالایی از شاغلین کشور مشغول به کار در بخش خصوصی بوده و عده‌ی قلیلی در بخش‌های دولتی تحت حمایت قانون مذکور قرار می‌گیرند که به این ترتیب علاوه بر ایجاد تبعیض مثبت در میان شاغلین سیاست افزایش کیفی جمعیت و تمایل جوانان به فرزندآوری را تأمین نموده و تنها بار مالی بالایی برای تعدادی محدود بر

عمل برای کارفرمایان ۲۰ کشور دیگر نیز وجود دارد اما شرایط پیش‌بینی شده در قانون آمریکا تصمیمات شخصی کارفرما را در اعطای این مرخصی تأثیرگذار می‌نماید و پیش‌بینی چنین حقی برای افراد را تا حد زیادی به سلاقی شخصی واگذار می‌نماید.

بر اساس تحقیقات صورت گرفته در سال ۲۰۰۲ حدود ۴۰ درصد نیروی کار آمریکا تحت پوشش مرخصی والدین قرار نمی‌گیرند چرا که یا شرایط کارگاه ۵۰ نفره را ندارند و یا ۱۲۵۰ ساعت کار در طول یکسال برای کارفرمای خویش را پر نکرده‌اند. بر اساس همین آمار اکثریت افرادی که شرایط لازم برای دریافت مرخصی را ندارند از خانواده‌های دارای سطح درآمد پایین جامعه آمریکا هستند که در نمودار زیر این وضعیت قابل مشاهده است (۵):



دوش دولت قرار خواهد داد. به ویژه با عنایت به این نکته که در ایران عموماً افراد شاغل به صورت پاره وقت یا مشغول به کار به غیر از شکل قراردادهای پیمانی از هیچگونه مزایای شغلی بهره‌مند نمی‌گردند و تعداد بسیار اندکی از کارمندان دولت در حال حاضر به شکل استخدامی یا پیمانی مشغول به کار هستند. چنین تصویری ضرورت اجرای چنین مصوبه‌ای با بار مالی بالا را چالش برانگیز خواهد نمود.

بند چهارم **تأمین امنیت شغلی و سایر امکانات برای والدین**

همچنین برای تمایل بخش خصوصی به اجرای قانون مرخصی والدین به شاغلین خویش، دولت در وهله‌ی اول باید وضعیت بیمه این افراد در طول مدت مرخصی زایمان را روشن نماید و پرداخت آن را بر عهده گیرد، به علاوه حمایت‌های مالی لازم را از جمله در بخش مالیات ارائه نماید تا بخش خصوصی راغب به اجرای طرح مربوطه بدون دغدغه‌های آتی آن گردد. یکی از مهم‌ترین سیاست‌ها برای جلوگیری از طرد شدگی زنان در بخش خصوصی، اعطای مرخصی مشابه





در نهایت نکته‌ای که بی‌شک کم ارزش‌تر از نکات پیش‌گفته نخواهد بود، تأمین امنیت شغلی فرد استفاده‌کننده از مرخصی است. زیرا فردی که برای نگهداری و پرورش کودک خویش فرصتی را برای دور شدن از دغدغه‌های کاری برمی‌گزیند، نیاز به فکری بی‌دغدغه برای دستیابی به مقصود خویش دارد و در صورتی که چنین مرخصی نخواهد موجب از دست دادن شغل فرد یا عدم بازگشت وی به کار گردد، بی‌شک فرد از استفاده از چنین مرخصی استقبال نخواهد کرد و چه بسا فکر فرزندآوری در بازار کار رقابتی امروز را کنار خواهد نهاد. بدین جهت یکی از ارکان اولیه مفید واقع شدن چنین قانونی، دادن تضمین و امنیت شغلی به فرد و بازگشت بی‌دغدغه‌ی وی به کار پیشین خویش پس از اتمام دوره خواهد بود. نکته‌ای که تمامی کشورهای جهان و همچنین ماده ۷۶ قانون کار ایران و ماده ۳ قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران بارداری ۱۳۷۴ به آن توجه داشته‌اند.

لیکن با پیش‌بینی این مصوبه جدید مبنی بر ۹ ماه مرخصی و عدم تأکید بر تضمین امنیت شغلی مادران و مواجه شدن مادرانی که عملاً از این مرخصی استفاده نموده‌اند با ناامنی شغلی، این رکن اساسی حقوق کار را در ایران خدشه‌دار نموده است و در اولین فرصت، پیش از تأثیرپذیری جامعه از تبعات رخداد چنین ناهماهنگی، باید مورد بررسی و اصلاح واقع گردد.

به علاوه، باید در نظر داشت صرف پیش‌بینی یک دوران طولانی یا حقوق مکفی در دوران مرخصی والدین را نمی‌توان تضمین کافی برای زوجین جوان به فرزندآوری دانست و کشورهای از جمله سوئیس که دوران کوتاه‌تری را پیش‌بینی نموده‌اند دارای سیاست نامناسب معرفی نمود؛ بلکه باید به خدمات ارائه شده اجتماعی از سوی دولت‌ها نیز در کنار این مرخصی به صورت یک بسته اجرایی کاملاً مرتبط و تأثیرگذار بر هم مورد بررسی قرار داد. به عنوان مثال در بسیاری از کشورهای نامبرده، هر خانواده با تولد فرزند جدید حق استفاده از پرستاران و مراقبان آموزش دیده را با کمک هزینه‌های دولتی مکفی پیدا خواهد کرد که می‌تواند تضمین مناسبی برای بازگشت بی‌دغدغه به بازار کار برای والدین کودک باشد. همچنین در بسیاری کشورها کودک از بدو تولد از مستمری دولتی و بیمه عمر و درمان کامل توسط دولت بهره‌مند خواهد شد که تا حدودی از دغدغه‌های والدین برای آینده کودک خواهد کاست که به جا است مورد توجه مسئولین کشور ما در پیش‌بینی سیاست‌های فرزندآوری به



والدین جوان در نگهداری فرزند خویش و حضور فعال در محیط کار باشد.

به نظر می‌رسد حل این معضل و ایجاد پایگاهی امن برای والدین در جهت نگهداری از فرزند خویش در کنار فعالیت در محیط اجتماعی، اساسی‌ترین نقش را در تمایل والدین جوان به فرزندآوری خواهد نمود و مطرح نمودن توجیهاتی از جمله عدم توان تأمین اعتبار مالی چنین طرحی برای دولتی که در راستای سیاست افزایش کیفی جمعیت گام بر می‌دارد، پذیرفته نیست. چراکه چطور از زوج جوانی که دولت توان مالی برآوردن نیازهای اولیه آنان را جهت فرزندآوری ندارد می‌توان انتظار داشت تا بی‌دغدغه به امر زاد و ولد و فرزندآوری روی آورند؟

پانوش و منابع:

- 1- Baby Bonus
- 2- Ray, Rebecca; C. Gornick, Janet; Schmitt, John, "Parental Leave Policies in 21 Countries", Center for Economic and Policy Research, Washington, D. C., 2009, (Available at: www.cepr.net, 20 June 2014), P 6.
- 3- Ibid, P 13.
- 4- Federal Family and Medical Leave Act (FMLA).
- 5- Crittenden, Ann, "The Price of Motherhood: Why the Most Important Job in the World is Still the Least Valued?" MacMillan, New York, 2002.

ویژه در راستای افزایش کیفی جمعیت قرار گیرد.

سخن پایانی

با عنایت به رویکردهای کلان کشوری به سوی سیاست‌های افزایش جمعیت به جهت جلوگیری از مواجهه با پدیده پیری جمعیت در سال‌های آتی و با توجه به اهمیت رشد کیفی در مقوله افزایش جمعیت در راستای توسعه اجتماعی کشور به منظور جلوگیری از افزایش مسائلی چون فقر، اعتیاد، بی‌سوادی و... پیش‌بینی فرصتی مناسب و سنجیده برای والدین جهت نگهداری و پرورش کودک خود، مطلوب به نظر می‌سد و موجب ایجاد تمایل در زوج‌های جوان به فرزندآوری خواهد شد. باید توجه داشت بر اساس مسائل مطروحه در نظریات دلبستگی و مشکلات ناشی از ایجاد دلبستگی ناایمن در کودک از جمله ایجاد سطوح بالای افسردگی، اضطراب و عواطف منفی در کودک و بر مبنای این نکته که آغاز دلبستگی کودک از سن ۶ ماهگی است؛ ۶ ماه مرخصی پیش‌بینی شده برای مادر در قانون ما نه تنها ناکافی بلکه مخرب است؛ چرا که با شروع دلبستگی کودک به مادر که تا دیروز در کنار وی بود و نیازهای عاطفی و جسمی او را به موقع پاسخ می‌داد به ناگاه او را ترک می‌نماید و به محیط کار باز می‌گردد.

با این رویکرد پیش‌بینی مرخصی ۹ ماهه برای مادر تا حدودی به حال کودک مناسب‌تر است و تا حدودی رعایت غبطه مادر به عنوان یک فرد فعال در جامعه و کودک نورسیده در آن رعایت شده است. به علاوه، برای حل مشکل نقش دوگانه زن به عنوان مادری و شاغل بودن می‌تواند با آموزش‌ها و دوره‌های لازم، پرستارهای آموزش دیده و کارآموده در این رابطه تربیت نمود و فرهنگ استفاده از پرستار را در جامعه ایران همه‌گیر نمود. و در این میان دولت می‌تواند با پرداخت کمک هزینه‌های مکفی و نظارت بر عملکرد این پرستاران به والدین جهت حضور در محیط کار با آرامش خاطر کمک نماید. همچنین بالا بردن کیفیت و کمیت مهد کودک‌ها و در دسترس قرار دادن مهدکودک‌های مناسب و استاندارد برای مادران با کمک هزینه‌های دولتی می‌تواند پاسخگوی دغدغه





پریسا سفیدپری
کارشناس ارشد حقوق بشر



حمایت از حقوق مالی زنان در نظام حقوقی خانواده

(ظرفیت‌ها و چالش‌ها)

همزمان با اعتلای نقش پذیری زنان در جوامع انسانی و پذیرش تأثیر گذاری آنان در حوزه‌های مربوط به توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بر اهمیت تبیین این موضوع افزوده شده و بر همین اساس بیش از پیش لازم است به ضرورت حمایت بیشتر در ارتقاء این جایگاه که بی‌تردید با تلاش خود زنان حاصل گردیده، تاکید گردد که در این راستا ایجاد ظرفیت‌های قانونی متناسب با بستر فرهنگی جامعه می‌تواند زنان را در رسیدن به نقطه مطلوب یاری رساند. با نگاهی اجمالی به قوانین موضوعه داخلی می‌توان به دیدگاه قانون گذار به استقلال اقتصادی زنان و حفظ حقوق مالی آنان در نظام خانواده پی برد که البته این امر تا قبل از انحلال نکاح، به مراتب سهل تر می‌باشد و متأسفانه در صورت انحلال زوجیت و با فرا رسیدن امحای نقش زن به عنوان همسر در صورت وقوع طلاق، حفظ و استیفای حقوق مالی زنان که در سال‌های زندگی مشترک با هدف توسعه اقتصادی خانواده برای آن کوشیده‌اند تا حد بسیاری دشوارتر از قبل می‌باشد که در ادامه بحث بیشتر به آن پرداخته خواهد شد. در مقاله حاضر تلاش گردیده نظام حقوقی حاکم بر استقلال مالی زن در خانواده و به ویژه در قالب رابطه زوجیت ناشی از عقد نکاح دائم مورد بحث و ارزیابی قرار گیرد.

مقاله حاضر در راستای همدردی با خانم معصومه م. زن سخت کوش ایرانی به ایشان تقدیم می‌گردد.





۱) مروری بر حمایت از حقوق مالی زن در خانواده از منظر نظام حقوقی ایران

همانطور که در بالا بیان گردید جوامع انسانی امروزی با پدیده حضور مؤثر زنان در فعالیت‌های خرد و کلان اقتصادی روبرو می‌باشند که البته این تأثیرگذاری زنان به حدی ملموس و شایان توجه بوده که فقدان آن موجبات بیم دیگر اعضای جامعه را فراهم می‌آورد. بهر حال این نقش‌پذیری زنان در جامعه امروزی در بردارنده منافع اقتصادی برای خانواده‌ها و به ویژه همسرانشان می‌باشد. بر اساس ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی، زن دارای استقلال اقتصادی است و می‌تواند هر گونه دخل و تصرف در دارایی خود نماید و به هیچ وجه نیازمند تجویز زوج نمی‌باشد و قانون‌گذار مداخله خود سرانه زوج را در دارایی تحت تملک زن مورد تبیح قرار داده و در صورت وقوع چنین عملی با توجه به فعل صورت گرفته، موجبات مسئولیت کیفری زوج را به عنوان مرتکب فعل مجرمانه در بر خواهد داشت. به نحوی که اگر زوج با سوء نیت و بدون کسب رضایت زوجه یعنی با احراز تحقق عناصر مادی و معنوی تصرف غیرقانونی اموال متعلق به زوجه توسط زوج، این تصرف غیر قانونی می‌تواند حتی مصداق «سرقت» بوده و قابل تعقیب کیفری می‌باشد. با عنایت به اینکه استفاده مشترک با مالکیت مشترک متفاوت است، پذیرش استفاده مشترک از اموال و منافع نمی‌تواند نافی مالکیت بوده و اماره قانونی تصرف را منتفی نمی‌نماید. به عنوان مثال اگر اتومبیل تحت مالکیت زوجه مورد استفاده مشترک وی و همسرش باشد در صورتی که تعدی و یا تفریط زوج منجر به تلف و یا بروز خسارت به اتومبیل متعلق به زوجه گردد، به نظر می‌رسد زوج در قبال همسر خود مسئول جبران خسارات وارده خواهد بود. با این تفاسیر زن نیز طبق قانون مانند هر انسان دیگری در هر وضعیت و در هر سن از اهلیت تمتع برخوردار بوده و بر این اساس می‌تواند مالک مال گردد. این اهلیت برای اشخاص اعم از زن و مرد با زنده متولد شدن آغاز و با مرگ پایان می‌پذیرد و بهره‌مندی زن از اموال متعلق به وی همانطور که بیان گردید در ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی تضمین گردیده و این حق زن در اداره اموالش با ازدواج متوقف و یا محدود

نخواهد شد. در زمان تصویب قانون مدنی ایران (سال ۱۳۱۳ ه. ش) هنوز قانون مدنی فرانسه اصلاح نگردیده بود و بر اساس مواد ۲۱۲ به بعد آن قانون شوهر حکم قیّم را نسبت به زن داشت و زن نمی‌توانست بدون اجازه شوهر هیچگونه عمل حقوقی از قبیل خرید، فروش، بذل، واگذاری و امثال آن انجام دهد و طبعاً تصرفات او در اموال خود وی نیز بدون اجازه شوهر میسر نبود حتی در صورت اشتغال زن به حرفه‌ای (که می‌بایست با موافقت شوهر باشد) درآمد حاصل از آن در اختیار شوهر قرار می‌گرفت. بدین لحاظ ارتقاء حقوق مالی زن در قوانین موضوعه را می‌توان در گرو مجاهدت حقوق‌دانان این عرصه و تحول نگرش به جایگاه و استقلال زن از حیث مسائل اقتصادی دانست اما آنچه با عنایت به ظرفیت‌های قانونی مورد اشاره از اهمیت بسزا برخوردار می‌باشد نخست همپایی نگرش عام جامعه به مقوله استقلال مالی زن با قوانین موجود و از همه مهم‌تر ایجاد رویه قضایی



از دیگر موضوعات قابل بحث در این خصوص حقوق مالی زن و موانع استیفای آن در صورت انحلال نکاح می‌باشد. انحلال عقد نکاح دائم در سه شکل طلاق، فسخ و یا فوت یکی از زوجین ممکن می‌باشد و در اینجا به بحث پیرامون انحلال عقد نکاح غیر دائم و آثار اقتصادی آن بر زن صرفاً به دلیل تفاوت‌های بارز آن با عقد نکاح دائم پرداخته نخواهد شد و امید است در آثار بعدی مباحث و مسائلی مربوط به عقد نکاح غیر دائم از منظر حقوق مالی زن بطور مفصل و مستقل مورد مذاقه پژوهشگران و حقوق دانان قرار گیرد.

بر اساس یکی از شروط ضمن عقد نکاح که در سند نکاحیه آمده است در صورتی که طلاق از ناحیه زوج بوده و علت آن طبق تشخیص دادگاه ناشی از تخلف زن از وظایف زناشویی یا سوء رفتار وی نباشد زوج موظف است تا نصف دارایی موجود خود را که در ایام زناشویی با او به دست آورده یا معادل آن را طبق نظر دادگاه به صورت بلاعوض به زوجه منتقل نماید. در توضیح بیشتر در خصوص این شرط مقرر در سند نکاحیه می‌بایست اذعان نمود که علیرغم ظاهر واژگان بکار رفته که شاید حاوی وضعیت مطلوبی برای زن در هنگام طلاق به نظر رسد، تحقق آن دشوار می‌باشد. همانطور که در ابتدای بحث نیز به آن اشاره شد استیفای حقوق مالی زن در زمان طلاق امری بسیار دشوار است و در حقیقت با وجود آنکه زن به خواسته شوهر طلاق داده می‌شود، استیفای آنچه در سال‌های زندگی مشترک با همسرش حاصل گردیده مقید به تحقق شرایط ذیل می‌باشد:

● وقوع طلاق: اجرای این شرط برخلاف سایر شروط، صرفاً منوط به واقعه طلاق است و بدون وقوع آن قابل اجرا نیست و امکان الزام شوهر برای اجرای شرط قبل از درخواست طلاق ناشی از درخواست وی وجود ندارد. بر همین اساس شرط تنصیف دارایی به دیگر صور انحلال نکاح مانند فسخ یا فوت زوج تسری نیافته است.

● زوج، خواهان طلاق باشد: یکی از شرایط تحقق شرط تنصیف دارایی این است که زوج بخواهد زوجه را طلاق دهد و وی ارائه کننده دادخواست طلاق باشد و نه اینکه زوجه خواهان طلاق باشد.



متناسب با آن قوانین می‌باشد به طریقی که محاکم به عنوان صیانت‌کنندگان قانون و مرجع تنظیم خواهی اشخاص احقاق حق را صرف نظر از رابطه زوجیت میان مدعی و مدعی علیه سر لوحه دادرسی قرار دهد و به نقل از دکتر ناصر کاتوزیان «فصل خصومت نباید جایگزین احقاق حق شود» چرا که در پرونده‌های قضایی خانواده عمدتاً تلاش محاکم با هدف و نیت پایان بخشیدن خصومت‌های میان زوجین گاهی ممکن است منجر به دور افتادن از مسیر عدالت شود که برای نیل به هدف متعالی احقاق حق می‌بایست همواره چهارچوب عدالت را تحت هیچ شرایطی قربانی مسائلی دیگر ننماییم زیرا امنیت روابط انسانی از هر نوع، در سایه اجرای عدالت تضمین خواهد شد و از این منظر رعایت عدالت در رسیدگی به اختلافات زوجین غیر قابل اغماض می‌باشد که در غیر اینصورت فصل خصومت بدون در نظر گرفتن اقتضای عدالت ناپایدار خواهد بود.



منافع عالیه کودک لحاظ گردیده است که از آن جمله اسناد می‌توان به بند ۱ ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و قسمت (پ) بند ۱ ماده ۱۶ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان نام برد.

از دیگر آسیب‌های وارده به حقوق مالی زن در خانواده را می‌توان تعیین سقف ۱۱۰ عدد سکه برای مهریه دانست که البته دخالت قانون در تعیین میزان بهره‌مندی مطلق زن از مهریه ضربه سنگینی را به حقوق مالی زن وارد خواهد ساخت. آنچه در واقع در نظام حقوقی ایران که ریشه در قواعد اسلامی دارد پذیرفته شده آن است که ایفای دین از سوی مدیون نیازمند اثبات تمکن مالی توسط داین نبوده و مدیون می‌بایست اعسار خود را از پرداخت دین ثابت نماید. علاوه بر آن تحدید دسترسی زن به مهریه توسط قانون حقوق دفاعی زن را نیز در معرض تزلزل قرار داده و در تضاد با آموزه‌ها و موازین مسلم دین مبین اسلام که همواره تساوی (و نه تشابه) حقوق زن و مرد را مورد تصدیق قرار داده، می‌باشد. این قانون نه تنها از میزان طرح دعای مطالبه مهریه در محاکم نکاسته بلکه تدبیری جایگزین برای محدود ساختن زن به بهره‌مندی از آنچه در ملکیت او قرار دارد، در نظر گرفته نشده است.

۲۱ حقوق مالی زن از منظر اسناد بین‌المللی

در قیاس با آنچه در نظام حقوقی داخلی در خصوص حقوق مالی زن و صیانت از آن بیان گردید کنوانسیون رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان (مصوب ۱۹۷۹) سازمان ملل متحد حقوق مالی زنان را صرف نظر از وضعیت تأهل و یا مجرد آنان به رسمیت شناخته و حقوق مالی زنان را بطور کلی مورد حمایت قرار می‌دهد. وفق بند ۳ ماده ۱۵ کنوانسیون مذکور «دول عضو موافقت می‌نمایند که کلیه قراردادهای و سایر اسناد خصوصی از هر نوع که دارای اثر قانونی بوده و در جهت محدود کردن امکانات قانونی زنان باشد، کان لم یکن تلقی گردد». بر اساس مفاد این ماده هر گونه توافق که منجر به محدود نمودن زن از دسترسی به حقوق قانونی از جمله حقوق مالی وی و بهره‌مندی از آنها شود، فاقد اثر تلقی گردیده است که به نحوی مؤید

● طلاق مستند به تخلف زن از وظایف زناشویی یا سوءاخلاق و رفتار وی نباشد؛ چنانچه سوءرفتار و سوءاخلاق زوجه بهر جهت علت تقاضای طلاق توسط زوج باشد با اثبات آن، شرط تصفی دارایی تحقق نمی‌یابد. مثلاً هرگاه زوج، نشوز و عدم تمکین زوجه را اثبات کند، این شرط برای زوجه قابل استفاده نخواهد بود.

● ملاک «تا» نصف اموال یا معادل آن می‌باشد: در این شرط عبارت «تا نصف دارایی» یا معادل آن ذکر شده که این میزان می‌تواند از پایین‌ترین درصد اموال زوج تا سقف پنجاه درصد آن تلقی شود که تعیین آن به نظر دادگاه بستگی دارد.

● دارایی حاصل زندگی زناشویی با زوجه باشد: یکی دیگر از شرایط تحقق شرط مذکور حصول دارایی زوج، در زمان زندگی زناشویی با زوجه است، لذا به اموالی که زوج پیش از ایام زناشویی داشته (نه از تاریخ عقد) و اموال موروثی سرایت پیدا نمی‌کند، زیرا به مال ناشی از ارث اموال به دست آورده در زمان زناشویی اطلاق نمی‌شود.

● دارایی در حین طلاق موجود باشد: موجود بودن اموال حین طلاق شرط لازم برای اجرای این شرط است. بنابراین شامل اموال از بین رفته اعم از تلف یا مفقود شده، نمی‌شود. همچنین آنچه موضوع شرط است، دارایی زوج است، لذا به نظر باید دیون زوج نیز مدنظر قرار گیرد. به عنوان مثال اگر زوج نسبت به مهر زوجه‌ای که می‌خواهد او را طلاق دهد یا زوجه دیگرش مشغول‌الذمه باشد، پرداخت مهریه زوجه مذکور یا زوجه دیگر از دارایی زوج، نسبت به اعمال شرط تصفی دارایی مقدم است و حتی بنا بر نظری اجرای این شرط نسبت به مستثنیات دین هم ممنوع بوده و تعهد به انتقال تا نصف مال زوج نیز نمی‌تواند از این قاعده کلی مستثنی باشد.

در واقع می‌توان بیان داشت که وضعیت و حقوق مالی زن تا زمانی در سایه قوانین و مقررات تضمین می‌گردد که زندگی زناشویی دوام یابد. لیکن باید این مهم را مورد توجه قرارداد که طلاق به منزله پایان خانواده محسوب نمی‌شود بلکه روابط والدین و کودک همچنان ادامه دارد و در اسناد بین‌المللی با عنایت ویژه و برابری زوجین در انحلال نکاح



پی‌نوشت‌ها:

۱- طبق نظر مشورتی شماره ۷/۳۰۵۹-۱۳۸۶/۵/۱۰ اداره حقوقی قوه قضاییه در صورتی که زوج مدعی مالکیت اموال تحت تصرف مالکانه همسر خود گردد، زوج می‌بایست ادعای خود را اثبات نماید، در غیر اینصورت دادگاه می‌بایست براساس اماره قانونی تصرف مبادرت به صدور رأی نماید.

۲- قانون‌گذار در صورت احرار وجود رابطه امانی توسط مدعی، امین را ضامن خسارات ناشی از تعدی و تفریط وی می‌داند. ر.ک به ماده ۶۱۴ قانون مدنی.

۳- ماده ۹۵۶ قانون مدنی: «اهلیت برای دارابودن حقوق با زنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام می‌شود».

۴- حسین، مهرپور، مباحثی از حقوق زن، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۸۴، ص. ۳۵.

۵- بولتن خبری تحولات جدید حقوق زنان و کودکان، امور تحقیق و پژوهش کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، بهار ۱۳۸۸، ص. ۱۹۵.

ضرورت حمایت از حقوق**مالی زن در خانواده و به ویژه****پس از طلاق اقتضا می‌نماید****تا قواعد حقوقی جامع و****گسترده تری در این خصوص****تدوین گردد.**

اصل استقلال اقتصادی زنان در نظام حقوقی ایران می‌باشد.

سخن پایانی

با عنایت به آنچه از نگاه موازین داخلی و بین‌المللی و در صدر آن کنوانسیون رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان معروض گردید، می‌توان این نکته را خاطر نشان نمود که ضرورت حمایت از حقوق مالی زن در خانواده و بویژه پس از طلاق اقتضا می‌نماید تا قواعد حقوقی جامع و گسترده‌تری در این خصوص تدوین گردد. ثاباً لازم است در رویه قضایی حاکم بر دعاوی مالی میان زوجین ابداعاتی با هدف توانمندسازی بنیه اقتصادی زنان در طول زندگی مشترک و بویژه پس از طلاق صورت گیرد تا از آسیب‌های اجتماعی ناشی از ضعف وضعیت مالی زنان مطلقه پیشگیری شود. از سوی دیگر در عصر کنونی چه بسا انتظاراتی نیز در اذهان جامعه امروز از زن به عنوان کمک رسان اقتصادی خانواده نقش بسته که لزوم حمایت از زنان را در این خصوص تقویت می‌نماید. از سوی دیگر با وجود آمار فزاینده زنان شاغل لازم است تا حمایت‌های قانونی گسترده‌تری از حقوق مالی زنان در نظر گرفته شود و ساز و کارهای قانونی متناسب با حفظ حقوق مالی آنان در خانواده با توجه به سلطه غالب مردان بر خانواده‌های ایرانی، تعبیه گردد تا به طریقی شایسته حقوق مالی زنان مورد حمایت جامع قانونی قرار گیرد. لذا باید اذعان داشت خلاء وجود قوانین و ساز و کارهای حمایتی متناسب با حمایت از استقلال اقتصادی زنان در نظام خانواده می‌تواند با توجه به آسیب پذیری زنان مصداق نوعی خشونت نیز تلقی گردد.





فاطمه جعفری
کارشناس ارشد
مددکاری اجتماعی

چگونه اعتیاد همسر موقعیت زن را به چالش می کشاند؟

تهدیدها، چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی همسران مبتلایان به سوء مصرف مواد

برآوردهای فعلی در سطوح بین‌المللی و ملی حاکی از افزایش افراد مبتلا به سوء مصرف مواد می‌باشد. در کنار این افزایش تصاعدی به پیچیدگی پیامدهای حاکی از آن افزوده شده و ابتلای افراد به چند ماده در آن واحد و شیوع مواد محرک و روان گردان در کنار مواد مخدر، نظام‌های فردی، خانوادگی و جامعه را بیشتر در معرض خطر قرار داده است. در این مقاله سعی بر آن بوده است به موضوع مواد مخدر و محرک در حوزه‌ی خانواده و صرفاً در رابطه‌ی زن و شوهر پرداخته شود و این موضوع که سوءمصرف شوهر چه فرصت‌ها و تهدیدهایی برای زن پیش رو دارد و این که آیا ما با پدیده‌ی اجتماعی همسران افراد مبتلا به سوءمصرف مواد مواجه هستیم؟ و آیا لازم است به این مقوله از نگاه ساختاری و کلان‌تر پرداخته شود؟ این موضوع زمانی اهمیت می‌یابد که به این نکته پردازیم که خانواده یکی از نهادهای اساسی جوامع است که در ایران کماکان اهمیت خود را به عنوان کانونی برای جامعه پذیری حفظ کرده است و سؤال اساسی این است که چگونه اعتیاد همسر موقعیت زن را به چالش می‌کشد؟ و آیا به چالش کشیدن جایگاه زن به عنوان یکی از عوامل مهم جامعه‌پذیری، نظام جامعه‌پذیری را برای فرزندان دچار آسیب نمی‌کند؟

لازم به ذکر است در این یادداشت سعی شده است صرفاً وضعیت همسرانی بررسی شود که بعد از اطلاع از بیماری شوهر، مانند در کنار او و حمایت جهت درمان و مداخله را انتخاب می‌نمایند. درواقع، زنان نسبت به سوءمصرف همسر، انتخاب‌های متفاوتی را حسب توانمندی‌های فردی، شبکه‌های حمایتی، بافت فرهنگی و اجتماعی انتخاب می‌نمایند. تعدادی از زنان جدایی را بهترین گزینه دانسته و این مسیر را طی می‌کنند و عده‌ای از زنان نیز باز حسب ویژگی‌های فردی، شبکه‌ی حمایتی، بافت فرهنگی - اجتماعی، وضعیت فرزندان و دیگر عوامل، مانند و ادامه‌ی زندگی را ترجیح می‌دهند. از این زاویه، مقاله‌ی حاضر تلاش دارد تأثیر سوءمصرف مواد بر شش کارکرد اساسی خانواده و نیز کارکردهای اقتصادی آن را با تمرکز بر جایگاه زن مورد بررسی قرار دهد.



● مرحله‌ای که فرد تردیدهای بین مصرف و درمان را تجربه می‌کند؛ لیکن باز تمایل اصلی برای درمان ندارد؛

● مرحله‌ای که در نهایت فرد تمایل به درمان پیدا کرده و تصمیم قطعی بر درمان می‌گیرد.
شایان توجه است که با توجه به این که سوءمصرف مواد بیماری مزمن می‌باشد، احتمال رفت و آمد مکرر فرد در این مراحل وجود دارد؛ نیز از آن جایی که زن نسبت به این مراحل آشنایی ندارد به محض اطلاع از این موضوع در صورت ماندن و مراقبت از همسر از همان ابتدا تلاش خود را برای درمان همسر می‌نماید و در این مرحله از تأمین نیازهای آموزشی، تفریحی و دیگر نیازهای خود چشم‌پوشی کرده و تمام توان خویش را صرف مراقبت از همسر می‌نماید و در صورت داشتن اولاد حتی در پارهای از مواقع از برخی نیازهای فرزندان خود هم چشم‌پوشی می‌کند و عموماً در این مسیر مراحل ذیل را طی خواهد کرد:

● مرحله‌ای که زن نقش فعال جهت مراقبت از همسر دارد و تمام وقت و انرژی خود را صرف حل این مسئله می‌نماید و به مراکز درمانی متعدد، افراد صاحب نظر مختلف، آشنایان حمایت‌گر و دیگر موارد مراجعه می‌کند تا درمان اصلی محقق شود؛ زیرا این خطای شناختی را دارد که عدم درمان همسر به دلیل عدم وجود یک راهکار درمانی مناسب است و انگیزه و تمایل فرد را برای درمان نادیده می‌گیرد. با طولانی شدن این مرحله و فرسایش روانی زن، وی به مرحله‌ی بعدی می‌رسد. لازم به ذکر است در این مرحله زن نقش کنترل‌گر را داشته و رابطه‌ی زن و شوهری در پارهای مواقع به رابطه‌ی مادر و فرزندی تغییر می‌یابد؛

● زن بعد از تلاش‌های مکرر در اثر نرسیدن به نتیجه‌ی مورد نظر وارد مرحله‌ای دیگر می‌شود و در این مرحله احساساتی چون خشم را تجربه می‌کند. خشم ناشی از ناکامی تلاش‌هایش برای بهبودی همسر و در برخی مواقع تجربه‌ی این احساسات منفی منجر به خشونت‌های خانگی از سوی او و اعمالی؛ نظیر کودک آزاری از ناحیه‌ی او می‌شود.

● در این مرحله زن سر خوردگی، بی‌تفاوتی و انزوا را تجربه می‌کند و تبدیل به بیمار دوم خانواده

۱ پیامدهای سوءمصرف مواد بر کارکردهای اساسی خانواده با تمرکز بر جایگاه همسران

جامعه‌شناسان برای خانواده شش کارکرد در نظر گرفته‌اند که عبارتند از: تأمین پایگاه اجتماعی، تنظیم رفتار جنسی، حمایت و مراقبت، جامعه‌پذیری، عاطفه و همراهی و تولید مثل. در ادامه به تفصیل به هر یک از آنها پرداخته می‌شود.

۱-۱ تنظیم رفتار جنسی

از جمله نیازمندی‌های مشترک زن و شوهر رفتار جنسی مناسب و قاعده و نظامندی آن است. سوءمصرف مواد محرک و مخدر تأثیر مستقیم بر رفتارهای جنسی مرد داشته و زن تحت تأثیر آن دوره‌هایی از محرومیت‌های جنسی و یا افزایش فعالیت جنسی را تجربه می‌کند. محرومیت جنسی سرمنشأ سرخوردگی و آسیب‌های روانی در فرد شده و افزایش فعالیت‌های جنسی مرد تحت تأثیر مواد محرک؛ چون شیشه، حسی از تجاوز و خشونت جنسی را در زن ایجاد می‌کند و یا در پارهای مواقع مرد سوءمصرف‌کننده به دلیل داشتن شرکای جنسی متعدد، زن را دچار تجربه‌ی خیانت و مشکلات ناشی از آن می‌کند. نیز در پارهای موارد زن به عنوان تنبیه مرد از برقراری روابط جنسی و ابراز علاقه به مرد خودداری می‌نماید و این ممانعت به افزایش تعارضات زناشویی می‌انجامد.

۲-۱ حمایت و مراقبت

به تبع مصرف همسر، رابطه‌ی زن و شوهر به رابطه‌ی «مراقبت‌کننده - مراقبت‌شونده» تغییر می‌یابد و زن تمام تلاش خود را برای بهبودی همسر انجام می‌دهد. در این جریان چون زن به چرخه‌ی اعتیاد آشنایی ندارد دچار فرسایش روانی و یأس می‌شود. اصولاً سوءمصرف مواد چهار چرخه‌ی ذیل را طی می‌کند:

● مرحله‌ی انکار: مرحله‌ای که مرد اعتیاد خود را نمی‌پذیرد و ممکن است توقف فرد در این مرحله طولانی شده و حتی سال‌ها به طول انجامد؛

● مرحله‌ای که فرد مشکل خود را می‌پذیرد؛ ولی تمایل به درمان ندارد؛



در یک طیف بین سه نقطه‌ی مدام در حرکت است؛ سه نقطه‌ای که شامل نشنگی، خماری و فاصله بین نشنگی و خماری و تلاش‌های مجدد فرد برای رسیدن به نقطه‌ی اول می‌شود و در این میان عاطفه‌ای که وی به همسر خود دارد، تحت تأثیر این مناطقی است که در آن قرار گرفته است. وی در مراحل که اثرات مواد در بالاترین نقطه‌ی خود است ابراز عاطفه‌ی شدیدی نسبت به همسر خود دارد و عموماً زن از این ابراز عاطفه احساس انزجار دارد؛ چون دریافته که این ابراز علاقه ناشی از مصرف مواد می‌باشد و در سر دیگر طیف، شاهد مواردی هستیم که اثرات مواد کاهش یافته و سطح پرخاشگری فرد بالا رفته و با کوچک‌ترین مشکل

می‌شود. مرحله‌ای که زن تمام مشکلات خود و خانواده را به اعتیاد همسر نسبت می‌دهد و بینش درست نسبت به مشکلات خود را از دست خواهد داد و باز درگیر این خطای شناختی است که اگر همسر وی تغییر یابد، تمام مشکلات وی حل می‌شود و او نقش خود را در مشکلات نادیده گرفته و مانند مرد نقش خود را انکار می‌کند.

در واقع ابتلای مرد به سوءمصرف مواد، زن را نیز درگیر یک سبک مداخله‌ای معیوب می‌کند و این مهم باعث شکل‌گیری چرخه‌ی معیوبی می‌شود که در آن به شدت سوءمصرف مواد، دامنه‌ی تعارضات زناشویی و کاهش میانگین سلامت روانی افزوده می‌شود. به این ترتیب می‌توان بین راهبردهای مداخله‌ای زن و سوءمصرف مواد مرد، یک رابطه‌ی مستقیم طراحی کرد؛ به نحوی که بهبود مؤثر مداخلات زن اثر مستقیم در بهبودی مرد دارد.

۳-۱ تأمین پایگاه اجتماعی

یکی از چالش‌های مهم در ایران چالش بین دو مقوله‌ی اساسی؛ یعنی بیماری و جرم انگاری اعتیاد است. اعتیاد هنوز در ذهن عامه‌ی مردم به یک تعریف مشترک دست نیافته است و هنوز جنبه‌ی جرم انگارانه‌ی آن مسلط بر جنبه‌ی بیماری انکارانه‌ی آن می‌باشد و فرد سوءمصرف‌کننده‌ی مواد از پایگاه اجتماعی پایینی برخوردار است و به تبع این تعریف و برچسب مجرمی که به فرد زده می‌شود، همسر فرد سوءمصرف‌کننده‌ی مواد از پیامدهای این برچسب مصون نبوده و اعتیاد همسر مجموعه‌ای از محدودیت‌هایی اجتماعی را برای وی در پی دارد؛ به نحوی که او شرمساری را در عرصه‌های اجتماعی تجربه می‌کند و این مهم در عزت نفس زن و اعتماد به نفس وی تأثیر به‌سزا دارد.

۴-۱ عاطفه و همراهی

فرد مصرف‌کننده بر حسب نوع مصرف، میزان مصرف، طول زمان مصرف، ویژگی‌های شخصیتی و ساختار روانی خود، موقعیت اقتصادی و اجتماعی و دیگر عوامل و مؤلفه‌ها در جریان مصرف عموماً



جامعه‌شناسان برای خانواده

شش کارکرد در نظر گرفته

اند که عبارتند از: تأمین

پایگاه اجتماعی، تنظیم

رفتار جنسی، حمایت و

مراقبت، جامعه‌پذیری، عاطفه

و همراهی و تولید مثل که با

عنوان پیامدهای سوءمصرف

مواد بر کارکردهای اساسی

خانواده یا تمرکز بر جایگاه

همسران به آن پرداخته

شده است.



● آسیب‌های فکری فرد که از آن به عنوان هذیان نام برده می‌شود، پیرو این اختلالات فکری مرد به زن بدبینی شدید پیدا کرده و به وی برچسب ضد اخلاقی نسبت می‌دهد و به تبع آن محدودیت‌های شدید اجتماعی برای زن فراهم می‌کند. در پاره‌ای مواقع دیده شده که مرد به مدت طولانی زن را در منزل حبس خانگی کرده و او را از رفت و آمد حتی با نزدیک‌ترین افراد محروم کرده و در برخی مواقع او را به غل و زنجیر کشانده است؛

● نوسانات خلقی مدام؛

● شدت یافتن رفتارهای پرخاشگرانه که چون شدت آن بالاست زن را از مدیریت آن عاجز می‌کند و زن در مهار آن ناتوانی کامل را تجربه می‌کند و چون نهادهای مشخصی برای حمایت از زن در این گونه موارد وجود ندارد، زن تجربه‌ی سه‌مگینی از نا امنی را تجربه می‌کند؛ به‌ویژه اگر زن از شبکه‌ی حمایتی مناسبی برخوردار نباشد یا در سکونت‌گاه‌های کوچکی زندگی کند که در آن جایگاه حقوقی زن در مرتبه‌ی نازلی قرار دارد. این موارد زمانی شدت می‌یابد که زن از مهارت‌های آموزشی پایینی برخوردار باشد؛

● در واقع سوء‌مصرف مواد مرد، از عوامل عمده‌ی فشار روانی همسر وی می‌باشد که با توجه به تداوم اعتیاد مرد، فشار روانی زن نیز مزمن شده و خود می‌تواند سرمنشأ بیماری‌هایی چون زخم معده، فشار خون بالا، تضعیف سیستم ایمنی بدن و غیره شود.

۱-۵ جامعه پذیری

خانواده از کانون‌های اساسی انتقال ارزش‌ها، هنجارها، فرهنگ و تمدن و غیره از نسلی به نسل دیگر است. ناسامانی خانواده و ناسامانی اجتماعی در تعامل مستقیم با هم هستند. سوء‌مصرف مرد خانواده در سایر اعضای خانواده تأثیر گذاشته و خود باعث شکل‌گیری جدیدی از روابط می‌شود که مسیر طبیعی رشد و یادگیری خانواده را تحت‌الشعاع قرار داده و تعاملات ویژه‌ای را رقم می‌زند که در یک نگاه کلی، توزیع این نوع تعاملات را در نمودار طبیعی ارتباطات خانوادگی جامعه، دچار انحراف اساسی می‌بینید.

رفتارهای پرخاشگرانه‌ی زیادی را متوجه زن و فرزندانش می‌کند و این گونه است که زن به تناوب مواردی از محرومیت‌های عاطفی، خشونت‌های عاطفی، تحقیرهای کلامی و یا آسیب‌های بدنی را در موارد شدید اعتیاد تجربه می‌کند و چون رفتار عاطفی مرد تحت تأثیر مصرف پایایی ندارد، این مسئله در زن سردرگمی ایجاد کرده و وی را از اتخاذ یک رفتار مناسب مستأصل می‌سازد. در حال حاضر نیز با شیوع مواد محرک و روان گردان که در بین عموم از آنها به عنوان شیشه یاد می‌شود، شدت آسیب‌های وارده به زن افزایش یافته است؛ از جمله آسیب‌های سوء‌مصرف مواد محرک و روان گردان می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:



توان جسمی، روانی، سنی و آموزشی اعضاء نباشد؛ به عنوان نمونه در پاره‌ای از مواقع فرزندان خردسال خانواده نقش همدل و همدرد مادر را پیدا کرده و بخشی از بار تنش‌های خانواده را که متناسب با سن آنها نیست بر دوش می‌کشند و نقش فعال در تعارضات خانوادگی پیدا می‌کنند. توزیع مجدد نقش‌ها بر حسب اعتیاد مرد خانواده، خود باعث بروز مشکلات عدیده‌ای می‌شود به این صورت که زمانی که مرد خانواده وارد مسیر درمان شده و توانایی گرفتن مسئولیت‌ها را پیدا می‌کند، خانواده در باز توزیع مجدد نقش‌ها دچار مشکل می‌شود و در این مرحله درمان خود از منابع بحران مجدد در خانواده می‌شود.

۱-۶ تولید مثل

یکی از کارکردهای اساسی خانواده تولید مثل است. سوء مصرف مواد توسط مرد از عوامل ایجاد نگرانی و اشتغالات ذهنی در زن به شکل‌های ذیل است:

- آیا اعتیاد همسر باعث اختلالات جسمی و روانی در فرزند می‌شود؟ این سؤال مهم تصمیم زن را در فرزندآوری دچار تردید می‌کند؛
- آیا اعتیاد همسر فرآیند تربیت پذیری فرزند را دچار مشکل می‌کند؟ آیا فرزند نیز روزی اعتیاد را تجربه خواهد کرد؟
- آینده من به عنوان زن در این زندگی چگونه است؟ اعتیاد همسر در آینده چه شکلی پیدا می‌کند؟ آیا وضعیت وی بدتر از شرایط فعلی خواهد شد؟ اگر بدتر بشود فرزندانم چه آینده‌ای پیدا می‌کنند؟
- در واقع سوء مصرف مرد، زن را از ترسیم آینده‌ای تقریباً مطمئن مردم می‌سازد و این مهم از عوامل مؤثر در تصمیم به فرزندآوری است. علاوه بر اثرات سوء مصرف مواد بر کارکرد اساسی خانواده که در بالا به آن اشاره شد، می‌توان به تأثیر این بیماری بر کارکردهای اقتصادی خانواده نیز اشاره کرد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۲ اثرات سوء مصرف مواد بر کارکرد اقتصادی خانواده

زن نسبت به سوء مصرف همسر، انتخاب‌های متفاوتی را حسب توانمندی‌های فردی، شبکه‌های حمایتی، بافت فرهنگی و اجتماعی انتخاب می‌نماید. تعدادی از زنان جدایی را بهترین گزینه دانسته و این مسیر را طی می‌کنند و عده‌ای از زنان نیز باز حسب ویژگی‌های فردی، شبکه‌های حمایتی، بافت فرهنگی - اجتماعی، وضعیت فرزندان و دیگر عوامل، ماندن و ادامه‌ی زندگی را ترجیح می‌دهند.

سوء مصرف مواد خود قاعده‌مندی‌ها، شبکه‌ی ارتباطات اجتماعی، سبک زندگی روزمره و عادات خاص خود را دارد و در طیف وسیع تهیه‌ی مواد، آماده سازی مواد جهت مصرف، مهیا نمودن مکان مصرف و اختصاص زمان لازم به مصرف، سبک خاصی از رفتار قابل مشاهده است که شکل‌گیری این سبک زندگی سایر اعضای خانواده را نیز تحت تأثیر قرار داده و این مهم در چگونگی جامعه‌پذیری اعضای خانواده تأثیر گذاشته و از عوامل بروز اختلالات در این فرایند اجتماعی شدن است. لازم به ذکر است سوء مصرف مرد که او را از انجام برخی وظایف باز می‌دارد باعث توزیع مجدد نقش‌ها در بین اعضای خانواده می‌شود و شکل جدیدی از تعادل را در خانواده بازسازی می‌کند؛ چون در واقع اعتیاد به عنوان مجموعه‌ای از بحران‌ها تعادل قبلی خانواده را دچار مشکل می‌سازد؛ لذا خانواده جهت بقای خود به بازسازی تعادل بر حسب شرایط ایجاد شده می‌پردازد و در این تقسیم بندی نقش‌ها و توزیع مجدد آن ممکن است مسئولیت‌های هر نقش متناسب با



نیست و در بیشتر کلینیک‌ها نقش مددکار اجتماعی به حضور او در کاغذ اکتفا شده است و عملکرد گروهی قوی در مواجهه با این بیماری وجود ندارد و این گونه می‌شود که خانواده‌ی بیمار به‌ویژه زن که بیمار دوم تلقی می‌شود، در مسیر درمان تنها گذاشته می‌شود و او با آزمون و خطا در پی یافتن راهکارها به جلو می‌رود.

● مراکز بهبودی اقامتی میان مدت (کمپ‌ها، مراکز و خانه‌های بهبودی): فرد با اقامت در این مراکز بدون استفاده از دارو و با کمک گروه‌های هم‌تا اقدام به ترک می‌نماید و بعد از خروج از این مراکز اقامتی جهت پایداری در درمان به کلاس‌های جمعی می‌پیوندند که در این مسیر درمانی کلاس‌هایی نیز برای خانواده‌های آن‌ها وجود دارد که خانواده‌ها بر حسب تمایل می‌توانند به این کلاس‌ها بپیوندند تا مطالب آموزشی لازم را حین درمان بیاموزند. با تأکید بر فواید درمانی این شیوه یکی از اشکالات اساسی این است که به آموزش‌های جمعی اکتفا می‌شود؛ در حالی که اعتیاد باعث مشکلات عمیق و عمده‌ی خانوادگی شده است؛ به نحوی که بازسازی آن نیازمند مداخلات خانوادگی ادامه دار با یک گروه متخصص است که این کلاس‌ها در کنار این مداخلات اثر بخشی خود را افزایش خواهند داد؛

● مراکز اجتماع درمان مدار: در این مراکز درمان‌های منظمی به کمک گروه درمان؛ اعم از روان‌شناس، مددکار اجتماعی و پزشک برای بیماران جهت بازتوانی آنها بعد از سم زدایی اتفاق می‌افتد که بخشی از این مداخلات نیز جهت یاری رسانی به خانواده‌ها می‌باشد؛ اما در حال حاضر تعداد این مراکز به شدت کم است و پاسخگوی نیازهای خانواده‌ها نمی‌باشد.

بنا بر مراتب فوق ضرورت دارد در مراکز درمانی یک جهش فکری و عملی رخ دهد و نقش درمان خانواده به شکل مؤثری اهمیت یابد و جهت‌یابی مؤثری به مداخلات نسبت به کل اعضای خانواده صورت گیرد و نباید این نکته‌ی مهم را نادیده بگیریم که نقص نظام‌های درمانی یکی از عوامل مؤثر در بازگشت بیماری اعتیاد و پیامدهای متعاقب آن است.

سوءمصرف مواد هزینه‌های اقتصادی به شرح زیر برای خانواده به بار می‌آورد:

● به تناسب شدت یافتن اعتیاد و کاهش کارایی اقتصادی مرد در زمینه‌ی شغلی، درآمدها کاهش یافته و از سویی مخارج جهت تهیه‌ی مواد افزایش می‌یابد؛

● در پاره‌ای مواقع هزینه‌های مالی خانواده جهت رهایی مرد از مخمصه‌های قانونی یا مالی افزایش می‌یابد؛

● در مواقعی خانواده و زن حمایت‌های مالی و غیرمالی از مرد مصرف کننده را افزایش می‌دهند؛ به نحوی که مرد در ادامه از پذیرش مسئولیت‌های خود به عنوان یک فرد بالغ سر باز می‌زند.

زنان در برخی مواقع جهت تأمین اقتصادی به قرض گرفتن از دوستان، اقوام و آشنایان می‌پردازند که در صورت داشتن فرزند این مسئله شدت می‌یابد؛ چون ترس از وضعیت تغذیه، پوشاک و غیره فرزندان زن را وادار به این شرایط می‌کند و یا زن در ادامه جهت تأمین اقتصادی به اشتغال روی می‌آورد که وضعیت شغلی و مرتبه‌ی آن بسته به مهارت‌ها و توانمندی‌های زن دارد.

سخن پایانی

مقابله‌ی مؤثر با پدیده‌ی سوءمصرف مواد، یک نگاه جامع به فرد و خانواده‌ی وی را می‌طلبد. در حال حاضر درمان‌های اساسی سوءمصرف مواد در ایران مبتنی بر شیوه‌های ذیل است:

● درمان سرپایی سوءمصرف مواد در کلینیک‌های درمانی؛

● درمان بستری افراد سوءمصرف کننده‌ی مواد در مراکز بستری کلینیکی و بیمارستانی؛

در دو شیوه فوق تأکید بر درمان گروهی؛ اعم از پزشک و روان‌شناس و مددکار اجتماعی در مواجهه با بیمار می‌باشد؛ اما در حال حاضر توانمندی‌های علمی مراکز درمانی در جهت کار با خانواده‌ها ناچیز است و جز معالوفی از کلینیک‌ها سایر کلینیک‌ها از برخورد و مداخله‌ی مؤثر و طرح درمانی مؤثر برای خانواده‌ها ناتوان هستند. در واقع، تمرکز و تأکید مراکز بر بیمار به عنوان یک فرد است و نگاه سیستمی به درمان اعتیاد در کلینیک‌ها رایج



جرایم رایانه‌ای



زهرا جباری
کارشناس ارشد
حقوق جزا و جرم‌شناسی



تعریف جرایم سایبری

پیشرفت تکنولوژی و علم و دست یابی بشر به فناوری اطلاعات و استفاده از رایانه و پیدایش دنیای مجازی دارای پیامدهای مثبت و منفی فراوانی برای بشر بوده است از جمله پیامدهای منفی آن، پیدایش جرایم سایبری است.

جرایم فوق الذکر در ایران ابتدا در اوایل دهه ۱۳۸۰ مطرح شد. آن زمان بیشتر حوزه‌هایی را در بر می‌گرفت که به جعل اسناد دولتی و شخصی مربوط می‌شد. چنان‌که اولین جرم رایانه‌ای در خرداد ۱۳۷۸ به ثبت رسید که در آن یک دانشجوی کامپیوتر و یک کارگر در کرمان، چک‌های تضمینی را جعل می‌کردند. جعل اسکناس، بلیت شرکت‌های اتوبوسرانی، جعل اسناد دولتی از قبیل گواهینامه رانندگی، کارت پایان خدمت، مدرک تحصیلی، اوراق خرید و فروش خودرو و چک‌های مسافرتی از دیگر موارد جرم رایانه‌ای در اوایل دهه ۸۰ به حساب می‌آمد. با گسترش وسایل ارتباطی، کمیته‌ها با حضور وزارتخانه‌های اطلاعات، ارشاد آموزش و پرورش، صدا و سیما، ارتباطات و سازمان تبلیغات اسلامی تشکیل شد تا در باره فیلترینگ سایت‌ها تصمیم‌گیری کنند. در این زمان بحث اولیه در باره جرایم رایانه‌ای تا حد زیادی تغییر کرد. برخی از وبلاگ‌نویسان و روزنامه‌نگاران به اتهام نوشتن مطالب در وبلاگ‌ها و سایت‌ها دستگیر شدند و به اتهاماتی مانند توهین به افراد و «مقدمات» یا افشای اسرار و اسناد دولتی محاکمه و مجازات شدند و دولت با فیلترینگ گسترده سایت‌ها و کنترل سرعت اینترنت، به دنبال تعاریف و مصداق‌های تازه‌ای از جرایم اینترنتی برآمد.

جرایم رایانه‌ای شامل قلمرو وسیعی است که هنوز مرزهای آن به راحتی قابل تعریف نمی‌باشد. کنوانسیون جرایم سایبری معروف به «کنوانسیون جرایم سایبری بوداپست» و یا به اختصار «کنوانسیون بوداپست» نخستین معاهده بین‌المللی است که به جرایم رایانه‌ای و اینترنتی می‌پردازد و می‌کوشد قوانین ملی را سازگار کرده، روش‌های تحقیقات را ارتقا دهد و همکاری بین کشورها را بهبود بخشد. این کنوانسیون توسط شورای اروپا در سال ۲۰۰۱ ارائه شد و از ۲۳ نوامبر ۲۰۰۱ کشورها

می‌توانستند آن را امضا کنند. از ابتدای ژوئیه ۲۰۰۴ کنوانسیون به اجرا درآمد. تا سال ۲۰۱۳، ۳۹ کشور از جمله کشورهای عضو اتحادیه اروپا این کنوانسیون را مصوب نموده و ۱۲ کشور نیز آن را امضا کرده‌اند. بدیهی است هر کشور دارای قوانینی متفاوت در این خصوص ارائه داده و تعاریف متعددی از این جرایم در عرصه بین‌المللی عنوان شده است. برخی از این تعاریف عبارتند از:

پلیس جنایی فدرال آلمان در تعریفی از جرایم رایانه‌ای این چنین اعلام داشته است: «جرم رایانه‌ای در برگیرنده همه اوضاع و احوال و کیفیاتی است که در آن شکل‌های پردازش الکترونیک داده‌ها، وسیله ارتکاب و یا هدف یک جرم قرار گرفته است و مبنایی برای نشان دادن این ظن است که جرمی ارتکاب یافته است.»

کمیته اروپایی مسایل جنایی در شورای اروپا: در سال ۱۹۸۹ گزارش کاری بیان کرد که در آن یکی از متخصصان چنین تعریفی ارائه کرده است: «هر فعل مثبت غیر قانونی که رایانه، ابزار یا موضوع جرم باشد. یعنی به عبارت دیگر هر جرمی که ابزار یا هدف آن تاثیرگذاری بر عملکرد رایانه باشد.»

پروفسور شیک یکی از حقوقدانان آمریکایی در تعریف جرم رایانه‌ای بیان می‌دارد: «جرم رایانه‌ای به هر عمل مجرمانه‌ای گفته می‌شود که در آن رایانه، وسیله یا هدف ارتکاب جرم باشد.»

در ایالات متحده آمریکا تعریف وسیعی از جرم رایانه‌ای به عمل آمده مبنی بر آن که: «هر اقدام غیرقانونی که با یک رایانه یا به کارگیری آن مرتبط باشد را جرم رایانه‌ای می‌گویند. یا هر اقدامی که به هر ترتیب با رایانه مرتبط بوده و موجب ایجاد خسارت به بزه دیده شود و مرتکب از این طریق منافعی را تحصیل کند، جرم محسوب می‌شود.»

در کانادا نیز در تعریف جرایم رایانه‌ای این چنین بیان شده است: «جرم رایانه‌ای شامل هر فعالیت مجرمانه‌ای است که در برگیرنده کپی، استفاده، جابجایی، مداخله، دست‌رسی یا سوء استفاده از سیستم‌های رایانه‌ای، عملکرد رایانه، داده‌ها یا برنامه‌های رایانه است.»

در واقع در حقوق ایران تعریف جرایم رایانه‌ای به سکوت واگذار شده و در بیشتر موارد تقریباً همان





و: جرایم مخابراتی و ماهواره‌ای
ز: تروریسم سایبر

تقسیم بندی جرایم کامپیوتری

در حال حاضر سه گروه اصلی در مورد جرایم کامپیوتر وجود دارد:

جرایم کامپیوتری علیه اشخاص

جرایم کامپیوتری علیه اموال و دارائی اشخاص

یا جرایم کامپیوتری اقتصادی

جرایم کامپیوتری علیه دولت‌ها یا وظایف

دولت‌ها

جرایم کامپیوتری علیه اشخاص

جرایم کامپیوتری علیه اشخاص عبارتند از:

الف: نوشته‌ها و عکس‌های شهوت انگیز،

فروش یا به تصویر کشاندن عکس‌های مبتذل

جهت تحریک کردن نوجوانان و یا پیدا نمودن

اشخاص از طریق چت (گپ زدن) جهت به نمایش

گذاشتن عکس‌های آنها در اینترنت و معرفی آنها به

دیگر اشخاص جهت داشتن ارتباط نامشروع.

تعریف ارائه شده از طرف سازمان همکاری و توسعه اقتصادی را پذیرفته اند و نه در قانون تجارت الکترونیک و نه در قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸/۱۱/۱۱ هیچ تعریفی از این مفهوم ارائه نشده است. شاید دلیل آن اختلافات مبنایی است که میان حقوقدانان از تعریف جرایم رایانه‌ای وجود دارد.

از لحاظ لغوی در فرهنگ‌های مختلف سایبر به معنی مجازی و غیر ملموس می‌باشد، محیطی مجازی و ملموس در فضای شبکه‌های بین‌المللی (این شبکه‌ها از طریق شاهراه‌های اطلاعاتی مثل اینترنت به هم وصل هستند) که در این محیط تمام اطلاعات راجع به روابط افراد، فرهنگ‌ها، ملت‌ها، کشورها و به طور کلی هر آنچه در کره خاکی به صورت فیزیکی ملموس وجود دارد (به صورت نوشته، تصویر، صوت، اسناد) در یک فضای مجازی به شکل دیجیتالی وجود داشته و قابل استفاده و دسترس کاربران می‌باشند و به طریق کامپیوتر، اجزا آن و شبکه‌های بین‌المللی به هم مرتبط می‌باشند و لذا جرم اینترنتی جرمی است که در فضای مجازی واقع می‌شود. نهایتاً به نظر اینجانب می‌توان جرایم کامپیوتری را چنین تعریف نمود: هرگونه عمل خلاف قانون که با سوء نیت، از طرف شخص یا اشخاص با بکارگیری از کامپیوتر صورت پذیرد جرایم کامپیوتری نامیده می‌شود و دیگر اینکه به آن دسته از جرایمی اطلاق می‌شود که موضوع و هدف جرم رایانه باشد یا جرم از طریق رایانه صورت بگیرد. اگر رایانه به شبکه اینترنت هم وصل باشد در این صورت مصداق جرم اینترنتی پیدا می‌کند.

انواع جرایم رایانه‌ای

در یک تقسیم بندی کلی می‌توان جرایم رایانه‌ای را به شرح ذیل احصاء نمود:

الف: جرایم سنتی در محیط سایبری مانند: تطهیر نام مشروع پول، جاسوسی، سابوتاژ، جعل، کلاهبرداری، افتراء و نشر اطلاعات، و قاچاق مواد مخدر می‌باشد.

ب: جرایم ناظر به کپی رایت برنامه‌ها

ج: جرایم علیه حمایت از داده‌ها

د: جرایم در تجارت الکترونیکی

ه: جرایم در بانکداری الکترونیک



به خودپردازها و سوء استفاده کردن از کارتهای اعتباری دیگران معمول ترین شیوه ارتکاب در کلاهبرداری کامپیوتری می باشد.

در ذیل به نمونه‌هائی از کلاهبرداری‌های کامپیوتری اشاره می شود:

۱- سوء استفاده از شبکه تلفنی: امروزه بعضی از افراد سودجو با استفاده از تکنیک‌هائی وارد خطوط تلفنی می شوند که می توانند مکالمات تلفنی خود را با هزینه‌های مشترکین دیگر انجام دهند. نوع دیگر سوء استفاده از سیستم تلفن، از طریق تجارت با شماره‌های کارت تلفن انجام می شود که از طریق کامپیوتر مورد نفوذ یافتگی قرار می گیرد.

۲- سوء استفاده از صندوق‌های خود پرداز: در گذشته، سوء استفاده از صندوق‌های خود پرداز با استفاده از کارت بانکی‌هایی که به سرقت می رفت صورت می گرفت ولی امروزه، با استفاده از سخت افزار و نرم افزار ویژه کامپیوتری، اطلاعات الکترونیکی غیر واقعی به صورت کد روی کارتهای بانک ثبت شده مورد سوء استفاده قرار می گیرد.

۳- سوء استفاده از کارتهای اعتباری: در حال حاضر، بیشتر معاملات از طریق اینترنت صورت می گیرد. مثلا پرداخت قبوض برق، آب، تلفن و همچنین خرید کالا، شرکت در همایش‌های بین‌المللی و غیره معمولاً با استفاده از کردیت کارت (کارت اعتباری) استفاده می شود و معمولاً مشتری می بایستی رمز کارت خود و دیگر جزئیات را قید نماید. بدین جهت بعضی از افراد سودجو با فاش شدن رمز کارت اعتباری مشتریان سوء استفاده می نمایند.

جرایم کامپیوتری علیه اموال و مالکیت

جرایم اقتصادی که از طریق کامپیوتر یا شبکه جهانی اینترنت صورت می پذیرد عبارتند از:

الف: سرقت و تکثیر غیر مجاز برنامه‌های کامپیوتری حمایت شده: از آنجایی که برای ساخت و تولید یک برنامه کامپیوتری هزینه‌های زیادی اعم از مالی و زمانی صرف می شود لذا تکثیر و استفاده غیرمجاز از آن برای صاحبان قانونی زیان‌های بسیار زیادی را به بار خواهد داشت. مثلا



ب: اذیت و آزار کردن، این نوع جرم ممکن است به صورت ارتباطات و دست انداختن و متلک گفتن، بی حرمتی به مقدسات و مطالبه کردن وجه از دیگران باشد.

ج: تهدید به قتل، یکی از جرایمی که ممکن است از طریق اینترنت و یا ارسال پیام به ایمیل اشخاص صورت پذیرد، تهدید به قتل می باشد.

د: کلاهبرداری، کلاهبرداری کامپیوتری از جمله جرایم اصلی سوء استفاده‌های کامپیوتری علیه اشخاص و یا دارایی افراد محسوب می گردد. دارایی عینی غیر ملموس در قالب داده‌های کامپیوتری مانند وجه سپرده و پس انداز، تغییر و دست کاری کردن در ساعات کاری، متداول ترین راه‌های کلاهبرداری کامپیوتری می باشد. در تجارت الکترونیک نقل و انتقال پول نقد و خرید و فروش کالاهاى تجارى، به سرعت جای خود را به انتقال سپرده‌ها از طریق سیستم‌های کامپیوتری داده است که در نتیجه موجبات سوء استفاده کردن افراد سودجو و فرصت طلب را فراهم کرده است. کلاهبرداری کامپیوتری از طریق وارد کردن رمزها



زمانی که یک کارگردان و تهیه کننده فیلم سینمایی با زحمات زیادی که کشیده و هزینه‌های هنگفتی که برای ساخت فیلم صرف نموده بعد از به اکران گذاشتن آن فیلم ممکن است همان فیلم از طریق اینترنت بفروش رسیده و زبان‌های زیادی به سزنده فیلم وارد شود.

ب: سابوتاژ (خرابکاری) و اخاذی کامپیوتری: سابوتاژ کامپیوتری یعنی اصلاح، موقوف سازی و یا پاک کردن غیر مجاز داده‌ها و یا عملیات کامپیوتری به منظور مختل ساختن عملکرد عادی سیستم، سابوتاژ کامپیوتری ممکن است وسیله‌ای برای تحصیل مزایای اقتصادی بیشتر نسبت به رقیبان یا برای پیش‌برد فعالیت‌های غیر قانونی تروریست برای سرقت داده‌ها و برنامه‌ها به منظور اخاذی باشد.

ج: کلاهبرداری اینترنتی از طریق کارت اعتباری: در تحقیقاتی که توسط دیوید کارتر استاد دانشگاه میشیگان آمریکا صورت پذیرفته است متداول ترین جرم کامپیوتری که در سال‌های اخیر گزارش شده کلاهبرداری با کارت اعتباری بود. کلاهبرداری کارت‌های اعتباری به این علت وسوسه انگیز است که خدشه زندگان در زمان بسیار کوتاهی تنها با وصل شدن به اینترنت بدون نیاز به مهارت خاصی از کارت‌های اعتباری سوء استفاده می‌کنند.

د: قاچاق مواد مخدر از طریق اینترنت: با توجه به دسترسی آسان افراد به همدیگر از طریق اینترنت و ارسال ایمیل هرگونه خرید و فروش و پخش مواد مخدر از طریق شبکه‌های کامپیوتری انجام می‌شود. ضرب اطمینان قاچاق کنندگان مواد مخدر از طریق کامپیوتر نسبت به نوع سنتی آن بالاتر می‌باشد. زیرا پلیس به راحتی نمی‌تواند از برنامه‌های قاچاق کنندگان مطلع شود و لذا اقدامات پلیس در خصوص کشف فروشندگان و خریداران مواد مخدر غیر ممکن است.

ه: پولشویی کامپیوتری: پولشویی و غارت یکی از جرایم کلاسیک بوده که دارای سابقه طولانی است که با پیشرفت تکنولوژی این جرم از طریق کامپیوتر و اینترنت صورت می‌پذیرد. نحوه ارتکاب بدین صورت است که باندهای بزرگ نامشروع با ارسال ایمیل پیشنهاد انجام یک کار تجاری را



زنان چه در دنیای واقعی

چه در فضای مجازی نیاز به

امتیث دارند اما متاسفانه

گاهی این نیاز امنیتی در

فضای سایبر نادیده گرفته

می‌شود. از مصادیق ناامنی

خشونت‌های کلامی و

نوشتاریست که از طریق چت

و اینترنت به صورت حملات

نوشتاری و بکارگیری کلمات

رکیک و آزار دهنده علیه

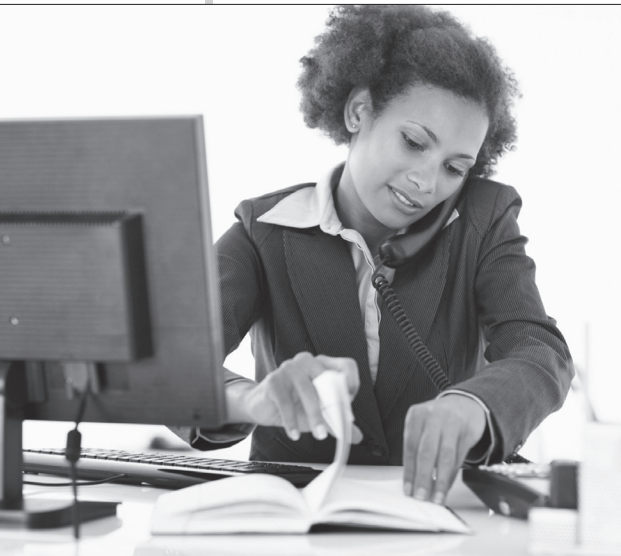
زنان و با حتی تخریب و حمله

به سایت زنان جهت اعمال

خشونت و ابراز قدرت علیه

آنان صورت می‌گیرد.





به شخصی می‌نمایند و بدون اینکه اثر و نشانی از خود بجای بگذارند، پیشنهاد ارسال مبالغی پول به حساب شخصی را که برای او ایمیل فرستاده‌اند می‌کنند و در تقاضای خود نحوه ارسال و سهم هریک از طرفین را بیان نموده و در صورت توافق طرف مقابل (گیرنده ایمیل) نوع و نحوه تضمینات لازم را اعلام می‌کنند و اصولاً در زمان استرداد پول یک عنوان مشروع در تجارت الکترونیک را با منشأ تجاری انتخاب و با هدف خود هماهنگ می‌نمایند.

جرایم کامپیوتری علیه دولت‌ها

بعضی از جرایم کامپیوتری علیه دولت‌ها ممکن است به انگیزه‌های سیاسی صورت پذیرد که می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف: تهدید به گروهان‌گیری، اخذی و کشتن مسئولین و یا اعضای خانواده آنها. یکی از جرایم مدرن کامپیوتری که معمولاً قاچاقچیان و یا افراد سیاسی برای رسیدن به اهداف خود از آنها استفاده می‌نمایند، تهدید مقامات و یا خانواده آنها به گروهان‌گیری و یا کشتن است. معمولاً جرایمی که توسط افراد سیاسی صورت می‌گیرد یا قاچاقچیان متفاوت است. قاچاقچیان معمولاً از طریق تهدید به گروهان‌گیری و همچنین تهدید به کشتن و اخذی از مسئولین اقدام می‌نمایند ولی افراد سیاسی از طریق اعلام در اینترنت دولت را تهدید به جنگ مسلحانه و براندازی حکومت می‌نمایند بدون آنکه اثر و آثاری از خود بجای بگذارند.

ب: جاسوسی رایانه ای، جاسوسی کامپیوتری به عملی گفته می‌شود که شخصی یا گروهی برای دولت یک کشوری اطلاعات مخفیانه از دولت دیگر در ازای دریافت پول انجام می‌دهد بعنوان مثال می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

در آلمان سازمان اطلاعاتی ک. گ. ب روسیه به شخصی پول داده بود تا اطلاعات مخفیانه ارتش آمریکا را به دست آورد. یا در مورد دیگر می‌توان به قضیه لوس آلماس دانشمند هسته‌ای اشاره نمود که اطلاعات بسیار محرمانه هسته‌ای خود را در اختیار دولت چین قرار داده بود.

ج: ترور، امروزه برخی اقدامات تروریستی با دسترسی به اطلاعات حفاظت شده صورت

آمارها نشان می‌دهد که

بیشتر پرونده‌هایی که

در زمینه جرایم رایانه‌ای

تشکیل می‌شوند مربوط به

هتک حیثیت و نشر اکاذیب

(از بین بردن آبروی افراد و

دروغ و تهمت ناروا) جرایم

علیه عفت و اخلاق عمومی و

قوادی است که طبق قانون

مجازات اسلامی، از مصادیق

جرایم رایانه‌ای هستند.



تبلیغ تشریفات و تحملات نامشروع و غیرقانونی.
(بند ۱۰ ماده ۶ قانون مطبوعات)

آمارها نشان می‌دهد که بیشتر پرونده‌هایی که در زمینه جرایم رایانه‌ای تشکیل می‌شوند مربوط به هتک حیثیت و نشر اکاذیب (از بین بردن آبروی افراد و دروغ و تهمت ناروا) جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی و قوادی هستند که طبق قانون مجازات اسلامی، از مصادیق جرایم رایانه‌ای هستند.

۱- هتک حیثیت و نشر اکاذیب در قانون این طور تعریف شده: تحریف و انتشار فیلم خصوصی یا خانوادگی یا صدا یا تصویر یا اسرار دیگری بدون رضایت صاحب آن به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، به نحوی که منجر به ضرر شود. یکی از مشکلاتی که گریبانگیر افراد زیادی شده، مونتاژ عکس‌ها و انتشار آنها در سایت‌های مستهجن است. و از بارزترین مصادیق هتک حیثیت و نشر اکاذیب که اخیراً در کشور زیاد اتفاق می‌افتد، نوشتن تهمت و دروغ علیه افراد در اینترنت است.

۲- جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی، این جرم در قانون چنین تعریف شده که: «هر کسی بوسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی محتویات مستهجن را منتشر، توزیع یا معامله کند یا به قصد تجارت یا فساد، تولید یا ذخیره یا نگهداری کند، جرم علیه عفت و اخلاق عمومی را مرتکب شده است. محتویات مبتدل به آثاری اطلاق می‌گردد که دارای صحنه و صور قبیحه باشد.

۳- قوادی و قاچاق زنان (انسان)، پدیده بسیار گسترده جهانی است. اکنون این نوع قاچاق شامل مبادله افراد جهت کار در کارگاه‌های سخت، کار خانگی یا کشاورزی، ازدواج‌های اجباری یا فریب انگیز به صورت پستی و سفارشی و خرید و فروش زنان برای روسپی‌خانه‌ها و کلوب‌های رقص می‌باشد.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۴ قاچاق زنان را چنین تعریف می‌کند: «انتقال غیرقانونی و مخفیانه اشخاص در عرض مرزهای ملی، عمدتاً از سوی کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای اقتصاد در حال گذار، با هدف نهایی واداشتن زنان و دختران به وضعیت‌های بهره‌کشانه

می‌پذیرد. تروریست‌های اطلاعاتی فقط با استفاده از یک کامپیوتر می‌توانند به صورت غیر مجاز وارد سیستم‌های کامپیوتری امنیتی شوند مثلاً با تداخل در سیستم نوبری هوایی باعث سقوط هواپیما شده یا باعث قطع برق سراسری شوند.

جرایم علیه زنان در فضای سایبر

زندگی آنلاین بی‌خطر نیست. به هر میزان که زمان حضور ما در فضای آنلاین افزایش می‌یابد، میزان خطرات سایبری یا همان اینترنتی افزایش می‌یابد. آمارها نشان می‌دهد که زنان و دختران بیشتر در کمین این خطرات هستند. آنها در فضای سایبری مانند صفحه دات هستند که هتاکان آنها را نشانه می‌گیرند و اطلاعات شخصی آنها در بسیاری از اوقات برای اخاذی مورد سوءاستفاده اشخاص قرار می‌گیرد؛ این افراد بیشتر قربانی هزینه نگاری نیز می‌شوند. اما باید بدانید که هر کس با توجه به استعداد خود، قربانی فضای مجازی و هکرها می‌شود، پس باید تا حد امکان از قرار دادن اطلاعاتی که زمینه سوءاستفاده را برای افراد فراهم می‌کند، جلوگیری کرد. به دلیل فرهنگ سازی نامناسب و عدم آموزش، بسیاری از کاربران حوزه اینترنت، از قوانین جرایم رایانه‌ای در این فضا آگاهی ندارند و حتی ممکن است اکثر افراد ندانند که جرایم اینترنتی اصلاً شامل چه جرایمی هستند؟

در سال‌های اخیر مقنن در قوانین مختلف (به شرح ذیل) برای مقابله با افراد سودجو این قبیل سوءاستفاده‌ها را جرم انگاری نموده است.

۱- تحریک، تشویق، ترغیب، تهدید یا دعوت به فساد و فحشاء و ارتکاب جرایم منافی عفت یا انحرافات جنسی. (بند ب ماده ۱۵ قانون رایانه‌ای و ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی)

۲- انتشار، توزیع و معامله محتوای خلاف عفت عمومی و مبتدل و مستهجن (ماده ۱۴ جرایم رایانه‌ای)

۳- تحریک، تشویق، ترغیب، تهدید یا تطمیع افراد به دستیابی به محتویات مستهجن و مبتدل. (ماده ۱۵ قانون جرایم رایانه‌ای)

۴- استفاده ابزاری از افراد (اعم از زن و مرد) در تصاویر و محتوا، تحقیر و توهین به جنس زن،





گفتگوی تاپیی یا شنیداری و دادن تصویر خود، با دختران طرح دوستی ریخته و سپس با وعده ازدواج، شغل خوب، درآمد بالا و حتی با فرستادن بلیط و ویزای ورود به کشور مورد نظر، آنها را تحویل قاچاقچیان می‌دهند.

عده‌ای به علت نوع اعتقادات فکری، ارتباط خارج از چهارچوب خانواده با جنس مخالف را درست نمی‌دانند، فضای چت را محیط مناسبی برای تخلیه هیجانات روحی و ارضای نیازهای غریزی بدون زیرسؤال رفتن عقاید خود می‌دانند.

همچنین عده‌ای به دلایلی چون ضعف ارتباطی، آشنا نبودن به قواعد کار و... توانایی برقراری رابطه با جنس مخالف را ندارند، در چت روم‌ها با نام‌ها و اطلاعات نادرست و جذاب اقدام به برقراری رابطه با جنس مخالف می‌کنند. زوج یابی اینترنتی نیز پدیده‌ای جدید و در حال گسترش است و جوانان به منظور آشنایی با همسر آینده خود وارد چت می‌شوند و معمولاً اینگونه آشنایی‌ها به ازدواج می‌انجامد. به نظر می‌رسد که در این حالت عمل این سایت قوادی نیست اما اگر منجر به زنا ولواط شود عمل سایت قوادی خواهد بود.

عده‌ای هم افراد سودجو و روان پریش و بیمار هستند و با توجه به اینکه بیشتر کاربران چت روم را افراد نا آشنا به واقعیت‌های اجتماعی تشکیل می‌دهند، افراد سودجو و فرصت طلب، حضور گسترده‌ای در چت روم دارند و به اغفال جوانان و

و ستمگرانه از لحاظ جنسی و اقتصادی، به منظور سود بکارگیرندگان، قاچاقچیان و سندیکاهای جنایتکار و نیز دیگر فعالیت‌های مرتبط با قاچاق، نظیر کار خانگی و اجباری، ازدواج دروغین، استخدام مخفیانه و فرزندخواندگی دروغین»

قاچاقچی زنان، به کسی اطلاق می‌شود که از طریق اعمال زور، باج خواهی، فریبکاری یا از طرق دیگر به بهره‌برداری جنسی یا سایر انواع استثمار زنان و دختران، همانند کار اجباری، برداشتن اندام و... اقدام می‌کند.

به نظر می‌رسد عوامل فرهنگی و اقتصادی زیادی نظیر: تغییر ارزش‌ها، گسترش خرده فرهنگ‌های منحرف، ضعف اعتقادات دینی، نارسایی بین فرهنگ و ساخت اجتماعی، متناسب نبودن نقش‌ها و پاداش‌ها، سود آور بودن قاچاق زنان، فقدان فرصت‌های شغلی باعث گرایش به قوادی و قاچاق زنان و کودکان در جامعه شده که از طرق‌های مختلفی مثل فریب دادن افراد به ازدواج دروغین یا توسل به زور با آدم ربایی و تهدید به آبروریزی و همچنین فناوری اینترنت و رایانه باعث تحقق جرم قوادی می‌شوند.

در سال‌های اخیر، نوع جدیدی از فریب و قاچاق دختران و زنان از طریق اینترنت مشاهده می‌شود که حاصل مدرنیته شدن جوامع می‌باشد. اتاق گفتگو یکی از راه‌هایی است که دلالتان برای اغفال دختران و زنان استفاده می‌کنند. آنها از طریق



به دیگران، ارسال پیام‌های مخرب، اخلاص در دسترسی به دیگران، نقض حق مالکیت، هک و پروسی کردن سایت‌ها، اجازه به حریم خصوصی افراد از طریق ایمیل‌ها بخشی از جرم‌های اینترنت محسوب می‌شوند. به جرم‌های اینترنتی می‌توان کلاهبرداری، سوء استفاده از نام شرکت‌ها، سرقت اینترنتی و استفاده از علایم اینترنتی، نفوذ به سایت‌های دولتی و خصوصی، رزرو کردن آدرس سایت‌ها بر اساس نام شرکت‌ها و افراد و باج خواهی از آنها، طراحی برنامه‌های مخرب، سرقت، جنایت و سایر موارد را هم اضافه کرد. مهم‌ترین جرم اینترنتی که هم اکنون برای کاربران به بحران تبدیل شده، سرقت هویت است که آنها را مجبور به تغییر هویت به سمت هویت دیجیتالی کرده است. در مورد هک کردن هم، در برخی از کشورها طبق برخی قوانین، هکرها شناسایی و روانه زندان شدند. در کشور ما برای هک کردن قانون خاصی نداریم فقط افرادی که از عمل دیگران متضرر می‌شوند می‌توانند با مراجعه به دادگاه و تنظیم شکایت برای رسیدگی اقدام کنند.

آمار جرایم سایبری

در خصوص آمار جرایم رایانه‌ای در سطح جهان هنوز آماري که جامع و دقیق باشد ارائه نشده است. علت نامشخص بودن آمار واقعی جرایم رایانه‌ای فقدان تعریف واضح و مشخص، عدم توانایی بزه‌دیدگان در تشخیص بزه‌دیدگی، فقدان سیستم‌های آماري در سیستم‌های قضایی و پلیسی برای کلاسه‌بندی جرایم رایانه‌ای و دلایل متعدد دیگر می‌باشد. با این وجود، منابع متعدد آمارهای مختلفی را گزارش می‌کنند. بررسی آمار جرایم رایانه‌ای جهان بیانگر این واقعیت است که طی سال‌های ۱۹۹۶ الی ۱۹۹۹ برخی از کشورها شاهد ۱۶۰۰ درصد رشد در اینگونه جرایم بوده‌اند که شامل نفوذ غیرقانونی، رمزشکنی، چاپ تصاویر یا تبلیغات مبتذل، خسارت به دیگران، تقلب در خریدهای اینترنتی، تعرض به حقوق مالکیت معنوی و دیگر موارد می‌شده است.

بر پایه گزارش مرکز هماهنگی گروه واکنش سریع در موارد اضطرابی رایانه‌ای، شمار رویدادهای

جذب آنها به گروه‌های فساد، فروش مواد مخدر و قوادی گری می‌پردازند. و با رد و بدل کردن شماره تلفن، به برقراری روابط نزدیک‌تری می‌پردازند. یکی دیگر از روش‌های تحقق قوادی در اینترنت می‌توان به سایت‌های دوست یابی سکسی وهمچنین سایت‌های که مشخصات افراد منحرف شده اخلاقی زنان و مردان و کودکان را در خود جمع کرده‌اند اشاره کرد. که افراد دیگر و علاقمندان به رابطه جنسی می‌توانند در این سایت‌ها وارد شده و مشخص مورد نظر خود را پیدا کنند. گاهی هم ایمیل یا پست الکترونیکی افراد می‌تواند در برگیرنده پیام‌ها و عکس‌هایی باشد که با برنامه ریزی برای آنها ارسال شده و خواهان ارتباط جنسی است و توسط صاحبان آنها از طریق این ایمیل به ایمیل افراد دیگری ارسال شود و این نیز قوادی است.

زنان چه در دنیای واقعی چه در فضای مجازی نیاز به امنیت دارند اما متأسفانه گاهی این نیاز امنیتی در فضای سایبر نادیده گرفته می‌شود. از مصادیق نا امنی خشونت‌های کلامی و نوشتاریست که از طریق چت و اینترنت به صورت حملات نوشتاری و بکارگیری کلمات رکیک و آزار دهنده علیه زنان و یا حتی تخریب و حمله به سایت زنان جهت اعمال خشونت و ابراز قدرت علیه آنان صورت می‌گیرد، وجود تصاویر مستهجن و پورنوگرافیک در اینترنت به مردان می‌آموزد که زنان موجوداتی آسیب پذیرند و باید مورد سوء استفاده و پرخاشگری، تجاوز جنسی و آزار باشند. فعالیت‌های پورنوگرافیک علامت تلاطم سیستم مرد سالاریست زیرا این مردان هستند که آشکار و پنهان میل به برتری خود را با سوء استفاده جنسی از زنان نشان می‌دهند. این تصاویر زنان را مطیع و تسلیم پذیر نشان می‌دهد. خشونت و سکس دست مایه اصلی تصاویر پورنوگرافیک است. در اغلب این تصاویر مردان در حالت غلبه و تسلط بر زن هستند و صحنه‌هایی که زن را در موقعیت خوار و پست نشان می‌دهد.

مهم‌ترین جرایم سایبری در جهان

انتشار اخبار کذب، ارسال مطالب، تصاویر و فیلم‌های مستهجن، آموزش و تبلیغ تروریسم، هک حرمت افراد، استفاده از فضای متعلق



۷۱ درصد مظلونان بالای ۲۱ سال سن داشتند از طرفی خسارات وارده نیز ارقام زیادی را نشان می‌دهد. در آلمان سوء استفاده‌های رایانه‌ای بین ۲ تا ۳ میلیون مارک در طی ده سال گذشته خسارت وارد کرده است. برآورد آمریکا بیانگر سالانه ۱۰۰ تا ۳۰۰ میلیون دلار خسارات وارده از جرایم رایانه‌ای است که البته این رقم طبق برآورد «OEXA» کمتر از مبلغ واقعی آن است.

میزان خسارات وارده در اثر وقوع دسترسی غیرمجاز در ایران:

تا کنون از جانب هیچ مرجع رسمی، آماری در خصوص میزان دسترسی‌های غیرمجاز منتشر نشده است، هر چند گاهی اخباری در این خصوص منتشر می‌شود. به نظر می‌رسد رقم سیاه در این خصوص در ایران بالا باشد؛ زیرا، اولاً سیستم‌ها و شبکه‌های رایانه‌ای به طور مناسب ایمن نشده‌اند و اصولاً به دلیل امکانات کم مادی چنین هزینه‌هایی وجود ندارد. ثانیاً، بسیاری از مدیران سیستم‌ها فاقد اطلاعات تخصصی و حتی عمومی می‌باشند و گاه از روی بی‌احتیاطی زمینه دسترسی غیرمجاز را فراهم می‌کنند. ثالثاً، تا به حال دسترسی غیرمجاز به مانند سایر جرایم رایانه‌ای جرم‌انگاری نشده است. بنا به آمار ارائه شده در یک مقاله نویسنده در یک تحقیق و نظرسنجی غیر رسمی و محرمانه از ۴۰۰ پرسش شونده (۷۰ شرکت خصوصی رایانه‌ای - اینترنتی و ۳۴۰ کاربر اینترنتی و غیر اینترنتی در کلیه سطوح حرفه‌ای، متوسط و آماتور) به این نتیجه رسیده است میزان دسترسی غیرمجاز در ایران بالا و در حال افزایش می‌باشد و بنا بر تحقیقی محرمانه دیگر از ۱۳۰ هکر (در تمامی اقسام آنها) به این نتیجه رسیده است که غالباً دلایل هکرها برای دسترسی غیرمجاز به ترتیب دلایل احساسی - روانی، مالی، علمی - آموزشی و سیاسی می‌باشد.

راهکارهای پیشگیری از جرایم رایانه‌ای

جرایمی که با استفاده از رایانه انجام می‌شود در حال گسترش است و اقدامات پیشگیرانه‌ای که تاکنون در این خصوص انجام شده، نتوانسته است تاثیر قابل توجهی بر این روند بگذارد.

گزارش شده درباره نقض حریم امن رایانه‌ها، در ۹ ماهه اول سال ۲۰۰۰ نسبت به شمار کل رویدادهای گزارش شده در سال ۱۹۹۹ پنجاه و چهار درصد افزایش نشان می‌دهد. افزون بر این، موارد بی‌شماری از دسترسی‌های غیرمجاز و تخریب در سراسر جهان هنوز از دید گزارش‌ها پنهان مانده‌اند. دلیل امن این است که بزه‌دیدگان این جرایم، از آشکار شدن نقاط آسیب‌پذیر خود و احتمال ارتکاب جرایم مشابه و از دست رفتن اعتماد عمومی هراس دارند.

در شهریور ماه سال ۱۳۷۸ یک مهاجم اینترنتی در گوشه نامعلومی از جهان هنگامی که احزاب سیاسی استرالیا، سرگرم مبارزات انتخاباتی بودند، وارد تارنمای وب حزب حاکم لیبرال استرالیا شد و ضمن ایجاد تغییرات در محتوا، مطالب آن را به صورت مضحکی در آورد و در پایان چند عکس مستهجن نیز ضمیمه آن کرد. این عمل مهاجم ناشناس، لطمه شدیدی به حیثیت حزب لیبرال وارد ساخته بود. همچنین در مورد دیگری، مهاجم یا مهاجمان ناشناس با ورود به سیستم رایانه‌ای دانشگاه استانفورد آمریکا، رمز پست الکترونیکی ۴۵۰۰ نفر از دانشجویان و استادان را مورد دستبرد قرار دادند. مهاجمان برای سه هفته بدون اینکه کسی متوجه شود به مطالب پست‌های الکترونیکی این دانشگاه دسترسی داشته‌اند.

کانون وکلای آمریکا در سال ۱۹۸۷ دست به انجام مطالعاتی زد؛ از ۳۰۰ شرکت و اداره دولتی ۷۲ واحد ادعا داشتند که در فاصله زمانی ۱۲ ماه قبل از شروع مطالعات مذکور بزه‌دیده جرایم رایانه‌ای بوده‌اند و طبق برآورد، خساراتی بین ۱۴۵ تا ۷۲۰ میلیون دلار را متحمل شده‌اند. آمار جمهوری فدرال آلمان بیانگر ۳۰۶۷ مورد است که در طول سال ۱۹۸۷ به وسیله پلیس بررسی شده است. ۲۷۷۷ مورد از قضایا را پلیس کلاهدرداری رایانه‌ای، موضوع ماده ۲۶۳ الف مجموعه قوانین جزایی آلمان، تلقی کرده است و این موارد بیشتر از طریق ماشین‌های پرداخت کننده اتوماتیک انجام شده است. ۱۵۰ مورد، حکم محکومیت ۱۶۹ قضیه، ناظر به جعل داده‌ها، ۷۲ مورد تغییر داده‌ها و سابوتاژ و ۴۹ مورد جاسوسی داده‌ها گزارش شده است.



بیشرفت تکنولوژی و علم و

دست یابی بشر به فناوری

اطلاعات و استفاده از رایانه

و پیدایش دنیای مجازی

دارای پیامدهای مثبت و

منفی فراوانی برای بشر بوده

است از جمله پیامدهای منفی

آن، پیدایش جرایم سایبری

است.

در میان خانواده، طبیعی است که افراد و اشخاص حقیقی هم کم کم به همان نسبت اشخاص حقوقی در معرض بزه‌دیده واقع شدن قرار می‌گیرند.

آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای در مواد ۲ و ۱۷ اذعان می‌دارد که نرم‌افزار عبارت است از مجموعه‌ای از داده‌های رایانه‌ای، رویه‌ها و دستورالعمل‌ها و مستندات مربوط به آنها و نیز اطلاعات مربوط به عملیات یک سیستم رایانه‌ای که دارای کاربردی مشخص بوده و بر روی یکی از حامل‌های رایانه‌ای نصب شده باشد. سیستم رایانه‌ای هم عبارت است از نوعی پیکیربندی که متشکل از کلیه اجزای کاربردی کامپیوتر و سخت‌افزار وابسته به آن است.

نکته دیگری هم که باید مطرح شود، این است که باید یک نگاه و در واقع یک تحول خاصی برای بزه‌دیدگان جرایم رایانه‌ای و احقاق حقوق آنان طراحی و تبیین شود. هر چند ممکن است در حال حاضر این نیاز احساس نشود، ولی به مرور مسئله حقوق بزه‌دیدگان و طراحی یک مکانیسم و سیستم برای ترمیم هر چه بیشتر حقوق بزه‌دیدگان باید طراحی شود.

از این رو شاید بتوان محور پیشگیری از این جرایم را در وهله اول در فرآیند تعمیق آموزش‌های لازم به شهروندان جست‌وجو کرد و در وهله دوم با تقویت فنی و امنیتی سامانه‌ها و ابزارهای رایانه‌ای مورد استفاده، از این نوع جرایم

به دلیل گستره این جرایم رایانه‌ای افراد زیادی در معرض آسیب این جرایم می‌باشند، بنابراین ایجاب می‌کند که نهاد قضایی بر اساس اصل ۱۵۶ قانون اساسی به پیشگیری در این خصوص فکر کند. اصل مزبور مقرر می‌دارد: «قوه قضاییه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است.

۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه که قانون معین می‌کند.

۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع

۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین

۴- کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام.

۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.»

با این حال خود افراد و کاربران نیز باید مواظب باشند تا بزه‌دیده این‌گونه جرایم واقع نشوند و به هر ترتیب برخی از این پیشگیری‌ها در قالب پیشگیری وضعی می‌گنجد؛ به این معنی که عملیات و روش‌هایی پیاده شود که قابلیت ارتکاب جرم یا مجنی علیه واقع شدن آن جرم از بین برود و همچنین دسترسی به فناوری‌های بازدارنده که این کار مستلزم محیط نظارتی متناسب است و با آگاهی از خطرات بالقوه امنیتی و روش مقابله و وجود موازینی برای قانون گذاری ماهوی و شکلی با ملاحظه فعالیت‌های کیفری داخلی و بین‌المللی می‌توان تا حدودی از وقوع این جرایم پیشگیری نمود.

به همین دلیل باز در حوزه بزه دیده‌شناسی با توجه به حقوق بزه‌دیدگان، مسئله جرایم رایانه‌ای اهمیت پیدا می‌کند و چون از گستره وسیعی برخوردار است، ممکن است بزه‌دیده‌های فراوانی داشته باشد. قبلاً بیشتر مراکز و نهادها، در معرض بزه‌دیده واقع شدن قرار داشتند، اما با گسترش استفاده از این نوع ابزار و در عین حال حضور آن



می‌آورد دست‌خوش امیال و اغراض خود ساخته و باعث ایجاد مشکلاتی برای استفاده کنندگان از تکنولوژی گردیده و باعث ایجاد شبهه و تردید برای استفاده صحیح از این امکانات و تکنولوژی شده‌اند تا جایی که امروزه توجه دولتمردان، حقوق دانان، متخصصین در امر تکنولوژی را به خود معطوف کرده است. هر چه بیشتر تکنولوژی کامپیوتری توسعه یابد جرایم کامپیوتری نیز توسعه پیدا خواهد نمود و دولت‌ها می‌بایستی قوانین خود را متناسب با جرایم نمایند، زیرا جرایم کامپیوتری با جرایم غیر کامپیوتری و کلاسیک اختلاف اساسی دارد و لذا باید به جهت امنیت و رفاه حال مردم و جلوگیری از جرایم جدید و سوءاستفاده متخلفین، جرم‌انگاری و قانون جرایم سایبری هر از چند مدتی به روز شود. زیرا هکرها و مجرمان سایبری به طور عمده و کلان اهداف اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی را دنبال می‌کنند و از همین رو برای مقابله با این مجرمان باید به شکل کاملاً روزآمد عمل کرد.

منابع:

- ۱- سازمان ملل، نشریه بین‌المللی سیاست جنائی، ترجمه دبیرخانه شورای عالی انفورماتیک، سازمان برنامه و بودجه کشور، ۱۳۷، ص ۱۱۸.
- ۲- دزیان، محمد حسن، ابعاد جزایی کاربرد رایانه و جرایم فضای سایبر
- ۳- باستانی، ۱۳۸۳ برومند، جرایم کامپیوتری و اینترنتی، انتشارات بهنامی، تهران
- ۴- حسن بیگی، ۱۳۸۴، دکتر ابراهیم، حقوق و امنیت در فضای سایبر، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار، تهران
- ۵- بابازاده، قاسم، پیرامون کنوانسیون اروپائی جرایم کامپیوتری، خبرنامه انفورماتیک، شورای عالی انفورماتیک، ۸۱ فروردین ۸۱، ص ۳۸.
- ۶- تحیری، فرزاد، دسترسی غیر مجاز جلوه‌ای از جرایم رایانه‌ای نوین، سایت حقوقدانان
- ۷- جاویدنیا، جواد. مقاله جرایم تجارت الکترونیک، ۱۳۸۷
- ۸- دی آنجلیزینا، جرایم سایبری، مترجم حافظی و خرم آبادی، عبدالصمد، دبیرخانه شورای عالی اطلاع رسانی ۱۳۸۳

پیشگیری کرد ولی می‌بایست توسل به تدابیر پیشگیرانه توجیهی جهت اخلال در امنیت و آزادی مردم محسوب نگردد لذا این تدابیر باید با حفظ حریم خصوصی اشخاص و صرفاً جهت پیشگیری از جرایم سایبری صورت گیرد. پلیس جرایم سایبری نیز اطلاع رسانی و آگاه سازی عمومی با هدف ایجاد ایمنی برای کاربران فضای مجازی را از اقدامات مهم در حوزه پیشگیری اجتماعی می‌داند و معتقدند مجرمان با جامعه کوچکتری از افراد غیر مطلع و آسیب پذیر تحت عنوان هدف مواجه هستند. بنابراین افزایش سطح دانش تخصصی و امنیتی و اطلاع کاربران از شیوه‌های مقابله با شگردهای مجرمانه موجب می‌شود تعداد افرادی که به صورت بالقوه در معرض این آسیب قرار دارند، کاهش یابد. از سوی دیگر احتمال موفقیت مجرمان نیز در ارتکاب جرم به همین نسبت کاهش می‌یابد و با افزایش تعداد افراد آگاه، شناسایی مجرمان به سرعت انجام می‌شود.

نتیجه گیری

با توجه به پیشرفت تکنولوژی و اطلاعات، به طور یقین افرادی سودجو و فرصت طلب با فراگیری دانش درصدد سوء استفاده از تکنولوژی می‌باشند که این افراد سودجو، امکاناتی را که توسعه تکنولوژی برای جامعه بشری به ارمغان

در سال‌های اخیر، نوع

جدیدی از فریب و قاچاق

دختران و زنان از طریق

اینترنت مشاهده می‌شود که

حاصل مدرن نیزه شدن جوامع

می‌باشد. اتاق گفتگو یکی

از راه‌هایی است که دلالتان

برای اغفال دختران و زنان

استفاده می‌کنند.





۵ الهام رهبرفر

کارشناس ارشد
حقوق جزا و جرم‌شناسی



بررسی تجاوز به عنف عوامل موثر و پیامدهای آن

زنان به عنوان بخش مهمی از جوامع امروز از حقوقی برخوردارند که تعدی به آن نیاز به برخوردهای مناسب از سوی مراجع ذی ربط دارد. بزه دیدگی علیه زنان و خشونت علیه آنان موضوع درناکی است که عواقب آن برای کل جامعه خطرناک است. در نتیجه هدف اصلی این مقاله پرداختن به معضل بزه دیدگی جنسی زنان است. به دلیل اینکه یکی از درد آورترین جرایمی که علیه آنها واقع می‌شود تجاوزات جنسی است و مع الاسف این جرم از دیرباز در تمام جوامع به اشکال مختلف صورت می‌گرفته و در عصر حاضر رو به افزایش هم می‌باشد. از این رو امروز جامعه جهانی آن را بعنوان یکی از مصادیق خشونت علیه اقشار آسیب پذیر جوامع یعنی زنان محسوب کرده است. با توجه به اینکه یکی از مهم ترین اهداف حقوق کیفری تامین منافع بزه‌دیدگان در پرتو عدالت است، ضروری است ابعاد کیفری و جرم‌شناسی تجاوز به عنف در ایران بررسی شود تا گامی باشد در جهت از میان برداشتن خلأهای موجود در زمینه‌ی برخورد با این جرم. بررسی عوامل بزه‌کاری و مسایلی هم چون پیامدهای ناشی از جرم و اقدامات پیشگیرانه مورد توجه است هرچند مبحث تجاوز به عنف و جوه گسترده‌ای دارد که در این مقاله نمی‌گنجد.



بمعنای انجام نزدیکی جنسی با فرد بدون رضایت وی می‌باشد.» در واقع تجاوز جنسی علیه هر دو جنس اعم از مرد و زن صورت می‌گیرد اما قربانیان تجاوز را عمدتاً زنان تشکیل می‌دهند. تجاوز نوعی خشونت جنسی است که معمولاً شامل آمیزش جنسی می‌شود و به رغم عدم رضایت انجام می‌شود. تجاوز جنسی در حقیقت تنها یک حمله فیزیکی و جنسی نیست بلکه در واقع حمله معنوی به شان یک انسان است.

پاسخ کیفری به تجاوز به عفت در ایران

در قانون مجازات اسلامی از لفظ تجاوز استفاده نشده و از زنا به عفت یاد کرده و آن را به موجب بند ۴ ماده ۲۲۴ قانون مستحق مجازات اعدام دانسته است. با وجود اینکه زنا به عفت از جنایات محسوب می‌شود اما طرق اثبات آن در ایران و مطابق قانون مجازات اسلامی واجد شرایطی است که در عمل ممکن است قضات را دچار سردرگمی نماید و به علت مجازات شدید این جرم دشواری‌هایی در صدور رای ایجاد نماید.

در مجموع طرق اثبات زنا به عفت عبارتند از: ۴ بار اقرار متهم، شهادت ۴ مرد عادل و علم قاضی که در واقع علم حسی قاضی مورد نظر است. که در مورد اقرار باید عنوان داشت در عمل ممکن است فرد متجاوز در مراحل اولیه دادرسی اقدام به اقرار کند اما غالباً در مراحل بعدی و قبل از بار چهارم یا انکار می‌کند و یا دیگر اقرار نمی‌کند و این موضوع منجر به برائت وی می‌شود. در واقع بسیار بعید بنظر می‌رسد که فردی که مرتکب چنین جرمی می‌شود و این چنین هنجارهای اجتماعی را زیر پا می‌نهد ۴ بار در محضر دادگاه اقرار به عمل ارتكابی خود نماید. در خصوص سایر طرق اثبات هم اوضاع همین گونه است. بطور مثال در مورد شهادت ۴ مرد عادل می‌توان عنوان کرد به دلیل ماهیت جرم که اساساً در خفا انجام می‌گیرد و کیفیت شهادت شهود که بایستی کاملاً ناظر بر وقوع جرم بوده باشند تقریباً شهادت ۴ مرد عادل منتفی است. چرا که اگر ۴ نفر شاهد عادل وجود داشته باشند عملاً از چنین جنایتی باید جلوگیری نمایند. هر چند اخیراً تجاوزات به اشکال مختلف

تجاوز به عفت از جنایات علیه اشخاص محسوب می‌شود و امروزه از بارزترین جرایمی است که آسیب شدیدی بر تمامیت جسمی و روحی افراد وارد می‌سازد و از لحاظ میزان شدت بعد از قتل در درجه‌ی دوم قرار می‌گیرد که در نظام‌های حقوقی دنیا با پاسخ سنگین کیفری مواجه است. در میان عوامل تهدید کننده امنیت افراد، تعرض و تجاوز جنسی را می‌توان یکی از دردآورترین و تلخ‌ترین نوع تهدیدات برشمرد. چنانکه اخیراً شاهد گسترش بیش از پیش این جنایت هستیم که مع الاسف به شکل گروهی هم ارتکاب می‌یابد. رقم سیاه تجاوز به عفت بسیار بالاتر از آمار حقیقی آن است زیرا شمار زیادی از تجاوزهای جنسی حتی اگر جزو موارد قابل گزارش باشند، گزارش نمی‌شوند و همچنین موارد زیادی از تجاوزاتی که به پلیس گزارش می‌شوند منجر به پیگرد قانونی نمی‌شوند. بر اساس اسناد وزارت دادگستری آمریکا در سال ۲۰۰۵ میزان قربانی واقعی برای تجاوز جنسی و خشونت جنسی برابر با ۱۹۱۶۷۰ بوده است. تنها ۱۶ درصد از تجاوزها و خشونت‌های جنسی در سال ۲۰۰۰ گزارش داده شده است. مطالعات بیانگر آنند که در آمریکا، هر ساله بین ۶۸۰ هزار تا ۱/۵ میلیون زن مورد تجاوز قرار می‌گیرند. تخمین زده می‌شود که دست کم ۱۲/۱ میلیون زن آمریکایی (یک نفر از هر هشت زن بزرگسال) زمانی در طول عمر خود قربانی تجاوز به عفت بوده‌اند.

در ابتدا ضروری است ذکر شود تجاوز به لحاظ لغوی در فرهنگستان عمید در معنای «از حد گذشتن و از اندازه خارج شدن» آمده است. عفت در لغت به معنای درشتی و سختی و ضد مدارا بکار رفته است. عفت عبارت است از زور فیزیکی صادره علیه فردی که به عمد فرد را مجبور به ارتکاب عملی نماید که بر خلاف میل و رضایت او است. در واقع می‌توان بهر قسم عملی که به زور و اجبار و یا تهدید صورت می‌پذیرد، اشاره کرد.

هر چند از لحاظ قانونی برای تجاوز به عفت تعریف مشخصی وجود ندارد و در واقع قانون مجازات اسلامی همان مجازات زنا به عفت را برایش آورده است. اما می‌توان گفت ساده‌ترین تعریف در ایران عبارت است از: «تجاوز به عفت





و گاه به شکل علنی و در مقابل دیدگان افراد دیگر هم صورت می‌گیرد اما این موارد کمتر اتفاق می‌افتد بخصوص در تجاوز از ناحیه محارم چون در حریم خانوادگی اشخاص هم صورت می‌گیرد، اصولاً شهادت دشوار می‌شود. در مورد علم قاضی هم که عموماً از طرقی مثل ارجاع به نظر کارشناس صورت می‌گیرد که در اینجا پزشکی قانونی است و اصولاً چون بزه دیدگان بلافاصله پس از وقوع جرم اقدام به شکایت نمی‌کنند آثار و علائم تجاوز از بین می‌رود ولی در صورتی که تجاوز در حدی باشد که جنینی ایجاد شده باشد از طرقی مثل ژنتیک قابل بررسی است.

تجاوز به محارم:

تجاوز به عنف چگونه و چرا اتفاق می‌افتد؟ واقعیت اجبار و خشونت جسمانی - تحریکات عاطفی و ارعاب احساسی - استراتژی اقتصادی - استراتژی فریبکارانه. افراد متجاوز غالباً از استراتژی‌های متفاوتی استفاده می‌کنند. این است که متأسفانه کم نیستند دختران یا زنانی که در درون خانواده خود و از سوی نزدیکان خود مورد تجاوز قرار می‌گیرند. خانواده که بایستی مامن زنان و کودکان باشد و مکانی جهت کسب آرامش باشد گاهی کارکرد خود را از دست می‌دهد و آرامش آنها را بر هم می‌زند. تجاوز برادر، پدر، عمو و دیگر افراد فامیل به دختران جوان معضلی شناخته شده در اکثر کشورهای غربی است که البته بندرت در جامعه‌ی خودمان هم وجود دارد. پدرانی که مرتکب تجاوز به دختران خود می‌شوند، پدرانی که مرتکب چنین جنایتی علیه فرزندان خود شدند غالباً از عزت نفس پایین، بیکاری، اعتیاد به مشروبات الکلی و یا مواد مخدر و اختلالات شخصیتی رنج می‌برند.

شیوه‌های مرتکبین به تجاوز به محارم:

اجبار و خشونت جسمانی - تحریکات عاطفی و ارعاب احساسی - استراتژی اقتصادی - استراتژی فریبکارانه: افراد متجاوز غالباً از استراتژی‌های متفاوتی استفاده می‌کنند.

اجبار و خشونت جسمانی: یکی از ویژگی‌های خانواده‌های اینجینینی عدم ارتباط

صحیح است که افراد برای اثبات آرای خود از زور و ضرب و شتم ... استفاده می‌کنند مثل پدری که برای برقراری ارتباط به فرزندش قرص داده و چون هم چنان با مقاومت او روبرو است او را سوزانده و بعد مورد تجاوز قرار می‌دهد که قطعاً دچار اختلالات روانی چنانکه اشاره شد، است.

اغوی عاطفی و ارعاب احساسی:

خانواده‌هایی که در آن تجاوز جنسی به محارم وجود دارد غالباً نسبت به سایرین دچار انزوای اجتماعی هستند و کمترین میزان ارتباط عاطفی میان آنها صورت می‌گیرد. در واقع دختر از سوی پدر اغوا می‌شود به این معنا که پدر محبت به فرزندش را با رابطه جنسی مبادله می‌کند. در واقع در این رابطه دختر که معمولاً از سن کمی برخوردار است تصور می‌کند این شیوه رابطه در واقع نوعی دوست داشته شدن است.

استفاده از ابزار اقتصادی:

یکی از ابزار اقتصادی پیشنهاد رشوّه داده



سکوت، مقاومت، اعتراض و خروج عنوان کرد. در واقع بزه دیده یا از نگرانی آبرو سکوت می کند یا در موارد بعدی مقاومت و جیغ و فریاد می کند یا به مراجع قضایی اعتراض می نماید و در حالت دیگر خروج می کند و اقدام به فرار از خانه می کند. اما در خصوص مجازات همان طور که گفته شده چون اعدام تنها راه برخورد با جرم است، قضات معمولاً سعی در تیره متجاوز می کنند چرا که در صورتی که اعدام صورت بگیرد به نوعی حرمت خانواده در جامعه و نزد افراد از بین می رود و نوعی احساس عدم امنیت در بین افراد شایع می شود، پس اصراری به علنی کردن پرونده های تجاوز از ناحیه محارم از سوی دستگاه قضایی وجود ندارد. در واقع بزه دیدگان این جرایم نسبت به سایرین مهجور ترند و در برخی موارد نه تنها اجرای مجازات نسبت به متجاوز را مشاهده نمی کنند بلکه مجبور می شوند در کنار فرد متجاوز مجدداً زندگی کنند چرا که سازمان های حمایتگری از قبیل بهزیستی هم از آنها حمایت لازم را نمی کنند مثلاً به دختری که مورد تجاوز قرار گرفته می گویند بهتر است درون خانواده قرار گیرد و زندگی کند تا در محیطی خارج از خانه، بنابراین نوعی دوگانگی و اضطراب در او بوجود می آید. از سویی هم چنان نوعی رابطه عاطفی نسبت به پدر دارد چرا که ناچار است در کنارش زندگی کند و از سوی دیگر از او متنفر است و احساس ناامنی می کند. این بزه دیدگان آسیب بیشتری می بینند چرا که در خانه خود هم ناامنی و ترس را احساس می کنند و هر لحظه از بزه دیدگی مجدد واهمه دارند.

ویژگی های روان شناختی متجاوزان

دیدگاه های نظریه پردازان در مورد وجوه روان شناختی متجاوزان متفاوت است. برای نمونه گروهی بر این باورند که متجاوزان تنها قدرت بازدارندگی نسبت به جرم را ندارند و نتوانسته اند مانند افراد عادی مهارت بازدارندگی نسبت به اعمال ضد اجتماعی داشته باشند و این عدم بازدارندگی ناشی از مسایل مختلف مثل تاثیر الکل و یا مواد موهم یا مخدر و... است. عامل دیگر عدم رضایت مندی آنها از یک رابطه عادی است.



می شود. برای نمونه دختری که عنوان می کرد در مقابل درخواستش مبنی بر دریافت جهیزیه پدرش از او خواسته تا با وی ارتباط جنسی برقرار کند. و یا دختری خردسالی که بارها از سوی دایی اش مورد تجاوز قرار گرفته و پول و یا سایر امکانات دیگر را دریافت داشته است.

توسل به اقدام فریبکارانه: زمانی که فرد متجاوز برای رسیدن به مقصد خود از طریق اغفال بزه دیده عمل می نماید مثل برادری که به خواهرش عنوان کرده که این از اصول اسلام است که زمانی که زنی بیوه است یا در مواقعی که دسترسی به همسرش ندارد می تواند با محارم خود رابطه جنسی داشته باشد و در واقع از این طریق فرد بزه دیده را فریب می دهد. در اینجا هم در واقع فرد بزه دیده فاقد رضایت قلبی است بنابراین می توان عنوان نمود که فرد قربانی تجاوز به عنف شده است.

در این میان می توان واکنش ها را در ۴ قالب



همانگونه که ذکر شد زنان و کودکان بیشترین قربانیان تجاوز به عنف در تمام جوامع هستند تا جایی که در بسیاری از مباحث مبارزه با بزه‌دیدگی زنان یکی از موضوعات مطرح همین قضیه تجاوزات جنسی علیه آنان است. از این رو ضروری است به برخی ویژگی‌هایی که منجر به بزه‌دیدگی زنان می‌شود، اشاره کرد. البته مواردی که ذکر خواهد شد غالباً میان کشورهای مختلف مشترک است فلذا در جوامع و جوه مشترکی در این زمینه وجود دارد. فارغ از ویژگی‌های عمومی هم چون سطح تحصیلات پایین / در آمد ناکافی / تجرد و مطلقه بودن و فاکتور هایی نظیر موارد ذکر شده که غالباً در مورد زنان بزه دیده بیش از سایر زنان دیده می‌شود.

ویژگی‌های خاص زنان بزه دیده تجاوز جنسی عموماً موارد زیر است:

بیماران روانی:

یک دسته از زنان قربانی، به لحاظ عقلی دارای نقصان بوده یا بیماری روانی دارند. تحقیقی در فرانسه نشان می‌دهد که زنان اسکیزوفرنی سه برابر بیشتر از زنانی که دارای بیماری اختلال خلقی دوقطبی بودند و دو برابر بیش از سایرین، قربانی تجاوز جنسی واقع شده‌اند. البته در این میان نمی‌توان افراد عقب مانده ذهنی را بعنوان جزئی از قربانیان تجاوز به عنف نادیده گرفت. چرا که افراد جانی با سوء استفاده از همین نقیصه اقدام به جنایت می‌کنند.

دختران فراری:

دختران فراری، به دلیل نداشتن سرپناه و حامی جدی و ترس از مراجعه به مراکز قانونی، به جهت اجبار آنها در بازگشت به خانه و زنان روسپی به دلیل سوء سابقه اعتیاد، بسیار آسیب‌پذیر می‌باشند و جوانان ولگرد با آگاهی از این وضعیت، آنها را تهدید کرده و مورد تجاوز قرار می‌دهند.

ویژگی‌های ظاهری خاص:

ویژگی ظاهری زنان قربانی و جذاب بودن نقش موثری در میزان بزه‌دیدگی آنها دارد. این موضوع در مورد اکثر جوامع صدق می‌کند. قطعاً زنانی با چهره زیبا و جذابیت‌های ظاهری بیشتر در معرض آسیب‌های جنسی قرار می‌گیرند. البته

نکته مورد توجه دیگر اینکه مقایسه‌ای میان مجرمان جرایم جنسی از قبیل تجاوز با سایر مجرمان، گویای اینست که نمی‌توان ثابت کرد متجاوزان الزاماً واجد نوعی محافظه کاری نسبت به زنان هستند یا باز خورد منفی نسبت به آنها دارند. در واقع بعنوان بخش مهمی از بزه دیدگان تجاوز به عنف، برخی از پژوهش‌ها حاکی از آن بود که



افراد متجاوز در تعامل و رفتار خود با زنان دچار مشکل بودند از این جهت بدلیل فقدان مهارت‌های اجتماعی در بر خورد با زنان از دستیابی به شریک جنسی محروم شده و برای ارضای نیازهای خود به زور و تجاوز متوسل شدند. چنانکه در برخی پژوهش‌ها (اوور هولز و بک ۱۹۸۶) مشخص شد که متجاوزان در قلمرو مهارت‌های کلامی دچار مشکل بودند و دچار اضطراب می‌شدند.

چه کسانی بیشتر قربانی بزه تجاوز به عنف می‌شوند؟



این پدیده‌ها ممکن است ماهها یا حتی سال‌ها بعد از تجاوز ادامه پیدا کند. از سوی دیگر هر رویدادی که تجاوز جنسی را در ذهن زن تداعی کند یا او را به این فکر بیندازد که بر زندگی خود کنترل ندارد، می‌تواند احساسات فوق را در فرد برانگیزد. زیرا زن در جریان تجاوز به عنف، در وضعیت وحشتناک و مرگباری قرار می‌گیرد و حالت شوک و ترس

این موضوع مطلق نیست و برخی آماج‌ها برای مجرمینی جذاب هستند که برای گروه دیگری ممکن است اینگونه نباشند. بایدرد نظر داشت که در کنار زیبایی و خصوصیات جسمانی، طرز رفتار و حرکات و نوع پوشش زنان هم عاملی در ایجاد انگیزه برای بزهکار بالقوه می‌باشد هر چند تاثیر آن به مراتب کمتر از عوامل دیگر است.

پیامدهای تجاوز به عنف:

تجاوز به عنف آثار نگران کننده‌ی مختلفی دارد که به اختصار به آنها اشاره می‌شود:

آسیب‌های جسمی:

تجاوز، آثار زیان‌بار جدی بر سلامت جسمی قربانی دارد. بهره‌کشی جنسی از کودکان کم‌سال می‌تواند به تاثیر سوء و آسیب دائم در اندام‌های تناسلی، مقعد، دهان، گلو و حتی در موارد شدید به مرگ منجر شود. دختران و زنان جوانی که توسط محارم مورد تجاوز واقع می‌شوند، به شدت در خطر ابتلا به بیماری‌های مقاربتی به ویژه باکتری مهملی تریکوموناس، کلامیدیا و ایدز قرار دارند. قربانی احتمال دارد در جریان تجاوز به عنف، به انواع بیماری‌های مقاربتی نظیر ایدز، سوزاک، سفلیس و... مبتلا شود، همچنین زنانی که تجاوز جنسی را تجربه کرده‌اند، احتمالاً در آینده به درد مزمن لگن خاصره، درد شکم، نشانگان دفع تحریک و بدکاری جنسی دچار می‌شوند. خاطره تجاوز با آسیب جسمی ممکن است به بروز انواع بیماری‌های زنان منجر شود. همچنین زنانی که سال‌های باروری خود را می‌گذرانند، ممکن است در خطر بارداری ناخواسته قرار گیرند.

ایجاد بیماری‌های روانی:

غالب زنان و کودکانی که مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرند، دچار اختلالات هیجانی یا روحی می‌شوند، حتی اگر بکوشند به زندگی خود ادامه دهند و نسبت به این رخداد واکنش نشان ندهند و احساسات خود را انکار کنند، این اختلالات روحی مشاهده می‌شود. در برخی موارد، زنان بزه‌دیده دچار احساس شرم، تحقیر گیبجی و سردرگمی، ترس، خشم، غضب، عدم امنیت، اضطراب و افسردگی، بی‌خوابی، کابوس، بی‌بازی از آمیزش جنسی و احساس بی‌حرمتی و فقدان کنترل بر بدن می‌شوند.



پیدا می‌کند. بسیاری از زنان بزه‌دیده نیز احساس می‌کنند که خودشان به نوعی در تجاوز جنسی مسئول بوده‌اند، در نتیجه ممکن است احساس گناه و بی‌ارزشی کنند. قربانیان تجاوز جنسی همچنین با مشکلات سازگاری از جمله ترس زیاد از خیابان، احساسات منفی نسبت به مردان ناآشنا، روابط آشفته با افراد ناهمجنس، احساس ناامنی دارند.

آسیب‌های خانوادگی:

در بیشتر اوقات، خانواده قربانیان همانند خودشان بیشترین آسیب را متحمل می‌شوند.



**می‌توان واکنش‌ها را بعد
از تجاوز در ۴ قالب سکوت،
مقاومت، اعتراض و خروج
عنوان کرد. در واقع بزه
دیدۀ یا از نگرانی آبرو
سکوت می‌کند یا در موارد
بعدی مقاومت و جیغ و فریاد
می‌کند یا به مراجع قضایی
اعتراض می‌نماید و در حالت
دیگر خروج و اقدام به فرار
از خانه می‌کند.**

دیگر از بزه‌دیده‌شناسی تحت عنوان «بزه‌دیده‌شناسی کنشی و یا ثانویه» ایجاد گردید تا در راستای جبران خسارات وارده و حمایت از آنها اقدام نماید.

ایجاد مرکزی برای حمایت از قربانیان:

یکی از مهم‌ترین ابعاد حمایت از بزه‌دیدگان این مرحله است که به منظور تضمین پرداخت زبان‌های وارده به بزه‌دیده در زمانی که دسترسی به بهداشت ممکن نیست و یا افلاس و اعسار وی و جبران خسارت بزه‌دیده ناممکن و متعذر می‌باشد، انجام می‌شود. برخی از قانونگذاران در کشورهای مختلف تدابیر گوناگون و مؤثرتری اتخاذ کرده‌اند؛ به عنوان نمونه می‌توان به بیمه اجباری رانندگان اتومبیل اشاره کرد. برای کشورهایی که با بحران تجاوز مواجه هستند، ایجاد مرکز حمایت از قربانیان توصیه می‌شود تا قربانی تجاوز بتواند در اولین فرصت با این مرکز تماس بگیرد. در این مرکز، باید مددکار اجتماعی و پزشک معالج به قربانیان کمک نمایند. پزشک این مرکز باید با گردآوری مدارک جسمی محکمه پسند آشنا باشد. واحد مشاوره پزشکی باید در مورد مراقبت‌های پزشکی مشاوره دهد و واحد مشاوره حقوقی، زنان بزه‌دیده را راهنمایی نماید تا بدانند که چگونه به پلیس گزارش دهند تا هم متجاوز به سزای اعمالش برسد و هم آبروی قربانی حفظ شود و بتواند به زندگی عادی خود برگردد. این مرکز می‌تواند وکیل مدافع مناسب را به قربانی معرفی کند تا در صورت پیگیری موضوع، این کار را انجام دهد. در این مرکز همچنین باید آمار دقیقی از انواع تجاوزات جنسی و علل اصلی آنها گردآوری شده و قربانی، مشاوره روانی گردد و به سایر سازمان‌های اجتماعی یا بخش‌های

بسیاری از زنان با نشانه‌های اختلال یا استرس پس از آسیب مواجه می‌شوند و زندگی جنسی آنها تقریباً از هم می‌گسلد و بسیاری از قربانیان نسبت به روابط جنسی، هراس پیدا می‌کنند و یا دچار نشانه‌هایی مانند واژینیسم می‌شوند. تعداد زیادی از قربانیان، مشکل در برقراری مجدد روابط جنسی و عاطفی با همسر خود دارند، این موضوع در زنانی که از لحاظ جنسی فعال نیستند، اثر منفی شدیدتری می‌گذارد. شوهری که همسرش مورد تجاوز قرار گرفته است احتمالاً دید منفی نسبت به همسرش پیدا می‌کند و او را همچون فرد «سقوط کرده» یا «آلوده» می‌داند، مردان فامیل، در زمانی که زن واقعاً به محبت و حمایت نیاز دارد، به طور غیرارادی با خشم یا غضب به او پاسخ می‌دهند یا ترجیح می‌دهند که به محض رفع مشکلات جسمی زن بزه‌دیده، زندگی عادی خود را پیش گیرند و به نیاز زن برای صحبت کردن درباره احساساتش توجه نکنند.

بارداری‌های ناخواسته:

متأسفانه یکی از پیامدهای دردناک تجاوزات جنسی بارداری‌ها و ایجاد نطفه‌هایی است که تکلیفشان مشخص نیست. بنابراین، زن صاحب جنینی در شکم خود می‌شود که نه تنها حاصل یک تجربه دردآور شکنجه جنسی است، بلکه هرگز امکان تشکیل خانواده‌ای مرکب از پدر و مادر برای آینده آن جنین متصور نیست. چراکه در قوانین کشور ما چنین فرزندی، نامشروع و از بسیاری از حقوق اجتماعی و مدنی در جامعه محروم است. اغلب قربانیان زانی به عنف، آمادگی روانی برای بارداری، سپس پرورش نوزادی که پدرش ناشناس و یا از محارم است و یا حاضر به همسری نیست، ندارند. علاوه بر موارد مذکور انحرافات اجتماعی، قتل توسط بستگان، طرد از خانواده و جامعه هم می‌تواند از پیامدهای تجاوز به عنف باشد.

اقدامات حمایتی از قربانیان تجاوز به

عنف:

با توجه به اینکه بزه دیده‌شناسی در مفهوم اولیه خود صرفاً به ویژگی‌های قربانیان جرم و ارتباط آنها با بزه‌کاران می‌پرداخت نگرانی از سلب حقوق بزه‌دیدگان همیشه یکی از دغدغه‌های جوامع بود تا اینکه شاخه‌ای



دختران فراری، به دلیل**نداشتن سرپناه و حامی جدی****و ترس از مراجعه به مراکز****قانونی، به جهت اجبار آنها****در بازگشت به خانه و زنان****روسی به دلیل سو، سابقه****اعتیاد، بسیار آسیب‌پذیر****می‌باشند و جوانان ولگرد یا****آگاهی از این وضعیت، آنها****را تهدید کرده و مورد تجاوز****قرار می‌دهند.**

روان پزشکی معرفی شود و در یافتن روان درمانگر متخصص یاری شود.

تشویق قربانی به گزارش دهی:

آگاه‌سازی یا اطلاع‌رسانی یکی از آشکارترین حقوق بزده‌دیده و یکی از مهم‌ترین راه‌های پاسخگویی به نیازهای اوست یکی از عوامل تشدید تجاوز، عدم گزارش از سوی قربانی می‌باشد، از آنجا که در چنین حوادثی، نگرش بدبینانه‌ای نسبت به زنان وجود دارد و از سوی دیگر زنان ایرانی، بسیار مقید و مأخوذ به حیا هستند و از بازگویی واقعه با پلیس مرد خودداری می‌کنند، لازم است که در تمامی کلانتری‌ها، پلیس‌های زن موظف به پیگیری پرونده تجاوز به عنف باشند، بدین ترتیب گزارش این‌گونه جرائم افزایش خواهد یافت. ضمناً باید خطوط تلفن ویژه، برای کمک فوری و گزارش دهی قربانیان، پلیس اضطراری فراهم شود. همچنین باید زنان را متقاعد نمود که هر نوع تجاوز جنسی (از سوی بیگانه یا خویشاوندان) را به پلیس گزارش دهند.

نتیجه‌گیری:

تا کنون راه‌کارهای متعددی به منظور پیشگیری از این پدیده ارائه شده است. البته هنوز اقداماتی در این زمینه لازم است انجام بشود، و برای مبارزه موثر با پدیده خشونت‌های جسمی - جنسی به منابع بیشتری نیاز است. اما به گفته سازمان جهانی بهداشت موثرترین راهبردی که تا کنون از آن استفاده شده، اجرای برنامه‌های آموزشی در سطح مدارس دوره راهنمایی و دبیرستان بوده است. در این سنین معمولاً دختران و پسران در شماری از

کشورهای جهان، به ایجاد رابطه با جنس مخالف تمایل پیدا می‌کنند. بنابراین مجهز ساختن آنها به آگاهی‌های لازم، از جمله درک برابری حقوقی زن و مرد، افزایش توانایی‌های نوجوانان در زمینه ارتباطاتی و گفتگو با یکدیگر، محدود سازی امکان دست یابی به نوشیدنی‌های الکلی برای نوجوانان، و دگرگون ساختن ارزش‌های جنسیتی در جامعه با هدف پذیرش برابری ذاتی حقوقی زن و مرد ضروری بوده است. در این راستا سازمان جهانی بهداشت و دیگر نهادهای سازمان ملل متحد از جمله واحد برابری جنسیتی و توانمند سازی زنان ملل متحد (یونیمف سابق)، و آژانس‌های توسعه بین‌المللی کشورهای پیشرفته نقش مهم و اساسی ایفا کرده‌اند؟ پزشکی و عاطفی علاوه بر تقویت اطلاعات آماری می‌تواند در این راستا موثر باشد.

منابع:

- ۱- اردبیلی، محمد علی، «سقط جنین در بارداری ناشی از زناى به عنف»، تحقیقات حقوقی، بهار و تابستان ۱۳۸۳، شماره ۵، ۳۹.
 - ۲- اردلان، علی. و دیگران، «ارتباط جنسی برای بقا»، راه اجتماعی، پاییز ۱۳۸۱، شماره ۵.
 - ۳- انصاری، مسعود، روان شناسی جرایم جنسی، تهران، نشر اشراقی، ۱۳۷۹، ۱۷.
 - ۴- رایجیان اصلی، مهرداد، «بزه دیدگان حقوق و حمایت‌های بایسته»، پژوهش حقوق و سیاست، ۱۳۸۶، شماره ۱۹.
 - ۵- رمضان نرگسی، رضا، تجاوز و بزه دیدگی زنان، کتاب زنان، ۱۳۸۳، شماره ۵، ۲۳.
 - ۶- معظمی، شهلا، فرار دختران چرا؟ تهران، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
 - ۷- آذری، هاجر، «حمایت کیفری از زنان بزه دیده جرم جنسی» کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۶. (پایان نامه)
 - ۸- مرتضوی، نسرين، «جایگاه زنان بزه‌دیده در سیاست جنایی ایران»، کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، مجتمع آموزشی قم، ۱۳۷۶. (پایان نامه)
- <http://news.bbc.co.uk/2/hi/africa>
www2.ucsc.edu/rape-prevention
www.tabnak.ir/fa/news/10/4/1390/176781



ستاره‌های دیروز
جون فونتین



روفیا تیرگری
کارشناس هنرهای نمایشی

کارهای بسیار هیجان انگیز زیادی انجام داده‌ام

جون فونتین در سال ۱۹۴۰ با بازی در ربه‌کا اولین فیلم آمریکایی آلفرد هیچکاک نامزد جایزه اسکار شد و به شهرت رسید. در سال بعد با فیلم «سوءظن» ساخته همین کارگردان، اسکار بهترین بازیگر زن را به دست آورد. رقیب او برای این جایزه خواهرش اولیویا دوهاولند بود.

حقوقی‌تان



**جون فوتین با بازی در ربه‌کا
اولین فیلم آمریکایی الفرد
هیچکاک نامزد جایزه اسکار
شد و به شهرت رسید.**

آثار بهتری بازی می‌کرد. در ۱۹۴۸ نقش اول را در برابر بینگ کرازبی پذیرفت. سپس در «ماجرای سپتامبر» ۱۹۵۰ با کاتن و «بد مادرزاد» ۱۹۵۰ با مل فر هم بازی شد.

فوتین بعد از هیچکاک با کارگردانان صاحب نام دیگری مثل بیللی وایلدر، نیکلاس ری و فریتز لانگ همکاری کرد. او در اقتباسی از جین ایر (۱۹۴۲) به کارگردانی رابرت استیونس در مقابل اورسن ولز در نقش راجستر ایفای نقش کرد. فوتین پس از پشت سر گذاشتن دو دهه‌ی موفقیت آمیز چهل و پنجاه در دهه‌ی شست به پایان دوران بازیگری سینمایی خود رسید و آخرین فیلم سینمایی اش «ساحران» ۱۹۶۶ بود.

ایده‌ی حضور جون فوتین در فیلم ربه‌کا (۱۹۴۰) ساخته‌ی آلفرد هیچکاک از گفت و گوی او با دیوید اوسلزنیک تهیه‌کننده شکل گرفت. بعد از شش ماه تست و تمرین نفس‌گیر بود که بالاخره نقش اول فیلم یعنی خانم دووینتر در اقتباس سینمایی از رمان دافنه دوموریه به فوتین رسید. اما بازی در ربه‌کا تجربه‌ی بسیار پردردسری برای فوتین بود. لارنس اولیویه بازیگر نامدار نقش مقابل او، دوست داشت همسر هنرپیشه‌اش و یوین لی نقش زن اصلی فیلم را بازی کند و ناراضی‌اش از حضور فوتین در این فیلم را سرصحنه علنی کرد. سوی این نکته بازی‌های ذهنی هیچکاک هم فوتین را به خود مشغول کرده بود. هیچکاک برای این که بتواند حس انزوای شخصیت دووینتر را در فوتین نهادینه کند در گوش او زمزمه می‌کرد که او تنها فرد حاضر

جون دووینتر دوهاولیند در ۲۲ اکتبر ۱۹۱۷ از پدر و مادری انگلیسی در توکیو به دنیا آمد. ولی پس از بیماری‌های متعدد که جون کوچک را بسیار ضعیف و رنجور کرد، مادر با دخترانش به کالیفرنیا مهاجرت کردند. مادرش آرزو داشت بازیگر شود اما پس از ازدواج امیدوار بود دخترانش در این مسیر گام بردارند. در حالی که یک دخترش اولیویا به دنبال حرفه بازیگری بود، جون در ۱۶ سالگی به ژاپن نزد پدرش برگشت و در مدرسه آمریکایی‌ها مشغول به تحصیل شد. در سال ۱۹۳۴ به کالیفرنیا بازگشت. جایی که خواهرش در صحنه تئاتر شهرتی به دست آورده بود. جون هم به گروه‌های تئاتری پیوست. پس از نقل مکان به لس‌آنجلس برای آن که نامش با نام خواهرش که در کمپانی متروگلدین مایر فیلم آزمایشی بازی کرده بود، اشتباه گرفته نشود، نام جون برقیلد را برای خودش انتخاب کرد. کار سینما را در کمپانی مترو با ایفای نقش‌های کوچک آغاز کرد. در اولین فیلمش «دیگر خانمی در کار نیست» توجه زیادی به او نشد و یک سال و نیم بیکار ماند. در این مدت هم اتفاقی خواهرش اولیویا بود که موفقیت قابل توجه‌تری از او در سینما به دست آورده بود. در سال ۱۹۳۵ نام خانوادگی همسر دوم مادرش را برای خود انتخاب کرد. او خیلی زود با آرکی اوپیکچرز قرارداد امضاء کرد.

در ۱۹ سالگی در فیلم «مردی که خودش را یافت» (۱۹۳۷)، برای اولین بار نقش اول فیلمی را به دست آورد. ظرف سه سال آینده اش در دو فیلم از جورج استیونس بازی کرد و بعد از آن در دو فیلم از آلفرد هیچکاک مقابل دوربین رفت و موفق به کسب اسکار شد. در ۱۹۴۰ برای اولین بار برای نقش خانم دووینتر در فیلم ربه‌کا نامزد دریافت اسکار شد اما این جایزه را جینجر جارجز گرفت. بار دیگر برای «سوء ظن» ۱۹۴۱ نامزد دریافت اسکار شد و این بار آن را به دست آورد.

در سال ۱۹۴۲ نقش مقابل تایرون پاور در «این فوق همه» ظاهر شد که مورد استقبال قرار گرفت. سال بعد در «الله همیشه‌گی» در برابر شارل بوایه بار دیگر نامزد دریافت اسکار شد. اکنون دیگر به جرات می‌توان گفت که شهرت او از خواهر بزرگترش الیویا دوهاولیند افزون‌تر شده بود و در



سرصحنه است که از فوتتین خوشش می‌آید. کار بازی در این فیلم به هر سختی که بود تمام شد و فوتتین برای نقش آفرینی اش نامزد اسکار بهترین بازیگر زن نقش اول شد.

ربه کار رمانی اثر دافنه دوموریه بانوی نویسنده انگلیسی است که سال ۱۹۳۸ منتشر شد. بسیاری این اثر را که از جنین اثر گرفته بود، بهترین اثر نویسنده می‌دانند. کتاب با این جمله شروع می‌شود که یکی از آغازهای مشهور تاریخ ادبیات است. دیشب در عالم رویا دیدم که باردیگر در ماندلری پا گذاشتم و داستان از زبان زن جوانی روایت می‌شود که تا پایان داستان نام او را نمی‌فهمیم و صرفاً به نام خانم دووینتر شناخته می‌شود. داستان در باره زن جوان خدمتکاری است که با مردی ثروتمند آشنا می‌شود و مرد جوان به او پیشنهاد ازدواج می‌دهد. این اثر داستانی را آلفرد هیچکاک به فیلم تبدیل کرده است و چون فوتتین و جودیت اندرسون نقش‌های اصلی در این فیلم را بازی می‌کنند.

فوتتین در ادامه در «سوء ظن» ۱۹۴۱ دوباره با هیچکاک همکاری کرد و این بار بازیگر مقابل او کری گرانت بود. فوتتین برای این فیلم موفق به کسب اسکار بهترین بازیگر زن نقش اول شد. یکی از رقبای او خواهر بزرگترش اولیویا دوهاولند بود. او تنها هنرپیشه در فیلمی از آلفرد هیچکاک است که برنده‌ی اسکار بازیگری شده است. این فیلم پایان همکاری سینمایی فوتتین با هیچکاک هم بود و پس از آن فقط در سال ۱۹۶۲ فوتتین در اپیزودی از برنامه‌ی ساعت آلفرد هیچکاک بازی کرد.

همان طور که اشاره شد خواهر بزرگتر جون، اولیویا دوهاولند هم بازیگر بود که یکی از ماندگارترین بازی‌های او در نقش ملانی در «بربادرفته» بود. ولی این دو در تمام طول عمرشان با یکدیگر مشاجره داشتند و رابطه‌ی پر تلاطم آنها سوژه‌ی مطبوعات آن زمان بود.

یکی از کسانی که در جوایز اسکار ۱۹۴۲ در بخش بهترین بازیگر زن با جون فوتتین رقابت کرد، خواهر بزرگترش اولیویا دوهاولند بود که برای فیلم «سحر را عقب بینداز» نامزد شده بود. گفته می‌شود وقتی جون فوتتین به سمت سن رفت تا جایزه‌اش را دریافت کند، خواهرش اولیویا سعی کرد او را در

**او تنها هنرپیشه در فیلمی
از آلفرد هیچکاک است
که برنده‌ی اسکار بازیگری
شده است. این فیلم پایان
همکاری سینمایی فوتتین با
هیچکاک هم بود.**

آغوش یکشد اما چون از این کار امتناع کرد.

سال ۱۹۴۷ وقتی اولیویا دوهاولند برای فیلم «هرکس مال خودش» جایزه اسکار برد، اتفاقی مشابه افتاد. این دو خواهر از دوران کودکی هیچ وقت با هم خوب نبودند و سرانجام از اواسط دهه ۷۰ دیگر با هم حرف نزدند.

اولیویا دوهاولند که بیش از همه برای بازی در نقش ملانی «بربادرفته» شهرت دارد، در ۹۷ سالگی در پاریس زندگی می‌کند. چون فوتتین پس از بازی در فیلم ضعیف «چه طور توانستی عزیزم» ۱۹۵۱، برای مدتی از سینما کناره گرفت و در مجموعه‌های تلویزیونی بازی کرد. هم چنین در چند تولید ارزنده در برادوی مانند «چهل قیراط» و «شیر در زمستان» روی صحنه رفت و در سال ۱۹۹۴ برای آخرین بار نقشی تلویزیونی برعهده گرفت. در دوران بازنشستگی هم شروع به یادگیری پرواز با بالون و هواپیما کرد و متخصص گلف و ماهی‌گیری و آشپزی شد. او چهار بار ازدواج کرد. هنرپیشه فیلم‌هایی مثل «دختر وفادار» ۱۹۴۳، «نامه‌های زن ناشناس» ۱۹۴۸ و «آیوانه‌و» ۱۹۵۲، روزگاری گفته بود: «کارهای بسیار هیجان‌انگیز زیادی انجام داده‌ام. زندگی بی‌نهایت خوبی داشته‌ام».

جون فوتتین ۱۵ دسامبر ۲۰۱۳ در سن ۹۶ سالگی در آمریکا از دنیا رفت. جون فوتتین یکی از یادگارهای دوران طلایی سینما و آخرین خاطره‌های رویا برانگیز زمان شکوفایی سینما بود. او بی‌شک یکی از شمایل‌های ماندگار سینما است.



«جسیکا چستین» در نقش «مریلین مونرو»



دارد، انتظار می‌رود، فیلم در مقایسه با «هفته‌ی من با مریلین» (۲۰۱۱)، شمایل خاص‌تری از مونرو به تصویر بکشد.

مریلین مونرو یکی از چهره‌های پرحاشیه و به قول نویسندگان توتال فیلم، یاغی سینما بود که توصیف آنها از مونرو بی ارتباط با پروژه‌ی تازه اندرو دومینیک نیست. اگر تصویری از مریلین مونرو در ذهن دارید به سال ۱۹۵۵ و آن لحظه‌ی معروف فیلم خارش هفت ساله بیلی وایلدر مربوط می‌شود. لازم است دو باره فکر کنید. مونرو اغلب به عنوان بچه‌گریه‌ای ملوس و جذاب شناخته می‌شود که بیشتر از آن که به استعدادهایش توجه شود، در معرض خواسته‌های مردانه قرار داشت. اما مونرو تسلیم «نگاه خیره مردانه» نشد بلکه با آن مقابله کرد. آن را کنترل نمود و از آن استفاده کرد. کتاب‌هایی که به قلم صاحب نظرانی مثل لوتیس بنر نوشته شده،

جسیکا چستین بازیگر ۳۷ ساله‌ی آمریکایی و نامزد دو اسکار بازیگری در اقتباس سینمایی اندرو دومینیک از رمان «بلوند» نقش مریلین مونرو را بازی می‌کند. جویس کارول اوتس رمان بلوند را در سال ۲۰۰۱ منتشر کرد و دومینیک حدود چهار سال است که فیلمنامه‌ای بر اساس آن نوشته است. اوتس با استفاده از منابع تاریخی و زندگی‌نامه‌ی موجود در باره نورما جین بیکر داستان تازه‌ای با تمرکز روی زندگی شخصی این ستاره‌ی سینما که سرنوشت تراژدیکی پیدا کرد، نوشته است. تصویری که اوتس از مونرو نشان می‌دهد زن با استعداد، حساس و شکننده‌ای است که توانایی خاصی در بازآفرینی خود داشت و به همین ترتیب از فراز و نشیب‌های فعالیت‌های هنری‌اش گذر کرد. کتاب نامزد دریافت جایزه‌ی پولیتزر و جایزه‌ی ملی کتاب بود و چون کتاب حال و هوای خاصی



نسبت داده می‌شود. جاشوا لوگان، کارگردان ایستگاه اتوبوس (۱۹۵۶) تنها کسی نبود که به مونرو به چشم دلکی سینمایی در حال حرکت روی مرز باریک شادی و غم نگاه می‌کرد. اما مونرو فقط به خاطر نقش آفرینی‌هایش ماندگار نشد. او در باره موضوعاتی که دیگران تمایلی به صحبت در باره‌ی آنها را نداشتند با صدای رسا حرف می‌زد. مثلاً از سوء استفاده‌هایی که در دوران کودکی از او شده بود، می‌گفت. در سال ۱۹۵۵ وقتی که تبعیض نژادی هنوز پابرجا بود، نتوانست برنامه‌ای برای فیتزجرالد خواننده‌ی سیاه پوست در کلوب شبانه اش در لس‌آنجلس دست و پا کند و راه حل اش هم این بود که قول داده بود، اگر فیتزجرالد آنجا برنامه اجرا کند او یک هفته یک صندلی در ردیف اول رزرو خواهد کرد. وقتی مونرو از نقش‌های «بلوند خنگ» خسته شد، مریلین مونرو پروداکشنز را تأسیس کرد تا نقش‌های بهتری به دست آورد.

جسیکا چستین بازیگر ۳۷ ساله ی امریکایی و نامزد دو اسکار بازیگری در اقتباس سینمایی اندرو دومینیک از رمان «بلوند» نقش مریلین مونرو را بازی می‌کند

جایگاه نورما جین را به عنوان نمونه‌ای برتر از فمینیستی تعریف می‌کند که از موانع عبور کرد و خود را به عنوان مونروی سوپر استار بازآفرینی کرد. او دچار لکننت زبان و بیماری زنانه‌ی آندومتریوز شد اما با پشت سر گذاشتن چنین دشواری‌هایی توانست نقش آفرینی اغراق‌آمیزی از زنانگی ارائه بدهد. زنی کاملاً هشیار نسبت به ویژگی‌های زنانه اش و هنرپیشه‌ای با حس بازیگوشی و قدرت بیان فراتر از آنچه به او

انتقال دفتر و کالت

به اطلاع می‌رساند

دفتر وکالت آذر محسنی آشتیانی، وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی (کارشناس ارشد بازنشسته) به نشانی: خیابان دکتر شریعتی، بالاتراز سیدخندان، روبروی پارک، کوچه پیروز، پلاک ۴۴، واحد ۲، طبقه همکف منتقل گردیده و روزهای زوج از ساعت ۱۶ الی ۱۹ پذیرای مراجعین محترم جهت مشاوره و وکالت دردعای اعم از کیفری، حقوقی، خانواده، قرارداد و... می‌باشد.

تلفن‌های تماس:

۰۹۱۲۱۹۸۷۱۴۹ - ۲۲۸۴۵۶۲۶

تلفکس:

۰۲۱ - ۲۲۸۸۹۴۲۵



تبعیض جنسیتی در هالیوود

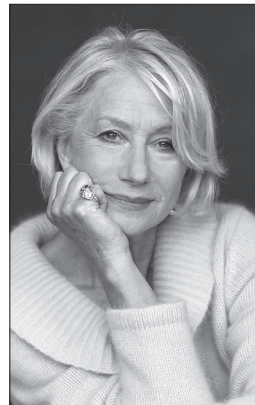
شخصیت‌های دارای دیالوگ هم به زنان اختصاص داشت. نکته جالب این که جدی گرفته نشدن و حاشیه نشین بودن زن‌ها در صنعت سینمای امریکا از دهه ۴۰ میلادی تا امروز ادامه دارد و چندان دستخوش تغییر و تحول اساسی نشده است. این در حالی است که استفاده اِزِاری هالیوود نشینان از زنان همچنان ادامه دارد. مهم‌ترین مراسم سینمایی سال یعنی اهدای جوایز اسکار با اجرای یک زن برگزار می‌شود، دو چهره دیگر، مجریان مراسم اهدای جوایز گلدن گلوب هستند و مهم‌تر این که ریاست آکادمی اسکار را هم اخیراً یک زن بر عهده گرفته است. با وجود این، تحلیل محتوای بیش از ۳۳۰۰ شخصیت سینمایی حاضر در ۱۰۰ فیلم برتر سال ۲۰۱۳ نشان می‌دهد تنها در ۱۲ درصد فیلم‌ها تعداد شخصیت‌های زن و مرد مساوی بوده است.

با وجود درخشش بازیگران زن در نقش‌های کلیدی پروژه‌های بزرگ سینمایی در سال‌های اخیر، صنعت سینمای امریکا که همچنان زنان را در حاشیه پرده سینما نگه می‌دارد و تنها ۳۰ درصد نقش‌های دارای دیالوگ را در اختیار ۷۵ درصد زنان سفیدپوست، ۱۴ درصد سیاهان و ۸ درصد لاتین و آسیایی قرار می‌دهد.

به گزارش گاردین، نتایج یک تحقیق نشان می‌دهد که به رغم موفقیت‌های خیره‌کننده فیلم‌هایی چون «بازی‌های گرسنگی» و «جاذبه» با بازی جنیفر لارنس و ساندرا بولاک در نقش‌های اصلی زنان در سال ۲۰۱۳ هم نتوانستند نقشی کلیدی در سینما ایفا کنند و به شدت از سوی دنیای مردانه سینما به حاشیه رانده شدند. در ۱۰۰ فیلم پرفروش بازار داخلی سینمای امریکا زنان ۱۵ درصد نقش قهرمان را ایفا کردند. ۲۹ درصد

انتقاد هلن میرن از تلویزیون انگلیس

هلن میرن، بازیگر توانای انگلیسی از افزایش قربانیان زن در فیلم‌های تلویزیونی ابراز نگرانی کرد. میرن می‌گوید در فیلم‌های تلویزیونی تفاوتی آشکار بین اجساد زن و مرد وجود دارد. اغلب اجساد متعلق به زنان جوان است. واقعیت این است که در بسیاری از فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی انگلیس اجساد و خشونت که در کشتن آنها به کار رفته، به راحتی و بدون هیچ سانسوری نمایش داده می‌شود. از جمله این فیلم‌ها و سریال‌ها می‌توان به شاهد خاموش، خیابان راپر، پاییز و سریال آنچه باقی می‌ماند اشاره کرد. در همه این فیلم‌ها قاتلان و جنایتکاران در حال کشتار و شکنجه قربانیان خود نشان داده می‌شوند. میرن ۶۸ ساله معتقد است این فیلم‌ها در زمانی روی آنتن می‌روند که بچه‌ها هم می‌توانند آنها را ببینند و به جز این، نمایش چنین صحنه‌هایی باعث ترویج خشونت می‌شود.





فاطمه محمدی
کارشناس ارشد
حقوق بشر



مزیت‌های فضای مجازی در حوزه فناوری اطلاعات بر جایگاه اجتماعی زنان

در سال‌های اخیر، با توجه به تحولات چشمگیر در حوزه اطلاعات و ارتباطات و امکاناتی که از این رهگذر در اختیار جوامع قرار گرفته و در چنین جامعه‌ای که آن را جامعه‌ی اطلاعاتی می‌گویند، فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی بسیاری برای شهروندان به‌ویژه برای زنان به‌وجود می‌آید که متأسفانه بسیاری آن را نمی‌شناسند. فقدان دسترسی به ارتباطات و فناوری اطلاعات، فاکتور مهمی در انزوای زنان از مشارکت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شود. البته این دسترسی فقط به‌عنوان در دسترس بودن تکنولوژی صرف تعبیر نمی‌شود، بلکه حمایت اجتماعی و آموزشی را هم دربر می‌گیرد که پذیرش و انتخاب تکنولوژی را آسان می‌کند. این مقاله درصدد است با نگاهی به فضای مجازی به تحلیل مزیت‌های این عرصه فناوری و ارتباطات پرداخته و افزون بر آن با تاکید بر نقش آن بر ارتقای جایگاه اجتماعی زنان در حوزه‌های اشتغال، گستره دانش و توانمندی آنان، اهمیت آن را آشکار سازد.

لذا سوال تحقیق آن است که: آیا حضور در فضای مجازی بر ارتقای جایگاه انری مثبت دارد؟

در پاسخ به این سوال این فرضیه طرح می‌شود: بین میزان استفاده از فضای مجازی و ارتقای جایگاه اجتماعی زنان رابطه وجود دارد؛ همچنین توجه به این واقعیت ضروری است که بین حضور زنان در فضای مجازی و میزان دسترسی آنان به اطلاعات رابطه وجود دارد؛ و افزون بر آن بین افزایش آگاهی زنان و بهره‌مندی از فرصت‌های جدید بازنمایی تصویر یگانه آنان نیز رابطه وجود دارد.



دسترسی مطلوب به اینترنت برای زنان وجود ندارد، آنان به این نکته نیز تأکید کرده اند که وضعیت دسترسی به اینترنت از لحاظ هزینه و سرعت در ایران به طور کلی مطلوب نیست. بی تردید این نتیجه بر نظریه شکاف دیجیتالی جنسیت مطابق است. بر اساس سند چشم انداز بیست ساله کشور در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی، رتبه کشور در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) باید در زمره برترین کشورهای منطقه و حتی آسیا قرار بگیرد. این امر در قانون پنجم مورد تأکید جدی قرار گرفته است. براساس این برنامه، ایران باید تا پایان سال ۹۵ رتبه دوم منطقه را از نظر فناوری به خود اختصاص دهد و ۶۰ درصد خانوارها نیز به اینترنت پرسرعت مجهز باشند. این مهم با حضور کشورهای نظیر ترکیه، عربستان، امارات و قطر و جایگاه فعلی آنها قدری دور از انتظار به نظر می‌رسد. برای گذر از وضع موجود به وضع مطلوب، بی شک نیازمند تلفیق سیاست‌های علم و فناوری اطلاعات و ارتباطات در سیاست‌های توسعه کشور با هدایت جنسیتی و اصلاح نگرش‌های سیاستگذاران و مسئولان و برنامه ریزان در مورد فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و درک ضرورت آن فناوری‌ها برای بقا در عصر اطلاعات می‌باشیم.

۱-۱ موانع حضور پر رنگ زنان در فضای مجازی

روند نابرابری در تمام سطوح استفاده از فناوری، در دسترس بودن آن، در آموزش، در محتوای مرتبط، در همکاری و رشد بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) کاملاً نمایان است.

به نظر می‌رسد، پیش از اینکه شکاف دیجیتالی بین کشورهای غنی و فقیر در استفاده از اطلاعات و فناوری‌های ارتباطات مطرح باشد در بیشتر موارد شکاف در باورها، عقاید، فرهنگ، سواد، آموزش، درآمد سرانه و نداشتن حداقل امکانات زیر بنایی در بین کشورها بویژه کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته نمود پیدا می‌کند. اغلب زنان کشورهای در حال توسعه در عمیق ترین بخش این شکاف قرار دارند و در شرایط یکسان فقر، تعداد زنانی که از تحولات عصر اطلاعات حذف شده‌اند،

۱ زنان بازیگران اصلی در فضای مجازی؟

دسترسی به فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، در همه‌ی جهان به یک اندازه وجود ندارد. روزبه‌روز نگرانی بیشتری در خصوص تأثیرات احتمالی فناوری اطلاعات بر کشورها یا مناطق دارای شکاف دیجیتال (شکاف بین دارندگان و نادرندگان اطلاعات) به وجود می‌آید. با این حال کشورهای «دارنده اطلاعات» دسترسی خود را به این فناوری‌ها به اندازه‌ای توسعه داده‌اند که افزایش شکاف بین کشورها را به همراه داشته است. با گسترش دولت الکترونیک استفاده بیشتر از تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، مسئله شکاف دیجیتال اهمیت بسیاری پیدا می‌کند. بر اساس ارزیابی‌های انجام گرفته از شاخص‌های دولت الکترونیک تا پایان سال ۲۰۱۳ ایران رتبه ۱۰۰ جهان و پانزدهم خاورمیانه را دارد و این در حالی است که ۱۰ کشور برتر دنیا در این شاخص را کره جنوبی، هلند، انگلستان، دانمارک، آمریکا، فرانسه، سوئد، نروژ و فنلاند و سنگاپور تشکیل می‌دهند.

در این زمینه دولت‌ها، موظفند با (شکاف اطلاعات) و خصوصاً (شکاف دیجیتال) مقابله کنند. در متن شکاف دیجیتالی؛ شکاف جنسیتی به طور فزاینده‌ای مورد توجه است، به این معنی که اگر دسترسی و استفاده از فناوری‌های اطلاعات پیوند مستقیمی با توسعه اقتصادی و اجتماعی دارد پس باید این اطمینان حاصل شود که زنان در کشورهای در حال توسعه اهمیت فناوری‌های مذکور را درک کرده و آنها را مورد استفاده قرار می‌دهند. بحث شکاف دیجیتالی جنسیت که معرف فاصله دسترسی و استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات بین زنان و مردان است؛ به درون کشورهای در حال توسعه ارجاع می‌شود. با وجود ورود و افزایش فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی به کشورهای در حال توسعه همچنان در میزان دسترسی و استفاده از این فناوری‌ها بین زنان و مردان در این کشورها تفاوت‌هایی وجود دارد و میزان دسترسی زنان به این فناوری‌ها بسیار کمتر است.

از دیدگاه زنان فعال ایرانی در فضای مجازی،



فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات فرصت‌های بزرگی در اختیار زنان می‌گذارد، آنها که باید بخش جدایی‌ناپذیر و بازیگران اصلی در جامعه اطلاعاتی باشند؛ و در ادامه آمده است: «متعهدیم ضامن این باشیم که جامعه اطلاعاتی به زنان قوت ببخشد و مشارکت کامل آنها را به‌طور برابر در همه عرصه‌های اجتماعی و فرآیندهای تصمیم‌گیری ممکن سازد. برای رسیدن به این هدف باید چشم‌انداز برابری جنسی را به جریان حاکم تبدیل کنیم و از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات برای این هدف بهره‌گیریم.» این تصریح اوج پیشرفت از تبعیض حمایتی (گرچه با حسن نیت) به سوی شناسایی برابری کامل را به نمایش می‌گذارد. شعار روز جهانی ارتباطات و جامعه اطلاعاتی در سال ۲۰۱۲، «زنان و دختران در عرصه فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)» بوده است و هدف از این نام‌گذاری حصول اطمینان از این موضوع است که این قشر برجسته که نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند بتوانند مساوی و برابر با مردان به پیش بروند.

در واقع، تمام اسناد حقوق بشری مشتمل بر قید عدم تبعیض هستند. همچنین اصل بیست و یکم قانون اساسی کشورمان دولت را مکلف نموده است که حقوق زنان را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن را میسر سازد. همچنین با عنایت به اصول نوزدهم و بیستم قانون اساسی که صراحتاً بر عدم تبعیض در بهره‌مندی از تمامی حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام تأکید می‌نماید و با توجه به آنکه جهان شمولی حقوق بشر بر این مقدمه مبتنی است که تمام افراد آزاد متولد می‌شوند و از لحاظ کرامت و حقوق برابر هستند (ماده ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر)، ممنوعیت تبعیض در بهره‌مندی از آن حقوق غیر قابل اجتناب است.

۱-۲) کنوانسیون منع هر گونه تبعیض علیه زنان

کنوانسیون منع هر گونه تبعیض علیه زنان دولت‌ها را به حذف تبعیض علیه زنان در بهره‌مندی

بر اساس ارزیابی‌های انجام

گرفته از شاخص‌های دولت

الکترونیک تا پایان سال

۱۳۹۰ ایران رتبه ۱۰۵

جهان و یازدهم خاورمیانه را

دارد و این در حالی است که

۱۰ کشور برتر دنیا در این

شاخص را کره جنوبی، هلند،

انگلستان، دانمارک، آمریکا،

فرانسه، سوئد، نروژ و فنلاند

و سنگاپور تشکیل می‌دهند.

بیش از مردان است.

این عوامل موجب می‌شود که زنان نتوانند در عرصه فناوری اطلاعاتی و ارتباطی حضور مناسبی داشته باشند و کمتر از امکانات و فن‌آوری‌های آن استفاده نمایند. در حالی که دسترسی و استفاده مناسب از این فناوری‌ها می‌تواند زمینه بهبود وضعیت زنان را مهیا کند. هرگاه زنان به آموزش و امکان دسترسی دست پیدا کرده‌اند شاهد آن بوده‌ایم که از کامپیوترها برای آموزش خود استفاده کرده‌اند، با دیگران شبکه‌هایی را تشکیل داده، فرصت‌های شغلی و اقتصادی برای خود و سایر زنان بوجود آورده‌اند و دیگران را در معلومات خود شریک کرده‌اند.

۱-۲) واکنش محافل بین‌المللی به

نابرابری دسترسی به فناوری‌ها

مسئله نابرابری دسترسی و استفاده از فناوری‌های مذکور بارها در محافل بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. مصوب اجلاس سران درباره جامعه اطلاعاتی، ژنو، ۲۰۰۳ را می‌توان آغازی برای قانونمندی جامعه اطلاعاتی دانست. در واقع مصوبات این اجلاس و نیز فعالیت‌هایی که کمیته‌ها، سازمان‌های غیر دولتی و گروه‌های زنان و مدافعان مساوات جنسی در این اجلاس سامان دادند، می‌توانند در رفع تبعیضاتی که ممکن است جامعه اطلاعاتی برای زنان به‌وجود آورد، مفید واقع شوند.

در ماده ۱۲ بیانیه اصول آمده است: «توسعه



با وجود ورود و افزایش فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی به کشورهای در حال توسعه، همچنان در میزان دسترسی و استفاده از این فناوری‌ها بین زنان و مردان در این کشورها تفاوت‌هایی وجود دارد و میزان دسترسی زنان به این فناوری‌ها بسیار کمتر است.

این فعالیت‌ها از سوی زنان است. همچنین، یکی از برندگان صلح نوبل ۲۰۱۱، خانم توکل کرمان بود که به دلیل نقش بسزا در انقلاب یمن از طریق فعالیت اینترنتی به آن دست یافت.

از سوی دیگر، بهره برداری برخی گروه‌ها از این فضا همواره نوبدبخش آینده‌ای بهتر برای زندگی جمعی و حیات بشری بوده است. جنبش‌های سلامت زنان و کودکان، جنبش ضد ختنه زنان و دختران، مبارزه با قاچاق انسان، و بسیاری دیگر از جمله فعالیت‌های قابل توجه سال‌های اخیر در فضای مجازی هستند که در خدمت اهداف انسانی و جهانی عمل کرده‌اند.

۳ انتشار دانش از طریق فضای مجازی

انتشار دانش از طریق فضای مجازی امکان دسترسی ارزان و آسان همگان را در مقیاس انبوه فراهم می‌سازد. شبکه دانش می‌تواند به زنان کمک کند تجربیات خود را آزادانه در اختیار دیگران قرار دهند و از تجربه دیگران نیز در حوزه‌های مورد علاقه خود استفاده کنند. زنان برای حضور در شبکه دانش نیازمند آموزش‌هایی لازم برای ارتباط با دنیای خارج هستند که این کار باعث می‌شود به فکر کار و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی باشند. زنانی که در ارتباط با شبکه دانش قرار گیرند خواهند آموخت که چگونه می‌توان از راه دور کار کرد.

ارتقای کیفی سه حوزه دانش، مهارت و تربیت اسلامی، دسترسی به فرصت‌های عادلانه آموزشی،

از تمامی حقوق مدنی و سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملزم می‌سازد. دولت‌های عضو، تبعیض علیه زنان را محکوم می‌کنند و بر پیگیری سیاست حذف آن توافق می‌نمایند. بدین منظور دولت‌ها موافقت می‌کنند تا اصل برابری را در قانون اساسی یا قوانین معادل آن بگنجانند؛ قوانینی (با ضمانت اجرا) برای ممنوع کردن تبعیض علیه زنان وضع کنند؛ برای تامین حقوق برابر یک نظام حقوقی ایجاد کنند؛ تمام رویه‌های تبعیض آمیز را حذف نمایند؛ و تمام قوانین تبعیض آمیزی که همچنان قابل اجراست را نسخ و لغو کنند.

۲ فضایی که در آن زنان از صدا بر خور دارند

زنان وبلاگ نویس، از پیشروان و سردمداران زنان دوره اطلاعات و دانایی به شمار می‌آیند. زنانی که در پی حضور در جامعه اطلاعاتی دست به تولید و انتشار محتوا در قالب وبلاگ زدند، اولین نجوهای زنانه و مادرانه را در عصر انسان مجازی منتشر ساختند.

وبلاگ نویسی، در افزایش اعتماد به نفس، احساس استقلال و تفرّد زنان تاثیر بسزایی دارد؛ و این آثار مثبت می‌تواند در همه جنبه‌های زندگی زنان خود را نشان دهد. این کار، احساس غیر مفید بودن و کارایی کمتر زنان نسبت به مردان را کاهش می‌دهد. می‌توان جملات وبلاگ‌ها را با تعبیری، فریاد فردیت زنانه در محیط مجازی دانست.

سال ۲۰۱۱ میلادی نه تنها سال بهار عربی، بلکه همچنین سال بهار فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بود. شاید بتوان گفت: زنان گروه اصلی در انفجار اینترنتی سال ۲۰۱۱ محسوب می‌شوند. زنان در کشورهای عربی به دلیل محدودیت‌های نسبی برای حضور در تظاهرات خیابانی، به استفاده خلاقانه از فضای مجازی روی آورده و موفق به ثبت نام خود در دستاوردهای بیداری اسلامی شدند. این موضوع با وجود سهم دو به یک زنان و مردان در استفاده از اینترنت در کشورهای عربی همچنان به قوت خود باقی است چراکه نگاهی به جنبش‌های مدنی راه اندازی شده در فضای اینترنت از ۲۰۱۱ تاکنون نشان دهنده گسترش





به شبکه‌ی دانش و اقتصاد دانایی محور با تصویب قوانین حمایت کننده از حضور زنان در فعالیتهای اقتصادی و حذف قوانین بازدارنده می‌تواند بسیار موثر باشد.

۴ توانمندی زنان

با توجه به اینکه بحث زنان در توسعه هنوز یک حوزه جدید بوده و پایه تحلیلی محدود است، به همین دلیل اظهار نظر شده که برنامه ریزی با بعد جنسیت می‌تواند به خودی خود به عنوان یک نظریه خاص برنامه ریزی شناخته شود. با این حال آنچه که تاکنون به صورت چارچوب نظری برای این بحث مطرح شده، بیش از همه در نظریه (توانمندسازی) جلوه گر می‌شود که به اهمیت افزایش قدرت برای زنان واقف است و سعی می‌کند قدرت را کمتر به صورت برتری فردی بر فرد دیگر و بیشتر از نظر توان زنان در جهت افزایش خودتکایی و قدرت درونی شناسایی کند.

فن آوری اطلاعات و ارتباطات آتقدر قدرتمند است که بتواند در جهت توانمندسازی زنان برای توسعه اقتصادی بسیار موثر باشد. این پدیده هزاره سوم به اندازه‌های قوی است که می‌تواند نقش جنسیت را در فعالیتهای اقتصادی به نفع زنان که معمولاً در اقتصاد جامعه نقش کمتری دارند افزایش

رفع محرومیت آموزشی، آموزش از راه دور در ماده ۱۹ برنامه پنجم توسعه مورد تاکید قرار گرفته است.

۳-۱ مزایای شبکه دانش مجازی

آموزش مجازی می‌تواند به خاطر وجود مزایایی چون دسترسی یکسان زن و مرد به بهترین اساتید و امکانات آموزشی، یکسان بودن میزان بهره گیری فراگیران از راهنمایی‌های اساتاد، نظام مند شدن شیوه برخورد با دانشجویان و ارزشیابی آنان نقش مهمی در کاهش نابرابری‌های جنسیتی داشته باشد. در جهانی که نیمی از جمعیت را زنان تشکیل می‌دهند و نیم دیگر در دامن زنان پرورش می‌یابند، اهمیت این مسئله بیشتر می‌شود.

آموزش مجازی با سهولت دسترسی به منابع متعدد، اکثر موانع اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آموزش واقعی زنان را برطرف می‌سازد و به عنوان سریع ترین و ارزان ترین وسیله تبادل اطلاعات، پتانسیل بزرگی را برای کمک به زنان در حل مشکلات آموزشی فراهم می‌کند. در این راستا، تاکید ناوی پیلائی، کمیسر عالی حقوق بشر، بر شناخت پتانسیل‌های فضای مجازی برای رفع بیسوادی در روز جهانی سوادآموزی سال ۲۰۱۳ قابل مشاهده است.

نقش دولت در توانمندسازی زنان برای دسترسی



داده و فرصت‌های بیش تری را برای توانمندسازی آنها فراهم کند.

۴-۱ دیدگاه سازمان ملل به مقوله توانمندسازی

زنان

تاکنون برخی اقدامات حمایتی نیز در سطح بین‌المللی برای ترویج و تشویق استفاده از فن آوری‌های ارتباطات و اطلاعات در میان زنان صورت گرفته است و از آن جمله سازمان ملل متحد، دو اجلاس در سال ۲۰۰۲ برای تسهیل دسترسی زنان به این فناوری‌های جدید برگزار نمود. یکی از این نشست‌ها تحت عنوان (فن آوری‌های جدید اطلاعات، ارتباطات و تاثیر و کاربرد آنها به ابزاری برای پیشرفت توانمندسازی زنان) در جمهوری کره، در نوامبر ۲۰۰۲ برگزار شده است، و دیگری تحت عنوان (مشارکت و دسترسی زنان به رسانه‌ها و تاثیر آن به عنوان ابزاری برای پیشرفت و توانمندسازی زنان) با همکاری کمیسیون اقتصادی و اجتماعی ملل متحد برای آسیای غربی نیز در نوامبر ۲۰۰۲ در بیروت لبنان برگزار شد.

تعریف سازمان ملل متحد از مقوله توانمندسازی در این ارتباط شامل پنج محور عمده است که عبارتند از احساس ارزش داشتن، حق مالکیت و تصمیم‌گیری، حق دسترسی به فرصت‌ها و منابع، حق کنترل زندگی خود در محیط اجتماعی و قدرت تاثیر گذاری بر جریان تغییرات اجتماعی به منظور فراهم آوردن نظام عادلانه اقتصادی در محدوده ملی و جهانی، با این تعریف، افراد باید مبدل به شهروندانی شوند که در سرنوشت خود سهیم هستند. این به معنای تصمیم‌گیری و مشارکت در امور زندگی، خانوادگی و اجتماعی است.

۴-۱-۱ برنامه عمران ملل متحد

طبق گزارش نهایی برنامه‌ی «فرصت دیجیتالی» از جانب برنامه عمران ملل متحد (UNDP، ۲۰۰۱) فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی به عنوان تواناساز قدرتمندی برای اهداف توسعه شناخته می‌شود، چرا که ویژگی‌های منحصر به فرد آن، ارتباطات و تبادل اطلاعات را به طور قابل توجهی بهبود می‌بخشد و منجر به تقویت و ایجاد شبکه‌های جدید اجتماعی و اقتصادی می‌شود.

۴-۱-۲ کمیسیون مقام زنان

کمیسیون مقام زنان وابسته به شورای اقتصادی - اجتماعی سازمان ملل متحد در پنجاهمین اجلاس خود که

بر اساس سند چشم انداز
بیست ساله کشور در افق
۱۴۰۴ هجری شمسی، رتبه
کشور در حوزه فناوری
اطلاعات و ارتباطات (فاوا)
باید در زمره برترین
کشورهای منطقه و حتی
آسیا قرار بگیرد. این امر
در قانون پنجم توسعه
مورد تاکید جدی قرار
گرفته است.





از تاریخ ۲۷ فوریه تا ۱۰ مارس ۲۰۰۶ برگزار شد، پیش نویس قطعنامه‌ای را تحت عنوان (افزایش مشارکت زنان در توسعه، یک محیط توانمند ساز برای دستیابی به برابری جنسیتی و پیشرفت زنان با تاکید بر حوزه‌های آموزشی، بهداشت و اشتغال) به تصویب رساند.

در این سند با مروری بر برخی اقدامات که طی دهه گذشته در زمینه رفع تبعیض‌های جنسیتی صورت گرفته از جمله اعلامیه و برنامه عمل پکن، اعلامیه اجلاس ویژه بیست و سوم مجمع عمومی، اعلامیه چهل و نهمین اجلاس سران ۲۰۰۵ و سرانجام متن (کنوانسیون منع هر گونه تبعیض علیه زنان) به تفصیل به ویژگی‌های محیط مناسب برای توانمند سازی زنان و همچنین موانع و چالش‌های استقرار چنین محیطی پرداخته و ضمن ارائه یک رشته راهبردهای کلی در این زمینه، مصرانه در بند (د) بخش آموزش از دولت‌ها، نظام ملل متحد، موسسات مالی بین‌المللی، سایر سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، جامعه مدنی شامل بخش خصوصی، سازمان‌های غیر دولتی و موسسات دانشگاهی و سایر علاقه‌مندان، درخواست می‌نماید که در راستای افزایش میزان دسترسی دختران و زنان به امکانات آموزشی در زمینه علم و فناوری منجمله فناوری اطلاعات و ارتباطات همت گمارند.

۳-۱-۴ نهاد زنان ملل متحد

نهاد زنان ملل متحد به منزله رکن جهانی برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان معرفی شده است که در راستای پایان دادن به عوامل و کاهش نتایج نابرابری جنسیتی فعالیت می‌کند. مأموریت منحصر به فرد این نهاد، کمک به ایجاد هنجارها و استانداردهای بین‌المللی و سپس مساعدت به دولت‌ها جهت انجام اقدامات لازم در حوزه مسائل زنان است. همچنین همکاری دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی و سازمان‌های غیردولتی جهت انجام امور مذکور با این نهاد ضروری عنوان شده است. این نهاد در گزارش سالانه خود (۲۰۱۳-۲۰۱۲) برخی از مهم‌ترین دستاوردها و چالش‌های بین‌المللی زنان را مطرح کرده است. در این گزارش «توانمندسازی» و «برابری» به عنوان اهداف اصلی

بیان شده و اولویت‌های مدنظر نهاد زنان ملل متحد در یک سال گذشته عبارت بودند از:

۱. رهنمون شدن به چشم‌انداز آینده
۲. توانمندسازی اقتصادی
۳. پایان دادن به خشونت علیه زنان و دختران
۴. مطالبه صلح
۵. برنامه‌ریزی در راستای برابری
۶. هدف برابری و توانمندسازی

همچنین هیئت اجرایی نهاد زنان ملل متحد، گزارش سالانه خود (که از هفدهم تا نوزدهم ژوئن ۲۰۱۴ در نیویورک، برگزار شد) در مورد اجرای برنامه استراتژیک ۲۰۱۳-۲۰۱۲ را مورد بررسی قرار داده و بر اساس این بررسی‌ها، برنامه استراتژیک ۲۰۱۷-۲۰۱۴ را تدوین و تصویب کرد. همچنین بازنگری بر برنامه‌های همکاری مشترک در مورد برابری جنسیتی در چارچوب ملل متحد، که مشتمل بر سلسله توصیه‌هایی در خصوص ارتقای همکاری و تاثیر گذاری در خصوص اقدامات سیستم ملل متحد در زمینه ارتقای برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان است، نیز در دستور کار این اجلاس قرار داشت. از جمله اهداف کلان تر جنبش زنان و فناوری ارتباطات، همانطور که مدیر کارگروه توسعه ارتباطات اتحادیه جهانی ارتباطات راه دور در نشست سال ۲۰۱۱ می‌گوید: می‌توان به



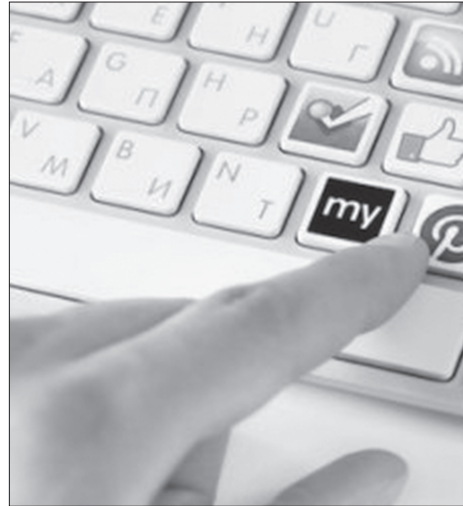
در نیروی کار می‌گردد.

بازتاب انقلاب اطلاعاتی بر بازار شغلی زنان

بوخارت و اولدر (۲۰۰۳) با اشاره به وضعیت زنان در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا یادآور می‌شوند که آداب و رسوم سنتی در همه این کشورها مورد چالش قرار گرفته است و بویژه بر نقش و سهم اینترنت در این ارتباط تأکید می‌کنند. هاملنیک (۱۹۹۹) متذکر می‌شود که سیاست‌های محکمی لازم است تا این فناوری‌ها بتوانند تأثیر مثبتی بر زندگی زنان بگذارند. در جوامع دانایی محور که در حال ظهور است دستیابی به ارتباطات یک ابزار کلیدی برای مشارکت و ادغام اجتماعی به حساب می‌آید. بوخارت و اولدر (۲۰۰۳) همچنین یادآور می‌شوند که با در نظر گرفتن آنچه آنان انقلاب اطلاعاتی می‌نامند بازارهای شغلی به هیچ وجه با شتاب افزایش تعداد افراد جوانی که به آن وارد می‌شوند هماهنگ نبوده است. با ورود زنانی که در حال حاضر قصد کار کردن دارند این شرایط حادثر نیز شده است و طبقه جدیدی از کارکنان اطلاعاتی که احتمالاً عمدتاً متشکل از زنان خواهد بود در حال ظهور است. میزان بهره‌مند شدن از فرصت‌های ناشی از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات برای زنان هم در درون کشورها و هم در مقایسه میان کشورها بسیار متفاوت است. زنان ساکن در کشورهایی که بهترین عملکرد در پروژه‌های توسعه‌ی اینگونه فناوری‌ها را داشته‌اند، یا زنان ساکن در مناطق شهری در یک موقعیت ممتاز یا برتری قرار دارند.

هاملنیک معتقد است فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات اشکال جدیدی از ارتباطات را به وجود می‌آورد که می‌تواند زنان را قادر به فرو پاشیدن موقعیت اجتماعی بسته‌ای سازد که غالباً در آن محصورند؛ همچنین، فرصت‌های نوینی را برای اشتغال در مشاغل فراهم می‌آورد که مستلزم مهارت‌های جدید است.

گزارش برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان از طریق ICT ۲۰۰۰ اذعان می‌کند: (به کارگیری اینترنت در عرصه‌ی کار و شغل، سبب وجود



تلاش سازمان ملل، نهادهای خوداتکاء و برخی سازمان‌های دولتی برای نیل به اهداف تعیین شده برنامه توسعه هزاره ملل متحد، بخصوص بند ۳ این برنامه، در توانمندسازی زنان و ارتقاء برابری جنسیتی نیز اشاره کرد.

اهداف توسعه هزاره توانسته است دستاوردهایی در رابطه با ارتقای حقوق زنان و تحقق برابری جنسیتی داشته باشد. در وهله نخست، باید اذعان داشت که هدف برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان سبب شده است که یک گفتمان متقابل و دوسویه میان دولت‌ها و فعالان در عرصه جامعه مدنی و بخش غیردولتی، شکل بگیرد.

۵ اشتغال

موفقیت اقتصاد مبتنی بر فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات شدیداً در گروهی مشارکت تمامی مردم است و لذا هم مردان و هم زنان باید در این امر مشارکت داشته باشند. گسترش فرصت‌های کاربرد فناوری نه تنها برای زنان بلکه همچنین برای کشورهای عربی در کل سودمند به حساب آمده است. وارد شدن این فناوری‌های جدید به دنیای اعراب ابزار کاملی را برای زنان بمنظور تقویت وضعیت اجتماعی‌شان در جامعه فراهم می‌کند و باعث خودآگاهی آنان و همچنین مشارکت بیشتر





حال افزایش است و زنان بسیار موفق در سطوح بالای این صنعت مشغول فعالیت هستند. آریانا هافینگتون سردبیر «هافینگتون پست» ملیسا مایر در ژوئیه ۲۰۱۲ به عنوان اولین رئیس هیئت مدیره یاهو انتخاب شد و کاترین کوک، کری ویلکرسن، کارشناس «کار در خانه»، کاترین فیک و ایده‌ی جایی برای به اشتراک گذاشتن عکس، بعضی از زنانی هستند که موفق به راه‌اندازی کسب‌وکارهای پررونق در اینترنت یا پیشبرد ایده‌های خلاق و جذاب شده‌اند.

بند ج ماده ۸۰ برنامه پنج ساله پنجم توسعه، گسترش کسب و کار خانگی از راه دور، گسترش طرح‌های اشتغال زای بخش خصوصی و تعاونی به ویژه در مناطق با نرخ بیکاری بالاتر را حائز اهمیت دانسته است. لیکن در حوزه کسب و کار، ایران یکی از ضعیف ترین کشورهای منطقه می‌باشد. یعنی آمادگی الکترونیکی ما برای حیطه کسب و کار واقعاً ضعیف بوده است. شاخص فضای کسب و کار از آن جهت حایز اهمیت است که با افزوده شدن یک شاخص با محوریت فناوری اطلاعات و ارتباطات به مجموعه شاخص‌های آن، ایران چندین رتبه تنزل داشته است (رتبه ۱۴۲ در سال ۲۰۰۹) مشاهده سایر شاخص‌ها در این حوزه (تجارت الکترونیکی، کاهش شکاف دیجیتالی، حرکت به سمت دولت الکترونیکی و...) نیز نمایان

آموزش مجازی می‌تواند به خاطر

وجود مزایایی چون دسترسی

یکسان زن و مرد به بهترین

اساتید و امکانات آموزشی، یکسان

بودن میزان بهره‌گیری فراگیران

از راهنمایی‌های استاد، نظام مند

شدن شیوه برخورد با دانشجویان

و ارزشیابی آنان نقش مهمی در

کاهش نابرابری‌های جنسیتی

داشته باشد.

جریاناتی تازه در محیط‌های شغلی شده است که می‌تواند نوید دهنده فرصت‌های جدید برای زنان باشد. استفاده از تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی زنان را قادر می‌کند تا از خانه خود مشغول به کار شوند. کار از راه دور به معنای کار بر بستر شبکه، تعریف و سازمانی جدید از کار برای زنان به ارمغان می‌آورد که می‌تواند در بردارنده‌ی نقش‌های چندگانه جنسیتی آنان و انجام کار با تضادها بر خوردهای کمتر باشد).

زنان در مقایسه با مردان شمار کمتری از کارآفرینان و شاغلان در حرفه‌های مرتبط با اینترنت و فناوری را تشکیل می‌دهند، اما حضور زنان در عرصه فناوری اطلاعات به سرعت در



زنان در فضای مجازی از طریق آموزش همگانی
۲- فراهم نمودن امکان دسترسی مطلوب زنان
به اینترنت

۳- ایجاد شبکه‌های اجتماعی مجازی جهت
مواجهه با مشکلات و موانع موجود در ارتقای
جایگاه زنان

۴- افزایش توانمندی زنان در راستای بهره‌مندی
آگاهانه و فعالانه از محتوای فضای مجازی

پی‌نوشت‌ها

۱- اصطلاح «شکاف دیجیتالی» (digital divide) به فاصله بین افراد دارای مهارت‌های استفاده از کامپیوتر و اشخاص فاقد این مهارت اشاره می‌کند.

۲- ماده ۴۶ برنامه پنجم توسعه ی جمهوری اسلامی ایران به بسط خدمات دولت الکترونیک، صنعت فناوری اطلاعات، سواد اطلاعاتی و افزایش بهره‌وری در حوزه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پرداخته است.

بند ب ماده ۴۶ کلیه دستگاه‌های اجرایی را مکلف نموده است، ضمن اتصال به شبکه اطلاعات و توسعه و تکمیل پایگاه‌های اطلاعاتی خود حداکثر تا پایان سال دوم برنامه بر اساس فصل پنجم قانون مدیریت خدمات کشوری اطلاعات خود را در مراکز داده داخلی با رعایت مقررات امنیتی و استانداردهای لازم نگهداری و به روز رسانی نمایند و بر اساس آیین نامه اجرایی که در شش ماه اول برنامه توسط وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و وزارت اطلاعات و معاونت، تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید، نسبت به اشتراک گذاری رایگان اطلاعات به منظور ایجاد سامانه‌های اطلاعاتی و کاهش تولید و نگهداری اطلاعات تکراری در این شبکه با تامین و حفظ امنیت تولید پردازش و نگهداری اطلاعات اقدام نمایند.

بند ۳ - دولت مجاز است تا پایان سال اول برنامه نقشه جامع دولت الکترونیک را به گونه‌ای تهیه نماید که ارائه خدمات دولتی ممکن در پایان برنامه از طریق سامانه الکترونیکی انجام پذیرد.
تبصره - کلیه دستگاه‌ها مکلفند اطلاعات

گر نزول رتبه کشور است. نکته حائز اهمیت آن است که ایران هیچ‌گاه نتوانسته از میانگین منطقه هم پیشی بگیرد.

برآیند

فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی فرصت‌های مهمی را برای شکوفایی استعدادها و نهفته زنان در زمینه‌های کاری و ارتقای مشارکت فعالانه و اثرگذار آنان در زندگی اقتصادی و اجتماعی و سیاسی فراهم می‌آوردند. با وجود این که در سال‌های اخیر حرکت در راستای توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در کشورمان صورت گرفته است، لیکن چنانچه مشاهده می‌شود، شتاب روزافزون دیگر کشورها در هر سال، فاصله مابین کشورمان با کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه را بیشتر می‌کند. بنابراین، برای آشنایی و استفاده مناسب زنان از امتیازات موجود در یک جامعه اطلاعاتی که پتانسیل آن بر روی شبکه‌های مختلف محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی دیده می‌شود باید اقدامات فرهنگی و آموزشی را انجام داد. بی تردید بایستی از تمامی منابع قابل تصور بهره‌مند گردید تا اطمینان خاطر حاصل شود که تمامی زنان و دختران در هر جامعه در سراسر دنیا به فناوری اطلاعات و ارتباطات دسترسی کامل دارند و می‌توانند خود را در زمینه اطلاعات و دانش تقویت نموده و از حقوق خودآگاه و از هرگونه فرصت دیجیتالی موجود بهره‌مند شوند. می‌بایست با حذف تفاوت‌های جنسیتی و توانمندی سازی زنان در راستای تحقق ظرفیت کامل فناوری اطلاعات و ارتباطات به سود زنان و دختران گام برداریم. به هر حال زنان «باید به شکل موثری از فناوری‌های جدید ارتباطاتی برای ایجاد شبکه‌ها، حمایت تبادل اطلاعات، تجارت، آموزش، مشاوره رسانه‌ای و ابتکارات تجارت الکترونیکی استفاده نمایند. با توجه به نتایج کسب شده از این پژوهش و بررسی و تحلیل فرضیه‌ها جهت استفاده بهینه از فضای مجازی در راستای ارتقای جایگاه اجتماعی زنان و نیز بهره‌مندی از فرصت‌های حاصل از این امر پیشنهاداتی به شرح زیر ارائه می‌شود:

۱- فراهم نمودن امکان حضور اقشار مختلف



یک کیلو بیت بر ثانیه از میزان ۱۰۰ ترابیت ظرفیت پهنای باند دنیا عنوان کرد و گفت: این در حالی است که سرانه کشور ترکیه در این حوزه ۵۰ کیلو بیت و کشور قطر ۱۰۰ کیلو بیت برآورد می‌شود؛ از طرفی کف دسترسی به اینترنت در دنیا ۲ مگابیت بر ثانیه و سقف سرعت اینترنت ۲۰ مگابیت در ثانیه است. این آمارها در حالی از سوی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات اعلام شده که در ایران سرعت دسترسی کاربران به اینترنت به ۵۱۲ کیلو بیت بر ثانیه هم نمی‌رسد.

www.jonoubiran.com/telex-8161.html

۸- رسول رویسی، مرتضی، شکاف دیجیتالی، چالشی در برابر کشورهای در حال توسعه، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، مهر و آبان ۱۳۸۱، شماره ۱۸۲، ۱۸۱، ص ۱۸۸
۹- نانسو هافکین و نانسو تاگارت، تحلیلی بر جنسیت و فن آوری اطلاعات در کشورهای در حال توسعه، ترجمه: حسین شبانعلی فمی و امیرحسین علی بیگی، دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۳، ص ۱۶

10-www.worldcivilsociety.org/pages/141/
www.worldcivilsociety.org/REPORT/EN/03/index.html

۱۱- (هر کس نسبت به تمامی حقوق و آزادی‌های مقرر در این اعلامیه بدون هر گونه تبعیض همانند تبعیض به دلیل نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، منشاء ملی یا اجتماعی، دارایی، تولد یا هر وضعیت دیگر محق است) (ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ بند ۱ ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ بند ۲ ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ ماده ۱۴ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین؛ ماده ۱ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر؛ ماده ۲ منشور آفریقایی حقوق بشر و مردمان؛ بند ۲ ماده ۲۰ کنوانسیون کشورهای مستقل المنافع در مورد حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین؛ ماده ۳ منشور عرب در مورد حقوق بشر)
۱۲- روناک، م. اسمیت، قواعد حقوق بین‌المللی

پایه‌ای مکانی خود را تولید و بر اساس دستورالعملی که توسط معاونت، تدوین و ابلاغ می‌شود بر روی زیر ساخت ملی داده‌های مکانی قرار دهند.

ح- وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات نسبت به ایجاد زیر ساخت‌های لازم به منظور توسعه شبکه علمی کشور اقدام نماید. دانشگاه‌ها، موسسات آموزشی، پژوهشی و فناوری موظفند ضمن اتصال به شبکه مزبور محتوای علمی و امکانات نرم افزاری و سخت افزاری خود را با حفظ مالکیت معنوی با رعایت استانداردهای لازم بر روی این شبکه قرار دهند.

[3-http://khabaronline.ir/detail/335800/society/urban](http://3-khabaronline.ir/detail/335800/society/urban)

۴- صراف، سها، نقش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در توانمندسازی زنان ایران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، (۱۳۸۶-۱۳۸۵)، ص ۴۳

۵- بررسی‌های صورت گرفته براساس شکاف جنسیتی در میان مردان و زنان آنلاین نشان می‌دهد که مردان بیش از زنان از اینترنت استفاده می‌کنند به نحوی که در سطح جهان ۳۷ درصد از زنان و ۴۱ درصد از مردان کاربر اینترنت هستند که ۱٫۳ میلیارد نفر از جمعیت زنان و ۱٫۵ میلیارد نفر از جمعیت مردان را شامل می‌شود. این آمار برای کشورهای در حال توسعه در حدود ۸۲۶ میلیون زن و ۹۸۰ میلیون مرد است و این در حالی است که در کشورهای توسعه یافته در حدود ۴۷۵ میلیون زن و ۴۸۳ میلیون مرد از کاربران آنلاین اینترنت هستند. در این راستا باید گفت از آنجایی که در کشورهای در حال توسعه، زنان ۱۶ درصد کمتر از مردان از اینترنت استفاده می‌کنند و در کشورهای توسعه یافته، کاربران اینترنت زن تنها ۲ درصد کمتر از کاربران اینترنت مرد هستند شکاف جنسیتی در کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه یافته بارزتر است.

www.jonoubiran.com/telex-8161.html

۶- بند الف ماده ۴۶ برنامه پنجم
۷- معاون وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات سرانه پهنای باند اینترنت ایران را به ازای هر ایرانی



برنامه هزاره به سایت زیر مراجعه نمایید:

www.un.org/millenniumgoals

25 - www.un-ngls.org/orf/MDG/countryregionaction.htm

countryregionaction.htm

26 - www.isiswomen.org/onsite/knowhow/ict_gender.htm

ict_gender.htm

27 - www.unesco.org/press/pr200202/opal8e.htm

pr200202/opal8e.htm

28 - Hamelink S. J. (1999) Human

development pp2345- in M. Tawfik

(chief editor) Word communication and

information report19992000- unesco

۲۹- منتظر قائم، مهدی و نورایی نژاد، مریم، مطالعه کیفی نقش اینترنت در زندگی فردی و حرفه‌ای زنان متخصص، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، پاییز ۱۳۸۹، دوره ۸، شماره ۳، ص ۴۰

30 - <http://mehrkhane.com/fa/news/10867/>

۳۱- منطبق با اصل ۴۴ قانون اساسی، بند

۱ - ۲۵ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه، سند نظام جامع فناوری اطلاعات (توسعه اشتغال با استفاده از پتانسیل‌های بخش فاوا به ویژه در حوزه فضای مجازی و اینترنتی، ایجاد محیط امن جهت جذب سرمایه گذاری و حمایت از بخش خصوصی در حوزه کسب و کار الکترونیکی)

۳۲- آمادگی الکترونیکی توانایی پذیرش و به کارگیری فناوری اطلاعات در جوامع است و دارای چهار مولفه بنگاه‌های اقتصادی، شهروندان و زیر ساخت‌ها و دولت‌ها است. اهمیت ارزیابی الکترونیکی ناشی از تفاوت در میزان بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات در کشورهای مختلف و ایجاد شکاف دیجیتالی است.

۳۳- شیر دل، ساسان، مروری بر وضعیت فناوری اطلاعات و برنامه‌های توسعه آن در کشور، تکفاه، آبان و آذر ۸۸، سال هفتم، شماره سوم و چهارم، ص ۸۵

بشر، ترجمه: فاطمه کیهانلو، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۸، چاپ اول، ص ۳۳۳

13 - <http://ebtekarnews.com/Ebtekar/News.aspx?NID=23848>

14 - <http://itanalyze.com/articles/20077032/29/12/.php>

15 - <http://ravagh.mehrkhane.com/blog/1392679/>

16- www.ea.wenet.ir/index.php?option=com_content&task=view&id=64&Itemid=44

17-www.aftabir.com/articles/view/computer_internet_infortmation_technology/internet_network/c14c1123933626p1.php

18- کولایی، الهه و حافظیان، محمد حسین، نقش زن در توسعه کشورهای اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران: ۱۳۸۵، ص ۶۵

19 - www.isiswomen.org/onsite/knowhow/ict_gender.html

20 - www.un.org/womenwatch/daw/beijing/platform/declar.htm

21 - www.un.org/womenwatch/daw/beijing/platform/declar.htm

۲۲- خرازی، فریدین، حقوق زنان و سازمان ملل متحد، راهبرد، بهار ۱۳۸۶، شماره ۴۳، ص ۲۱۸

22 - <http://mehrkhane.com/fa/news/7466/>

23- www.unwomen.org/en/news/stories/20146//executive-board-to-hold-annual-session-2014

۲۴- تمامی ۱۹۲ دولت عضو ملل متحد تعهد کرده اند که تا سال ۲۰۱۵ به هدف‌های زیر دست یابند: بند سوم: نابرابری جنسیتی را در آموزش ابتدایی و متوسطه ترجیحا تا ۲۰۰۵ و در تمام سطوح تا ۲۰۱۵ حذف کنند. برای مشاهده متن

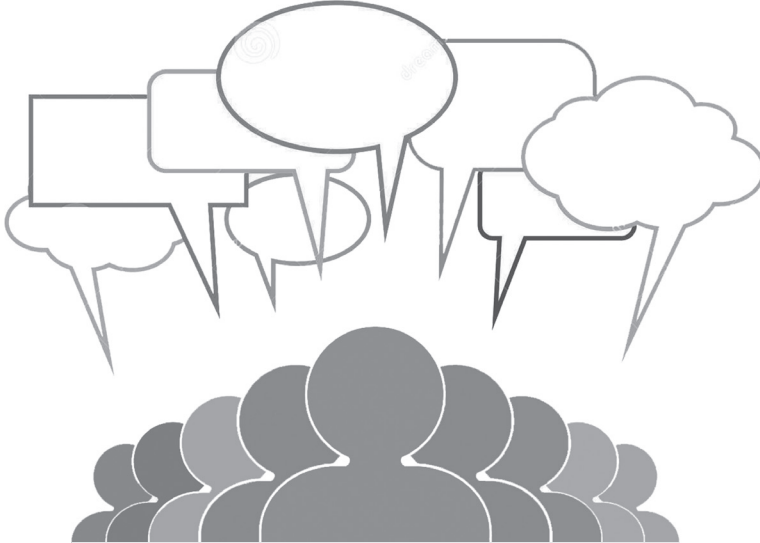




زهرا جعفری
کارشناس ارشد
حقوق بشر
و وکیل پایه یک دادگستری

آزادی بیان

فرصت‌ها و مرزهای ممنوعه



گسترش شبکه‌های اجتماعی نتیجه‌ی تحولی است که در شکل ابزارهای آزادی بیان حاصل شده است و از دیگر سو حضور فعال زنان در این شبکه‌ها و استفاده از فرصت‌های فضای مجازی نقشی به‌سزا در آگاه‌سازی، ارتقای عزت نفس، خودباوری، توانمندشدن و انعکاس خواسته‌ها و مطالبات ایشان داشته است. مع‌الوصف پیش از ورود به مفهوم شناسی شبکه‌های اجتماعی و شناسایی دستاوردها و کاستی‌های پیش‌روی آن، لازم و بلکه ضروری است با مفهوم آزادی بیان و عناصر تشکیل دهنده‌ی آن و نیز محدودیت‌های قانونی وارد بر این نوع از آزادی آشنا شویم؛ لذا یادداشت حاضر بر آن است در قالب دو گفتار، مفهوم‌شناسی آزادی بیان و عناصر تشکیل دهنده‌ی آن و نیز محدودیت‌ها و مرزهای ممنوعه این حق را بررسی نماید تا در پرتو این بررسی، فرصت‌ها و محدودیت‌های وارد بر این حق که خود، به معنی فرصت‌ها و محدودیت‌های وارد بر شبکه‌های اجتماعی است، بازشناسانده شود.



۱- مقدمه و ضرورت طرح مسئله

داستان زبان و بیان با قضیه آفرینش پیوند خورده است. خداوند، آفرینش جهان را اندیشید و برای تحقق آن از سخن بهره برد؛ سخنی که شنیدنی نبود و صوتی که از تصوّح هوا حاصل نمی‌آمد. در اندیشه‌های دینی کلام آفریننده، عین فعل اوست و مخلوقات، همگی قول اویند. این سخن حتی وجه تمایز خدای راستین از خدایان دروغین است. خداوند به زبانی مبین متکلم است، لیکن خدایان کاذب از گفتار عاجزند^۱ و امروز در گذر از تحولات تاریخ، آزادی بیان با حفظ جایگاه و اهمیت وجودی خود، یکی از سنگ‌بناهای جامعه را تشکیل می‌دهد^۲ و هر انسانی، به عنوان این که انسان است و از کرامت الهی برخوردار می‌باشد، از چنین حقی برخوردار است و گرچه ذکر و تضمین چنین حقی در قوانین اساسی ضرورت دارد، لیکن قانون‌گذار اعطای حق نمی‌کند؛ بلکه این حق از پیش برای هر شهروندی وجود دارد؛ لذا شهروند هر جامعه‌ای حتی اگر از اتباع آن کشور نباشد، از این حق برخوردار است و نیز برای بهره‌مندی از این حق رسیدن به سن خاصی شرط نیست، هم‌چنان که هیچ کس نمی‌تواند این حق را از خود سلب کند؛ چرا که سلب آن با از دست دادن گوهر وجود آدمی ملازمه دارد.^۳ از نظر فلسفی و روانی نیز می‌توان چنین گفت که انسان آزاد آفریده شده است و نیاز روانی به بیان افکار و اندیشه‌های خود دارد؛ یا از نظر اجتماعی می‌توان ادّعا داشت به این که، آزادی بیان سبب برخورد و تعاطی افکار و رشد و شکوفایی اندیشه‌ها می‌شود. از سوی دیگر زندگی اجتماعی ایجاب می‌کند که برای اجرای هر حق، مرزی در نظر گرفته شود تا هم اعمال آن حق، آزادی دیگران را به خطر نیندازد و هم به منافع مشترک مردم و مصالح اجتماع صدمه نزند. پس باید دامنه‌ی اجرای این حق و مرزهای آن را بررسی کرد؛^۴ به گونه‌ای که وضع محدودیت‌های وارد بر دامنه‌ی اجرای حق، سبب سوءاستفاده‌ی مراکز قدرت نشود و مرزهای آزادی را به حداقل ممکن نرساند.

لزوم بازشناسی مفهوم آزادی بیان و محدودیت‌های وارد بر قلمرو اجرایی آن، به‌ویژه

زمانی حائز اهمیت مضاعف خواهد بود که توجه نماییم گسترش علوم و فنون و تکنولوژی‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی و مصنوعات فناوری بیش از گذشته امکان دست یافتن افراد به ابزارهای بیان افکار و اعتقادات ومطالباتشان را وسعتی به پهنای کمره‌ی خاکی و بلکه از آن هم فراتر اعطاء کرده است. درواقع، ابزارهای آزادی بیان که سابقاً در شکل ابزارهای شفاهی ومکتوب؛ از جمله سخنرانی، کتاب، مجله و روزنامه و در بین مخاطبین خاص هر ابزار، قدرت ترک‌تازی داشت، امروز مرزهای جغرافیایی و مرزهای محدود نوشتاری و گفتاری گذشته را درنوردیده و در اشکال مختلف و سهیل الوصول وب، وبلاگ، شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و تلفن‌های همراه و غیره قدرت ظهور و عرض اندام یافته است. این ابزارهای نوین ارتباطاتی و اطلاعاتی خصوصاً توسط گروه‌های آسیب‌پذیر، آنها که در همیشگی تاریخ در کنج عزلت‌گاه‌ها منزل گزیده بودند و امکان و یاری بیان مطالبات و نیازها و خواست‌های قانونی و انسانی خود را نداشتند و یا به سستی به آن نائل می‌آمدند، در شکل گسترده مورد استفاده قرار گرفته است. از این زاویه، زنان به عنوان بخشی از گروه‌های آسیب‌پذیر که همواره قربانی ناهمسسانی‌های تاریخی بوده‌اند، این ابزارها و این شبکه‌های اجتماعی نوین را به عنوان یکی از راه‌های برتر برگزیده‌اند؛ راهی که آنها را یاری می‌کند ضمن انعکاس نیازها، کاستی‌ها و مطالبات خود، صدای خویش را به گوش مقامات ذی‌صلاح دولتی رسانده و آنها را در اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهای خرد و کلان تأمین‌کننده‌ی این قشر عظیم اجتماع مدد رسانی نمایند؛ لیکن این قسم از مشارکت در اجتماع و بیان نظرات و مطالبات، فی‌نفسه، هم‌چون دیگر تحولات بشری فارغ از نقص و خطا نبوده و بعضاً تبعات منفی را نیز آنبشخوری نموده است که در اکثر موارد ناشی از عدم آگاهی کاربران از ظرفیت‌های مثبت و منفی این ابزارهای نوین بوده است. حال نظر به ضرورت گشودن راهی بی‌خطر به سمت آینده‌ی پرتحول فناوری‌های نوین، و کاستن از بار منفی تحولات و مصنوعات فناوری، یادداشت حاضر با توفیقی بر موازین بین‌المللی حقوقی، هم



خود را به بازشکافی عناصر آزادی بیان و مرزهای ممنوعه‌ی آن نهاده است. در زیر شرح بیشتر مطلب خواهد آمد.

۲- قلمرو اجرایی آزادی بیان و خطوط ممنوعه‌ی آن

جهت تشریح مفهوم آزادی بیان، به عنوان یکی از مصادیق یا ابعاد آزادی بیان، بیش از هر چیز باید اجمالاً مفهوم آزادی را دانست و آن‌گاه آن را بر آزادی بیان تطبیق کرد. موريس کرنستون، در کتاب «تحليل نوين از آزادی» فهرست نسبتاً خوب و البته نه کاملی از این تعاریف را از قول متفکرانی؛ چون هابز، لاک، هیوم، کانت، هگل، هایدگر، اسپینوزا و انگلس نقل کرده است. بر این اساس، پارامی از فیلسوفان آزادی را به مفهوم رهایی از هرگونه قید و بند دانسته‌اند و جمعی دیگر آن را اطاعت از قتل و احترام به قانون معنی کرده‌اند؛ لذا این واقعیت؛ یعنی لزوم وجود آزادی و لزوم ترسیم حدودی برای آن از همه‌ی تفکرات فلسفی، اجتماعی و دینی شکل گرفته پیرامون این مفهوم و نیز در مقررات موضوعه‌ی مرتبط به آن به خوبی بر می‌آید. برای دیدن ردپای هر دو تعریف آزادی که در دو سوی طیف واقع شده‌اند، کافی است به تفکرات کانت اشاره کنیم، آن‌جا که سخن از آزادی معقول می‌گوید و اصل ستایش آزادی را با قید معقول بودن آن جمع می‌کند و حتی استوارت میل که در رأس حکیمان آزادی‌گراست، در عین سخن گفتن از آزادی مطلق، قید عدم اضرار به دیگران را بر آن می‌افزاید.^۵

آن‌چه در مورد مفهوم آزادی به طور کلی در فوق آمد، عیناً در مورد مفهوم آزادی بیان نیز صادق است؛ چرا که آزادی بیان یکی از مصادیق مهم و به تعبیر استوارت میل نخستین قلمرو اصلی آزادی است؛ به عقیده‌ی وی آزادی بیان چنان مقدس است که در کتاب «رساله‌ای درباره‌ی آزادی» این‌گونه نگاشته است: «اگر همه‌ی انسان‌ها یکسان ببیندیشند و تنها یک تن با نظر همه مخالف باشد، کار عموم در خاموش کردن اجباری آن یک تن به همان اندازه نارواست که اگر او قدرت داشت و نوع بشر را به زور خاموش می‌کرد». با این وصف،

او در جای دیگر از کتاب خود می‌نویسد: «زمانی که فرد خالی، دستورها و مقرراتی را که برای حفظ هموعانیش (به طور انفرادی و با اجتماعی) لازم است، نقض می‌کند و نتایج اعمال زبان‌بخش وی دیگر تنها عاید خودش نمی‌شود، بلکه دامن دیگران را هم می‌گیرد، جامعه به عنوان نگهبان اعضای خود موظف است و باید از او انتقام بگیرد و کام فرد را به نحوی آشکار (فقط به قصد تنبیه) با رنج آشنا سازد». استوارت میل از این هم فراتر رفته و می‌نویسد: «اگر آن شخص به استعدادهای جسمی و روانی خود لطمه زند نه تنها به کسانی که خوشبختی آنها به سلامت او مربوط است لطمه زده بلکه خدماتی را هم که ممکن بود اجتماع از آن بهره‌مند شود انجام نداده و شاید به ناچار سربار دیگران شود». چنان‌چه ملاحظه می‌شود در نظر این حکیم و دیگر حکیمان و متفکران هر دو جنبه‌ی فوق از آزادی؛ یعنی اصل پذیرش آزادی بیان و ترسیم حدودی برای آن دیده می‌شود.^۶ با عنایت به توضیحات فوق از مفهوم آزادی، ذیلاً و در قالب دو مبحث جداگانه، ابتدا به بازشناسی مفهوم آزادی بیان می‌پردازیم و آن‌گاه محدودیت‌ها و خطوط قرمز وارد بر این نوع از آزادی را به اجمال معرفی می‌نماییم.

۲-۱. مفهوم شناسی آزادی بیان

آزادی عقیده و بیان رابطه‌ی تنگاتنگی با یکدیگر دارند؛ به نحوی که آزادی بیان وسیله‌ای برای تبادل و توسعه‌ی عقیده به شمار می‌آید.^۷ این آزادی امکان بهره‌مندی کامل از دیگر حقوق؛ از جمله آزادی تجمعات و یا حق رأی را فراهم می‌سازد.^۸ بر این اساس، در ارائه‌ی تعریفی که در بردارنده‌ی عناصر آزادی بیان باشد، باید نهایت دقت و ظرافت را به خرج داد؛ از این حیث، می‌توان به تعریف مندرج در بند ۲ ماده‌ی ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، توسل جست. به موجب این ماده، آزادی بیان عبارتست از: «آزادی جست و جو، دریافت و اشاعه‌ی اطلاعات و عقاید از هر نوع، بدون توجه به سرحدات؛ اعم از شفاهی، مکتوب، در قالب پرینت و در اشکال هنری یا از طریق دیگر رسانه‌ها، به انتخاب خود».



پیشگیری از اعمال سلبی
شخصی در محدودسازی مرزهای
آزادی بیان مستلزم آن است تا
محدودیت‌های وارده را به موجب
قانون مصوب مراجع قانون‌گذاری
تعریف و به اطلاع همگان رساند تا
تمامی شهروندان با اطلاع از باید‌ها
و نباید‌های قانونی که به طور صریح
و شفاف تدوین و تعریف شده
است، مرزهای ممنوعه را شناسایی
نمایند و از تعرض به آن خودداری
ورزند.

● **انتخاب آزادانه‌ی فرد:** این عنصر اساسی که درون مایه‌ی آزادی بیان را شکل می‌دهد، به این معنی است که افراد باید قادر باشند تا با انتخاب آزادانه و به دور از جبر و تحمیل، با توسل به هر یک از طرق ممکن؛ اعم از مکتوب و یا شفاهی و اعم از اینترنتی و غیره به جست‌وجوی داده‌های مورد نظر خود و دریافت و اشاعه‌ی آنها مبادرت ورزند؛

● **فرامرزی بودن محدوددهی آزادی بیان:** این جزء از آزادی بیان به این معنی است که افراد انسانی در محدوددهی اعمال و اجرای آزادی بیان خود، محدود به مرزهای جغرافیایی کشور خود نیستند؛ چراکه این محدودیت دامنه‌ی جست و جو، دریافت و اشاعه‌ی عقاید و اطلاعات را نسبت به آنها بسیار محدود خواهد ساخت؛ به نحوی که در اثر و نتیجه‌ی طبیعی این محدودیت، آزادی بیان قدرت عرض اندام خود را از دست خواهد داد؛

● **محصور نبودن بیان به نوع خاصی از عقاید و بیان:** طبق این جزء از عناصر تشکیل دهنده‌ی آزادی بیان، جست و جو و دریافت و اشاعه اخبار و اطلاعات را نمی‌توان به نوع خاصی از عقاید و داده‌ها؛ اعم از اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و غیره محدود ساخت؛ این محدودیت مغایر تکثرگرایی رسانه‌ها و تکثر افکار و عقاید موجود در عرصه‌ی عالم خاکی است؛

● **نامحدود بودن ابزارهای بیان:** این عنصر آزادی بیان به این معناست که دارندگان این حق، می‌توانند حسب انتخاب، سلیقه، توانایی، استعداد، دانش و مهارت خود نوع خاصی از ابزارها را

همان‌طور که ملاحظه می‌شود آزادی بیان از سه جزء «جست و جو»، «دریافت» و «اشاعه عقاید و اطلاعات» و نیز از سه عنصر ضروری «انتخاب آزادانه‌ی فرد»، «فرامرزی بودن محدوددهی آزادی بیان»، «محصور نبودن بیان به نوع خاصی از عقاید و بیان»، و «نامحدود بودن ابزارهای بیان» تشکیل شده است که سه عنصر مذکور در تحقق سه جزء آزادی بیان نقش ضروری دارد. در ذیل شرح بیشتر اجزاء و عناصر مذکور خواهد آمد.

● **آزادی جست و جو:** به این معنی که افراد انسانی قادر باشند بدون رعایت مرزهای جغرافیایی به انتخاب آزادانه‌ی خود از ابزارهای موجود؛ اعم از شبکه‌های اینترنتی، تلفن‌های همراه و نیز آثار مکتوب و هنری و غیره بهره‌گیرند تا در پرتو آن به جست و جوی اخبار و اطلاعات و دیگر داده‌های مرتبط به حوزه‌های مورد توجه خود دست یابند؛

● **آزادی دریافت:** به این معنی که دارندگان این حق، باید قانوناً و در اثر انتخاب آزادانه‌ی خود بتوانند بدون در نظر گرفتن محدودیت‌های مرزی با بهره‌گرفتن از رسانه‌های اطلاع‌رسانی و خبری و نیز دیگر طرق اطلاع‌رسانی، اطلاعات و داده‌های مختلف را دریافت نمایند و بدین ترتیب با عقاید و تفکرات مختلف و بعضاً متضاد آشنایی یابند تا امکان نقد آنها را داشته باشند؛

● **آزادی پخش و اشاعه‌ی اطلاعات:** به موجب این جزء از آزادی بیان، تمامی دارندگان آزادی باید قادر باشند علاوه بر امکان جست و جو و دریافت اطلاعات، به پخش و اشاعه‌ی عقاید و خواسته‌ها و اطلاعات مورد نظر خود مبادرت ورزند. به طور قطع، این جزء از آزادی بیان؛ یعنی پخش و اشاعه‌ی اطلاعات و عقاید به طرق مختلفی ممکن خواهد شد؛ به این صورت که افراد بشری، هر یک به مقتضای طبیعت، علایق، استعدادها و امکانات خود، شکل و نوع خاصی از ابزارها را جهت اشاعه‌ی عقاید و اطلاعات برمی‌گزینند. برخی از طریق نگارش مقاله و کتب، برخی با راه‌اندازی وبلاگ، برخی با عضویت در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی تلفن‌های همراه و برخی نیز از طریق انتشار آثار موسیقایی و هنری و نقاشی به بیان دیدگاه‌های خود می‌پردازند؛



مطالب خلاف واقع اشاعه نموده و نظم عمومی را با پراکندن آمار و داده‌های غیرواقع، در معرض تشویش قرار داده‌اند؛ ملاحظه‌ی این مصائب، نظام ملل متحد را بر حذر داشت از این‌که صرفاً به بیان اجزاء و عناصر سازنده و ضروری این حق بسنده نموده و چشم خود را بر مناطق ممنوعه‌ی این حق بیند؛ مناطقی که هیچ فردی با هیچ توجیهی نباید و نمی‌تواند مرزهای آن را بشکند. لیکن قبل از ورود به بازشکافی محدودیت‌هایی که نظام ملل متحد بر این حق اعمال نموده است؛ جا دارد نظام‌های حقوقی حاکم بر آزادی بیان را معرفی نماییم و سپس محدودیت‌های مقرر در نظام ملل متحد را از نظر بگذرانیم.

۲-۱-۲. نظام حقوقی آزادی بیان

در قالب دو مبحث زیر شرح مطلب خواهد آمد.

الف: نظام تنبیهی

در این نظام شهروندان بی‌وجود هیچ گونه محدودیتی آزادی‌های شناخته شده توسط حقوق موضوعه را اعمال می‌کنند، بدون آن‌که مکلف باشند از مقامات اجرایی یا قضایی کسب اجازه کنند. تنها محدودیتی که وجود دارد آن است که شهروندان به هنگام اجرای حقوق اساسی خویش باید محدودیت‌های مقرر شده به وسیله قانون را رعایت کنند؛ یعنی مشخصاً نباید مرتکب یک سلسله جرایم معینی شوند و اگر این محدودیت‌ها رعایت نشود، این دادرس است و نه مقام اجرایی، که ضمانت اجراهای مقرر در قانون را در مورد متخلفین اعمال می‌کند؛ برای مثال، نظام آزادی‌های مطبوعات تحت نظام تنبیهی آن است که انتشار یک روزنامه نیازی به کسب مجوز ندارد و انتشار مقاله در آن روزنامه از قبل تحت هیچ کنترلی نیست؛ لیکن نویسنده نباید مرزهایی را که قانون تجاوز از آن‌ها را به عنوان جرم تلقی کرده است، نقض کند؛ وگرنه به حکم دادرس مجازات خواهد شد؛ البته در نظام تنبیهی ممکن است استفاده از برخی اشکال آزادی بیان؛ نظیر آزادی مطبوعات موکول به اعلام قبلی به مقامات قضایی یا اجرایی یا ثبت نام در دفتر مخصوص باشد؛ اما این امر سبب تبدیل نظام تنبیهی به یک نظام بازدارنده نمی‌شود. نظام تنبیهی نیازمند شرایطی است؛ خصوصاً این‌که

بعضا افراد در مقام اجرا و اعمال این حق بنیادین خود، محدوده‌های ممنوعه را در نور دیده و اعمال این حق را ایزاری برای سرکوب دیگر عقاید و نظرات قرار داده‌اند و یا از طریق اعمال غیر اصولی این حق، به محدودی محترم حریم دیگران وارد شده و حقوق ایشان را نقض نموده، افراد انسانی را آماج افتراء و توهین قرار داده‌اند.

برای جست و جو، دریافت و اشاعه‌ی داده‌های مورد نظر خود برگزینند؛ از جمله این ابزارها می‌توان به مجله، کتاب و سخنرانی، آثار هنری؛ نظیر طراحی، خطاطی و نقاشی و ظرفیت‌های اینترنتی؛ اعم از وب، وبلاگ، شبکه‌های اجتماعی و غیره نام برد.

۲-۲. خطوط ممنوعه‌ی آزادی بیان

تأمل در اجزاء سازنده و عناصر اساسی آزادی بیان مؤید این استدلال است که تمامی اینانی بشر به دلیل انسان بودن و برخوردار بودن از کرامت الهی می‌توانند در مقام اعمال آزادی بیان، بدون محدودیت‌های مرزی، از طریق ابزارهای منتخب خود، به جست و جو، دریافت و پخش اخبار و اطلاعات از هر نوع، مبادرت ورزند؛ لیکن تعمق در آن‌چه پیرامون ما می‌گذرد، نشانگر این واقعیت نامبارک است که بعضاً افراد در مقام اجرا و اعمال این حق بنیادین خود، محدوده‌های ممنوعه را در نور دیده و اعمال این حق را ایزاری برای سرکوب دیگر عقاید و نظرات قرار داده‌اند و یا از طریق اعمال غیر اصولی این حق، به محدودی محترم حریم دیگران وارد شده و حقوق ایشان را نقض نموده، افراد انسانی را آماج افتراء و توهین قرار داده، به فساد مالی، قاچاق انسان، هرزه‌نگاری کودکان، زیر سؤال بردن تقدس ادیان و مذاهب، به سخره گرفتن اندیشه‌های مذهبی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی متعلق به غیر، انگاره‌ها و هنجارهای مرسوم گروه‌های انسانی روی آورده،



ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی پس از تبیین مفهوم آزادی بیان در بند دوم خود، با صراحت و شفافیت در بند سوم اذعان دارد بر این که بهره‌مندی از حق آزادی بیان همراه با تعهدات و مسئولیت‌های خاصی است که توسط قانون وضع شده است و برای حفظ حقوق یا حیثیت دیگران و نیز حمایت از امنیت ملی، نظم عمومی، اخلاق یا سلامت عمومی ضرورت دارد.

همان‌طور که تعمق در محدودیت‌های مقرر میثاق، این کلیدی‌ترین سند لازم‌الاجرای بین‌المللی نشان می‌دهد، اعمال حق آزادی بیان را نمی‌توان محدود ساخت؛ مگر این که این محدودیت برای حفظ حقوق یا حیثیت دیگران و یا برای حمایت از امنیت ملی، نظم عمومی، اخلاق یا سلامت عمومی ضرورت داشته و متناسب با خطری باشد که از زاویه‌ی اعمال آزادی بیان حاصل می‌شود. بر این اساس، از منظر موازین بین‌المللی هرگونه محدودیت بر وب، وبلاگ و دیگر نظام‌های اطلاع‌رسانی باید در چهارچوب تعریف شده در بند ۳ ماده ۱۹ میثاق باشد.^{۱۱} حال عناصر موجهه‌ی این محدودیت را می‌توان در سه عنصر تقسیم نمود؛ این سه عنصر لازم و ملزوم یکدیگرند؛ به نحوی که برای اعمال محدودیت بر گستره‌ی آزادی بیان، هر سه عنصر باید جمع باشد و با فقدان حتی یکی از این عناصر، نمی‌توان بر گستره‌ی این آزادی، محدودیت اعمال نمود. در زیر شرح مطلب خواهد آمد.

● محدودیت از طریق وضع قانون:

پیشگیری از اعمال سلاقی شخصی در محدودسازی مرزهای آزادی بیان مستلزم آن است تا محدودیت‌های وارده را به موجب قانون مصوب مراجع قانون‌گذاری تعریف و به اطلاع همگان رساند تا تمامی شهروندان با اطلاع از بایدها و نبایدهای قانونی که به طور صریح و شفاف تدوین و تعریف شده است، مرزهای ممنوعه را شناسایی نمایند و از تعرض به آن خودداری ورزند؛ به عبارت دیگر، این قانون باید مُنَجَز و برای عموم قابل دسترس باشد تا افراد بتوانند رفتار خود را با آن منطبق سازند و تشخیص دهند چه اظهاراتی محدود و چه اظهاراتی مقید به محدودیت نیست.^{۱۲}

همان‌طور که تعمق در

محدودیت‌های مقرر میثاق، این

کلیدی‌ترین سند لازم‌الاجرای

بین‌المللی نشان می‌دهد، اعمال

حق آزادی بیان را نمی‌توان محدود

ساخت؛ مگر این که این محدودیت

برای حفظ حقوق یا حیثیت دیگران

و یا برای حمایت از امنیت ملی، نظم

عمومی، اخلاق یا سلامت عمومی

ضرورت داشته و متناسب با خطری

باشد که از زاویه‌ی اعمال آزادی

بیان حاصل می‌شود.

جرایمی که محدودی آزادی بیان را تبیین می‌کنند باید کاملاً معلوم باشند و به یک شیوه‌ی کاملاً دقیق تعریف شده باشند تا امکان سوءاستفاده از آن‌ها وجود نداشته باشد؛ در غیر این صورت، جرایمی که به شیوه‌ی مبهمی انشاء شده‌اند، منجر به از بین رفتن آزادی بیان خواهند شد.^۹

ب: نظام بازدارنده

در این نظام، شخص قبل از اعمال و اجرای آزادی‌ها، مکلف به تحصیل اجازه‌ی قبلی است. درخواست تحصیل اجازه نیز معمولاً از یک مقام اجرایی می‌شود و این مقام است که در هر مورد، اجازه‌ی اعمال و اجرای آزادی‌ها را به شهروندان می‌دهد و گاه حتی در صورت لزوم، همین مقام اجرایی اعمال آزادی‌ها را متوقف می‌سازد. البته وجود نظام بازدارنده نافی نظام تنبیهی نیست؛ یعنی این امر که اجازه‌ی قبلی از مقام اجرایی تحصیل شده است، مانع از آن نیست که قاضی دادگستری دارنده‌ی چنین مجوزی را در مقام اعمال آزادی به سبب ارتکاب جرایم یا مسئولیت مدنی محکوم کند. معمول است که برخی از اشکال آزادی بیان را تحت نظام بازدارنده قرار می‌دهند. برای مثال در بسیاری از کشورها آزادی سینما و تئاتر تحت نظام بازدارنده قرار می‌دهند.^{۱۰}

۲-۲-۲. نظام محدودسازی در نظام ملل

متحد



نظم، اخلاق یا سلامت عمومی، عباراتی کلی و بدون حدود شفاف می‌باشد، اما قانون‌گذار با درایت در تعریف و تدوین قانون، اصول شفافیت را رعایت خواهد کرد و از تدوین قوانین مبهم و متضمن حمایت از منافع گروهی خاص خودداری می‌نماید و در تبیین مفاهیم این مقولات، تأمین منافع جامعه، در کلیت خود را مطرح توجه قرار خواهد داد؛

● **رعایت ضرورت و تناسب اعمال محدودیت به عنوان تنها ابزار:** همان‌طور که در بند پیشین معروض افتاد، وضع قوانین محدودیت‌زا بر گستره‌ی آزادی بیان، صرفاً آن‌جا توجیه می‌یابد که دارندگان حق آزادی بیان، اعمال و اجرای این حق را به مثابه‌ی ابزاری جهت تخطی از قواعد و هنجارهای اخلاقی و قانونی مورد سوءاستفاده قرار داده باشند و با توسل به این حق به حریم حقوق دیگران تجاوز نمایند و به اشاعه‌ی مطالب خلاف واقع معیار نظم عمومی و سلامت عامه‌ی مبادرت ورزند و لذا قانون‌گذار با درایت جهت حمایت از این مهم، با وضع قوانین شفاف و دارای ضمانت اجرای قانونی، ناگزیر به اعمال محدودیت متناسب با نوع خطرات حاصله همت نهد.^{۱۷} در واقع محدودیت‌ها نباید موسع باشد و باید منطبق با اصل تناسب باشد؛ این محدودیت‌ها باید با کارکرد حمایتی خود و با منافع مورد حمایت تناسب داشته باشند.^{۱۸} و ضرورت و تناسب اعمال اتخاذی را از طریق برقراری ارتباط مستقیم و فوری بین بیان و تهدید منبعث از آن، مشخص سازند.^{۱۹}

۳- سخن آخر

آزادی بیان، شرط اساسی رشد کامل فرد انسانی محسوب می‌شود.^{۲۰} تک تک ابانی بشر به موجب این حق قادر خواهند بود تا حسب انتخاب خود، فارغ از محدودیت‌های جغرافیایی، به جست و جو و دریافت اطلاعات و داده‌های مورد نظر خود از منابع اطلاع‌رسانی مختلف بپردازند و از سوی دیگر در حصار باریک جست و جو و دریافت محدود نشوند و داده‌های منتخب خود را به طرق متناسب با علائق و مهارت‌های شخصی؛ نظیر شبکه‌های اجتماعی اینترنتی، با دیگران به اشتراک بگذارند. مع‌الوصف نباید و نمی‌توانند در اعمال و اجرای این

لیکن نکته‌ای که ذکر آن حائز اهمیت است این‌که به موجب بند ۲ ماده‌ی ۲۸ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، این قانون باید در جامعه‌ی واجد اوصاف مردم سالاری وضع شده باشد؛ به این معنی که نمایندگان منتخب مردم در مراجع قانون‌گذاری مبادرت به تدوین این قانون نموده باشند و حقوق و امنیت ملی و نظم و اخلاق یا سلامت عمومی نیز که این قانون محدودیت‌زا، در مقام حمایت از آن است، نباید و نمی‌تواند متضمن نابرابری بین افراد باشد؛^{۱۱} به عبارت دیگر آن حقوق و امنیت و سلامت عمومی نیز خود، باید همسو با منافع کلیه‌ی شهروندان، به طور عام باشد تا اعمال محدودیت بر گستره‌ی آزادی بیان که در مقام حمایت از آن حقوق است، از منظر عرف اجتماع مقبولیت داشته باشد و مورد پذیرش و تبعیت واقع شود. گذشته از این مراتب، قوانین محدودیت‌زا باید جهت تأمین حقوق دیگران و نیز امنیت ملی و دیگر موارد مذکور در فوق ضرورت داشته باشند^{۱۲} و تنها ابزار دفاع از آن حقوق و منافع باشند و علاوه بر این، مستمراً مورد بازنگری قرار گیرند تا در صورت عدم ضرورت الغاء شوند؛

● **محدودیت جهت حمایت از حیثیت و حقوق دیگران و یا حمایت از امنیت ملی، نظم عمومی، اخلاق یا سلامت عمومی:** عنصر دوم موجهه‌ی اعمال محدودیت بر گستره‌ی آزادی بیان، ضرورت حمایت از حیثیت و حقوق دیگران و یا حمایت از امنیت ملی، نظم عمومی، اخلاق یا سلامت عمومی می‌باشد؛ برای مثال محدودسازی این حق با هدف حمایت از حق رأی، (برای مثال) در مواقعی که هدف این محدودیت حمایت از رأی دهندگان در برابر اظهارات متضمن تهدید باشد، مجاز خواهد بود؛^{۱۵} نیز از جمله موارد اخلاق در نظم عمومی می‌توان به اظهارات مخل آیین‌های انضباطی دادگاه اشاره نمود؛ البته قواعد محدودیت‌زا در این حوزه، نباید حق دفاع افراد را تضییع نماید.^{۱۶} لیکن در هر حال باید توجه داشت همان‌طور که در فوق معروض افتاد در تشخیص حقوق دیگران نمی‌توان قائل به نابرابری بین افراد شد و یا این حقوق نباید صرفاً منافع گروهی خاص از افراد را تأمین نماید؛ نیز گرچه عبارات امنیت ملی،



- 15- General Comment No 34, *ibid*, para 28.
 16- *Ibid*, para 31.
 17- *Ibid*, para 22.
 18- *Ibid*, para 34.
 19- *Ibid*, para 35.
 20- *Ibid*, para 2.

ب: فهرست منابع:

- ۱- کاتوزیان، ناصر و همکاران، آزادی اندیشه و بیان، تهران، گرایش، ۱۳۸۲.
 2- The International Covenant on Political and Civil Rights, 1966.
 3- General Comment no 34 on Freedoms of Opinion and Expression (Article 19 of the Civil and Political Rights Covenant), July 2011.
 4- Joseph Sarah, Schultz Jenny and Castan Melissa, The International Convent on Civil and Political Rights, (Oxford University Press, 2002).
 5- www.ohchr.org.
 6 - www2.ohchr.org/english/bodies/hrc/index.htm.

حق، مرزهای ممنوعه‌ی آزادی بیان را درنوردند. به دیگر سخن، آن‌گاه که اعمال و اجرایی نمودن این حق با حقوق و حیثیت دیگران اصطکاک می‌یابد و یا امنیت ملی، نظم، اخلاق و سلامت عمومی را آماج حمله و مطالب خلاف واقع قرار می‌دهد، مرز قانونی بایدها و نیابدهای آزادی بیان مورد هتک حرمت قرار می‌گیرد و بالتبع سازوکارهای قانونی مدون، موجود و بی‌طرف از پیش تمهید شده‌ی نظام حقوقی کشور، حریم شکنان را به توقف در ترکنای‌های نافی مصالح و منافع عامه متذکر خواهد شد.

الف: پانوشتها:

- ۱- ناصر کاتوزیان و همکاران، آزادی اندیشه و بیان، تهران، گرایش، ۱۳۸۲، صص ۷۶-۷۵.
 2- General Comment no 34 on Freedoms of Opinion and Expression (Article 19 of the Civil and Political Rights Covenant), para 2, 1129- July 2011.
 ۳- ناصر کاتوزیان و همکاران، منبع پیشین، صص ۱۰۴-۱۰۳.
 ۴- همان منبع، ص ۷.
 ۵- همان منبع، صص ۲۰۵-۲۰۳.
 ۶- همان منبع، صص ۲۰۷-۲۰۵.
 7- General Comment No 34, *Ibid*.
 8- *Op. cit*, para 4.
 ۹- ناصر کاتوزیان و همکاران، منبع پیشین، صص ۱۲۲-۱۲۱.
 ۱۰- همان منبع، صص ۱۲۳-۱۲۲.
 11- General Comment No 34, *ibid*, para 43.
 12- *Ibid*, para 25.
 13- *Ibid*, para 26.
 ۱۴- مطالب مندرج در این بند، از مبحث آزادی عقیده و بیان کتاب زیر استخراج شده است:
 Joseph Sarah, Schultz Jenny and Castan Melissa, The International Convent on Civil and Political Rights, (Oxford University Press, 2002).





آذر آشتیانی
وکیل دادگستری

طلاق

شاید منطقی و آگاه با این بهانه که همسرشان به اندازه ایشان رشد نکرده و اکنون پس از ۲۰ یا ۳۰ سال زندگی مشترک دیگر در حد هم نبوده، تفاهم ندارند! و پس از به ثمر رسیدن فرزندان، حضورشان نه تنها در زندگی مشترک ضروری نیست بلکه موجب ملال شخصی یا اجتماعی برای ایشان! بود، با اراده یک طرفه، همسر خود را طلاق می‌داند. در چنین مواردی، عدم حمایت قانونی و فقهی از حقوق زنانی که سالها با امید ساختن یک زندگی مشترک دائمی از عمر و عمق وجود خود مایه می‌گذاشتند و متأسفانه با طلاق از سوی مردان، بی‌پناه و بدون سرمایه، ناگزیر به شروعی مجدد بودند به روشنی خودنمایی می‌کرد.

علی‌ای حال، با تمهیداتی که حسب شنیده‌هایم، پیشنهاد شهید بهشتی (ره) بود، راهکاری ظریف پیدا شد و با تلاش فعالین حقوق زنان وقت، به عنوان شرط ضمن عقد در عقدنامه‌ها چاپ شد تا بتواند کوره راهی برای زنانی که ناخواسته با داشتن حق صد در صد طلاق از ناحیه شوهر، مطلقه شده، یکباره از خانه امن شوهر بیرون انداخته می‌شدند، باز نماید. شرط مزبور بدین شرح می‌باشد: «ضمن عقد ازدواج، زوج شرط نمود هرگاه طلاق بنا به درخواست زوجه نباشد و طبق تشخیص دادگاه تقاضای طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سوءاخلاق رفتار او نبوده، زوج موظف است تا نصف دارایی موجود خود را که در ایام زناشویی با او به دست آورده یا معادل آن راه، طبق نظر دادگاه بلا عوض به زوجه منتقل نماید.» اینکه این شرط برای ازدواج‌های پس از سال ۶۳ (زمان ورود این شرط به عقدنامه‌ها) مفید بود و بسیاری از مطلقه‌های همان دوره، از دایره شمول آن خارج بودند (چون شرط مزبور در عقدنامه‌های ایشان درج نشده بود) و اینکه اجرای این شرط معضلات خاص خود را داشت از جمله محاسبه میزان دارایی پس از ازدواج، دلیل طلاق و غیره و در نهایت تا چه حد می‌توانست پاسخگوی نیاز زنان باشد، رامی‌گذاریم و می‌رویم سراغ سایر تمهیدات قانونگذار...

بسیاری از مناسبات اجتماعی مردم ایران، پس از انقلاب مورد بازنگری صاحب‌نظران و اندیشمندان قرار گرفت. آنچه که می‌توانستند مورد تغییر و تحول قرار دهند را متحول کردند همچون خودخواهی و دنیاگرایی که با گذشت و جانفشانی، که از انقلاب آغاز و در طول سالهای دفاع مقدس ادامه یافت، جای خود را عوض کرد. اما بسیاری از آنچه که در قدرت افراد نبود، جزو مطالبات مردم از حکومت و نهادهای تقنینی و اجرائی شد. یکی از این مطالبات، برخی از ابعاد حقوق فراموش شده زنان بود. حقوقی که قطعاً در اسلام، زمینه‌های حفظ و حمایت آن وجود داشت، اما سنت‌های قدیمی ملل مسلمان و از سویی عدم حاکمیت سیاسی اسلام، نه تنها مطالبات را در محاق برده بود، بلکه، مجالی برای پاسخگویی وجود نداشت. یکی از این مطالبات، رفع مشکلات زنان مطلقه‌ای بود که پس از سال‌ها زندگی مشترک و وقوع جدایی، بدون هیچگونه پشتوانه مادی مشتمل بر درآمد، بیمه درمانی، بازتسستی و از همه مهم‌تر، بدون نیروی ارزشمند جوانی، ناگزیر به ورود به جامعه بودند. در حالی که سال‌ها عمر و توان و عاطفه خود را در زندگی مشترک صرف گرم کردن خانه و خانوادگی - بعضاً - ۴ یا حتی ۸ نفره نموده بودند. مهر به، تنها سرمایه مادی ایشان - که متعلق به خودشان بود با افزایش نرخ تورم و کاهش ارزش پول، دردی از ایشان دوانمی‌کرد. علی‌الخصوص که در آن ایام سطح تحصیلات و توان اجتماعی زنان بسیار کمتر از امروز بود. لذا بهترین شکل ادامه یک زندگی امن برای آن زنان، می‌توانست ازدواج مجدد با مردی که یا یک همسر و یا چندین فرزند بدون مادر داشت. در غیر این صورت، زنانی ۳۰ الی ۵۰ ساله (پس از سال‌ها خانه‌داری و نگهداری از چندین فرزند)، تازه باید وارد عرصه کار و اقتصاد می‌شدند. (شاید به یاد داشته باشیم پیرزنانی که نظافتچی مدرسه هایمان بودند در آن روزگار...!) متأسفانه در بسیاری موارد نیز مردانی هوسباز و بی‌تعهد و حتی



متعاقب مطالبات و تلاش‌های گروه‌های مختلف فعال در امر حقوق زنان جهت به تصویر کشیدن خلاءهای تصمیمات و اندیشه‌های فقهی و قانونی، بزرگان دین و قانون، با تکیه مبنایی فقه پویای اسلام و اندیشه‌های پیشرو حقوقی، در سال ۱۳۷۰ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق به تصویب مجلس رسید و پس از ایراد شورای نگهبان، به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع و در سال ۱۳۷۱ مورد تصویب نهایی قرار گرفت. قانون مزبور، نه تنها حق مطلق طلاق را (البته به طور شکلی و نه ماهوی) مقید کرد به مراجعه به دادگاه، بلکه مهم‌تر از آن، طلاق به اراده مرد را موکول به پرداخت کامل مهریه، اجرت المثل ایام زندگی مشترک و نحله نمود.

با تصویب قانون مذکور، می‌توانست امنیت اقتصادی زنانی که مورد بی‌مهری همسر و طلاق رجعی قرار می‌گرفتند باشد اما متأسفانه ذیل تبصره ۳ آن تمامی متن تبصره را تحت الشعاع قرار داده، آن را از غرض اصلی طراحان دور کرد تبصره مذکور مقرر می‌دارد: «اجرای صیغه طلاق و ثبت آن در دفتر، موکول به تأدیه حقوق شرعی و قانونی زوجه (اعم از مهریه، نفقه، جهیزیه و غیر آن) به صورت نقد می‌باشد مگر در طلاق خلع یا مبرات (در حد آن چه بذل شده) و یا رضایت زوجه و یا صدور حکم قطعی اعسار شوهر از پرداخت حقوق فوق‌الذکر.» اگر کوچک‌ترین دلیل و فلسفه «مهریه» ایجادپشتوانه اقتصادی برای زن باشد و اگر بپذیریم که در ساده‌ترین شکل حاکم در خانواده ها، هیچ زنی که در آرامش خاطر و روال معمول زندگی کند، مهریه اش را از شوهر مطالبه نمی‌کند، باید بپذیریم که مهریه یکی از مهم‌ترین ابزار طراحی شده از سوی شارع مقدس جهت تأمین اقتصادی زن پس از طلاق می‌باشد. با تصویب قانون اخیر الذکر، قاعدتاً می‌بایست کارکرد مهریه، همان باشد که راقم می‌اندیشد. اما ذیل تبصره، در اکثر موارد، اثر متن تبصره را منتفی کرده، سایه اش چنان بزرگ است که متن تبصره را کاملاً در بر گرفته است. چرا که بسیاری موارد با ارائه دادخواست اعسار، به راحتی اجرای تبصره معطل مانده، طلاق جاری شده، مرد به دنبال سرنوشت خود رفته حتی از دواج مجدد می‌کند و زن باید سال‌ها در مسیر دادگاه‌ها، به منظور اخذ مهریه و اثبات ملائت (توانایی) زوج، تلاش نماید. جالب است که از دواج مجدد مرد و

عائله اش هم می‌شود یکی از دلایل اعسار!

نکته دیگر آنکه، گریزگاه‌های قانونی برای ایجاد شکل و شمایل اعسار برای آقایان، به راحتی فراهم است. چرا که فروش اموال در زمان شروع اختلافات (زناشویی) جهت خروج آنها از عداد اموال مدیون قبل از طرح دعوی (طلاق)، یکی از ساده‌ترین راهکارهای فرار از مسئولیت تمامی بدهکاران (از جمله شوهران) است. از سوی دیگر عنوان «مستثنیات دین»، فرشته نجات تمامی بدهکاران شده است. در واقع مشکلات اجرایی شناسایی اموال بدهکار (به دلیل محرمانه بودن اطلاعات اموال و دارای اشخاص که برای سایرین قابل دسترسی نیست) خلاء قانونی برای مساعدت به بدهکار جهت شناسایی اموال مدیون (بر خلاف وجود قوانین اعسار و مستثنیات دین که کاملاً در راستای مساعدت با بدهکار می‌باشد!) و نیز مضللات اثبات ملائت از جمله تهیه مستندات یا معرفی شاهد در دادگاه و غیره، پل موفقیت مردانی شده است که تصمیم یکجانبه به طلاق همسرشان می‌گیرند. بدیهی است که قانون اعسار نیز مبتنی بر مبنای فقهی و حقوقی است. اما اگر به مطالبی که از نظراتان گذشت، با نگاهی واقع بینانه بنگریم، شاید این نکته به ذهن شما نیز خطور کند که: وقتی یک مرد ناچار شود جهت طلاق همسرش و تسویه مهریه و غیره، همه دارایی خود را به او بدهد، بدترین شکل اتفاق زندگی او می‌تواند این باشد که آن مرد، کارتن خواب خواهد شد. اما، اگر یک زن به هر ترتیبی نتواند مهریه و اجرت المثل ایام زندگی مشترک خود را از همسر سابقش بگیرد، بدترین شکل اتفاقی که برای او خواهد افتاد! راقم تصور می‌کند که همه ما، بخشی از نتایج این فاجعه را در ۳۰ ساله گذشته فراوان دیده باشیم.

التهایه، قانون مزبور تا حد زیادی از هدف خود دور شده است. اکنون می‌خواهم پس از سال‌ها که از تلاش‌های مزبور و تصویب قانون مذکور و اجرای همه جانبه آن گذشته، یک سوال از صاحبان اندیشه حقوقی و فقهی، قانونگذاران و مجریان قضائی بنمایم: آیا می‌شود اجرای طلاق را مانند اعسار، تقسیم کرد؟ قطعاً پاسخ سوال با عنایت به مبنای فقهی و حقوقی منفی است. اما هنوز از سوالم منصرف نشدم چرا که معتقدم برای این امر می‌توان راهی اندیشید. پیشنهاد شما چیست؟





● مهین پاکزادین
کارشناس ارشد
مشاوره خانواده

جدایی خاموش

بررسی مفهوم طلاق عاطفی، علایم و شاخصه‌های آن

مطابق دیدگاه صاحب نظران، خانواده از نخستین نظام‌هایی است که برای رفع نیازهای حیاتی و عاطفی انسان و بقای جامعه ضرورت تام دارد. روابط مناسب در جامعه بر اساس روابط مناسب در خانواده شکل می‌گیرد و هر اندازه روابط درون خانواده مناسب‌تر باشد، خانواده و به تبع آن جامعه از ثبات و استحکام بیشتری برخوردار است. هیچ جامعه‌ای بدون داشتن خانواده‌های سالم نمی‌تواند ادعای سلامت کند و هیچ یک از آسیب‌های اجتماعی بی‌تأثیر از خانواده پدید نیامده‌اند. یکی از مهم‌ترین آسیب‌های خانوادگی طلاق است. اما آمار رسمی طلاق به طور کامل نشان دهنده میزان ناکامی همسران در زندگی زناشویی نیست، زیرا در کنار آن آمار بزرگتری به طلاق‌های عاطفی اختصاص دارد. یعنی به زندگی‌های خاموش و خانواده‌های توخالی که زن و مرد در کنار هم به سردی سپری می‌کنند ولی تقاضای طلاق قانونی نمی‌کنند. این مشکل ارتباطی، در سطح خانواده می‌تواند در جامعه نیز شیوع و گسترش یابد و ارتباط انسانی را مختل نماید. وقتی بنیان نهاد خانواده دچار تزلزل شد، بنیان‌های اخلاقی و اجتماعی کل نظام اجتماعی متزلزل شده و جامعه به سوی مشکلات گوناگون سوق داده می‌شود. از این منظر بررسی همه جانبه طلاق عاطفی ضروری می‌نماید.



می‌کنند اما در احساسات شخصی همدیگر شریک نیستند و از سویی دیگر رابطه‌ی میان آنها، رابطه‌ای را توصیف می‌کند که آنها در محیط‌های اجتماعی، خوب و صمیمی به نظر می‌رسند ولی در خلوت قادر به تحمل یکدیگر نیستند. بنابراین در طلاق عاطفی زوجین فقط زیر یک سقف زندگی می‌کنند، در حالی که ارتباطات میان آنها قطع شده یا بدون میل و رضایت است. در اینگونه موارد، زوج‌ها از زندگی زناشویی خود راضی نیستند، اما به دلیل ساختار فرهنگی جامعه حاضر به جدایی رسمی نمی‌باشند و برای سال‌های زیادی به زندگی سرد و توأم با فرسایش روحی و روانی ادامه می‌دهند.

زمانی در جامعه ما این‌ها باور رایج بود که زنان باید با لباس سفید وارد خانه‌ی شوهر شوند و باید با لباس سفید آن‌را ترک نمایند. خیلی‌ها معتقد بودند با همه مشکلات باید سوخت و ساخت و تحمل کرد. ولی امروزه این دیدگاه نزد بسیاری از مردم تغییر یافته و زوج‌ها حس می‌کنند که مجبور نیستند تا آخر عمر همدیگر را تحمل کنند. با این حال همه چیز به اینجا ختم نمی‌شود. این روزها در بسیاری موارد پدیده طلاق ناشی از مسائلی است که یک یا دو دهه قبل حتی باور کردن آن نیز امکان‌پذیر نبود؛ تنوع‌طلبی، خیانت، دروغ‌گویی و بسیاری از مسائل دیگر منشأ و مبدأ تعداد قابل ملاحظه‌ای از طلاق‌ها شده است. اما کم نیستند خانواده‌هایی که قبل از طلاق قانونی، رویه طلاق عاطفی را در پیش می‌گیرند. طلاق عاطفی مهم‌ترین عامل از هم‌پاشیدگی عاطفی خانواده است. در این نوع خانواده‌ها به قول اکثر تعاریف، زن و مرد زیر یک سقف زندگی می‌کنند ولی هیچ رابطه احساسی میان زوجین یا اصلاً وجود ندارد یا بسیار کم است. این نوع طلاق در جایی ثبت نشده و نمود عینی ندارد اما مهم‌ترین طلاق است که زوجین و کودکان زیادی از آن رنج می‌برند. از دیدگاه صاحب‌نظران، طلاق عاطفی اولین مرحله در فرآیند طلاق رسمی و بیانگر رابطه‌ی رو به زوال است که در آن احساس بیگانگی میان زوجین حاکم می‌شود. در این حالت زن و شوهر اگر چه ممکن است با هم بودن را ادامه دهند، اما جاذبه و اعتماد آنها نسبت به یکدیگر از بین رفته است.

طلاق عاطفی متضمن فقدان اعتماد، احترام و محبت به یکدیگر است. همسران به جای حمایت از همدیگر، در جهت آزار، ناکامی و تنزل عزت نفس یکدیگر عمل می‌کنند و هر یک به دنبال یافتن دلیلی برای اثبات عیب، کوتاهی و طرد دیگری هستند. طلاق عاطفی فاصله عاطفی مشخص و آشکار میان همسرانی است که هر دو ناپخته هستند، هر چند یکی از آنها ممکن است این ناپختگی را تأیید کند و دیگری با ابراز اعمال مسئولانه مفرط، چنین چیزی را انکار می‌کند. به طلاق عاطفی، جدایی خاموش نیز گفته می‌شود، چرا که همسران در کنار هم زندگی



اما عملاً و از نظر فیزیکی از هم جدا هستند و ممکن است ماه‌ها و حتی سال‌ها با همدیگر حرف زنده و رابطه زناشویی نیز نداشته باشند.

علایم و شاخصه‌های طلاق عاطفی

طلاق عاطفی معمولاً از شکایت و گله‌گذاری زوجها نسبت به یکدیگر شروع می‌شود. هنگامی که انتظارات به زبان آورده می‌شود ولی تحقق نیابد در واقع حالتی است که طرفین رابطه به نیازها و خواسته‌های دیگری اهمیت نمی‌دهند. طوری که انگار زن و شوهر همدیگر را نمی‌بینند و صدای همدیگر را نمی‌شنوند و فقط به وجود هم عادت کرده‌اند. مانند کتابی که بارها آن‌را خوانده‌اند و دیگر از خواندن آن لذت نمی‌برند.

مشخصه دیگر این است که دو طرف میل شدید به تنهایی دارند و برنامه‌های خود را به صورت انفرادی برنامه‌ریزی می‌کنند. در جریان طلاق عاطفی، زن و شوهر نه تنها تلاشی برای با هم بودن نمی‌کنند، بلکه ترجیح می‌دهند در تنهایی اوقات خود را سپری کنند. به طور کلی برنامه‌هایی که در یک زندگی مشترک انتظار می‌رود به صورت جمعی برنامه‌ریزی شود، در وضعیتی که طلاق عاطفی رخ می‌دهد، حالت انفرادی به خود می‌گیرد تا فرد کمترین ارتباط و اصطکاک را با همسر خود داشته باشد.

مؤلفه‌ی دیگر ارتباط کلامی خیلی محدود است. به مرور گفت و گوها به چند اس ام اس (پیامک)، چت یا ایمیل محدود می‌شود. در واقع اگر گفت و گویی میان دو طرف ضروری باشد، در فضای مجازی رخ می‌دهد و به ندرت شکل واقعی به خود می‌گیرد. شاید این رابطه فقط به صرف یک شام محدود شود. گفته می‌شود که لازمه یک زندگی سالم، روزانه حداقل سه ساعت گفت و گو در مورد موضوعات مشترک میان طرفین و خود آنها می‌باشد. این گفت و گو شامل اتفاقات محل کار طرفین یا گفت و گو درباره دیگران نمی‌شود، بلکه دقیقاً راجع به خود افراد و رابطه آنها با هم است. شاید یکی از عوامل افت رابطه کلامی این است که طرفین گفت و گو را بی‌فایده می‌دانند و امیدی به ترمیم رابطه از طریق مباحثه ندارند.

شرایط فرهنگی حاکم بر جامعه‌ی ایران، امکان به دست آوردن آمار طلاق عاطفی را نمی‌دهد. منابع گوناگون آمار مختلفی را ارائه می‌دهند که نمی‌توان به هیچ کدام از آنها اطمینان کامل داشت، زیرا طلاق عاطفی به صورت رسمی سنجیده نشده است. عدم امکان سنجش می‌تواند به دو دلیل باشد: اول اینکه زوجین نمی‌دانند که در رابطه خود دچار طلاق عاطفی هستند یا خیر. و دوم اینکه در صورت آگاهی داشتن به این امر یا آن‌را انکار می‌کنند و یا به این دلیل که زندگی آنها از دور در منظر اطرافیان خوب و موفق ارزیابی می‌شود، سعی می‌کنند که زندگی خود را در همان وضع نگه دارند. کم‌نیستند همسرانی که به این دلیل ترجیح می‌دهند اسما زن و شوهر باشند



صورت‌های مختلفی دیده می‌شود. سهم عمده‌ی آنها به «انگیزه» افراد برای ازدواج کردن باز می‌گردد. در واقع زن و مرد با در نظر گرفتن تمایلات و انگیزه‌هایشان دست به انتخاب می‌زنند و فردی را به عنوان همسر بر می‌گزینند. انگیزه‌های مخربی که انتخاب نادرست را باعث می‌شوند، شامل موارد زیر می‌شوند:

۱- گریز از تنهایی. یعنی فرد فقط و فقط برای گریز از تنهایی ازدواج را انتخاب می‌کند. در حالی که ازدواج داروی هیچ دردی نیست، به خصوص در تنهایی.

۲- فرار از حرف مردم و با به اصطلاح بستن دهان مردم. افرادی که از نحوه‌ی تفکر اطرافیان نسبت به خصوصی‌ترین و حساس‌ترین تصمیم زندگی خود می‌ترسند، به سمت انتخاب‌های نادرست سوق داده می‌شوند. به خصوص دختران که از بالا رفتن سنشان و به تبع آن، حرف‌های دیگران می‌ترسند و بدین ترتیب صرف ازدواج کردن را اهم از کیفیت زندگی می‌دانند. غافل از اینکه زمان بروز مشکل در زندگی زناشویی، هیچ کدام از آن «دیگران»، فریاد ریشان نخواهند بود.

۳- ازدواج‌هایی که برای مادیات و رفع نیازهای مادی صورت می‌گیرد. معمولاً افرادی که دارای روحیه بلند پروازانه هستند و در زندگی شخصی خود از رفاه مادی چندانی برخوردار نبوده‌اند، انگیزه زیادی برای پولدار شدن از طریق ازدواج را دارند.

۴- ازدواج‌هایی که از روی چشم و هم‌چشمی در میان اعضای فامیل و دوستان صورت می‌گیرد.

۵- ازدواج‌های تحمیلی که در آن خواستن نقشی ندارد. در این حالت برخی والدین تنها براساس سلیقه خود عمل می‌کنند.

۶- ازدواج‌هایی که برای فرار از محیط خانواده‌ی کنونی صورت می‌گیرد. کم نیستند افرادی که در خانواده‌های آشفته‌ای زندگی می‌کنند و در میان اعضای خانواده‌ی خود از آزادی عمل برخوردار نیستند. بدین ترتیب فرد برای اینکه به این شرایط خاتمه دهد، ازدواج را انتخاب می‌کند.

از دیگر مواردی که به انتخاب نادرست می‌انجامد، می‌توان به سطح انتظارات افراد قبل از ازدواج اشاره کرد. مسلماً هر فردی تصویری از زن

از دیگر مولفه‌ها می‌توان به دگرگرایی اشاره نمود که می‌تواند طیفی از مهمانی‌های افراطی تا ارتباط و ورود دیگری به عنوان جایگزین همسر، برای هر یک از طرفین را در برگیرد. گاهی این «دیگر» فرزند خانواده است و رابطه‌ی پدر یا مادر با بچه از حد طبیعی خارج می‌شود. در جامعه ما جایگزین کردن یک رابطه عاطفی خارج از منزل برای مردان پذیرفته شده تر است. غالب مردان خلاء ارتباطی ناشی از طلاق عاطفی با همسرشان را با اینگونه و یا با دیگری بیش از حد با شغلشان پر می‌کنند. ارتباط با دوستان نیز برای هر یک اتفاق می‌افتد. در واقع دگرگرایی در طلاق عاطفی، راهی برای پر کردن یک خلاء است. با خروج زن از گردونه عشق یک مرد و نیز به محض ناکامی یک زن در یک زندگی عاشقانه، دیگری از راه می‌رسد. شاکسه‌ی دیگر طلاق عاطفی بی‌تفاوتی و زوال امید به ترمیم رابطه است. زن و شوهری که درگیر طلاق عاطفی‌اند، تغییر در خود و طرف مقابل را غیرممکن دانسته و به همین خاطر هرگونه میانجی‌گری برای ترمیم این رابطه‌ی مخدوش را بی‌فایده می‌دانند. طلاق عاطفی در کوتاه‌مدت اتفاق نمی‌افتد، بلکه هنگام بروز مشکل راه‌های مختلفی برای حل آن آزموده می‌شود و پس از ناکامی در یافتن راهی برای آشتی و سازش، زوجین در یک بن‌بست عاطفی گرفتار می‌شوند که از آن به بعد آنها مصالحه و ترمیم عوارض را بسیار دشوار و حتی محال می‌دانند.

یکی دیگر از شاخصه‌های روشن و بارز طلاق عاطفی، بیماری‌های جسمی و افسردگی است. در این حالت فرد دچار غم و اندوه فراوان است و احساس تنهایی و ناتوانی دارد. در افکار و احساسات خود غوطه‌ور است و به همین دلیل وظایف خود را به درستی انجام نمی‌دهد. مسئولیت‌های خود را در قبال دیگر افراد خانواده به سردی و بدون میل و رغبت انجام می‌دهد.

ریشه‌های طلاق عاطفی

اختلافات زوجین دلایل متعددی دارد. بخش عمده‌ای از این اختلافات ناشی از انتخاب‌های نادرست است. انتخاب‌های نادرست افراد، به



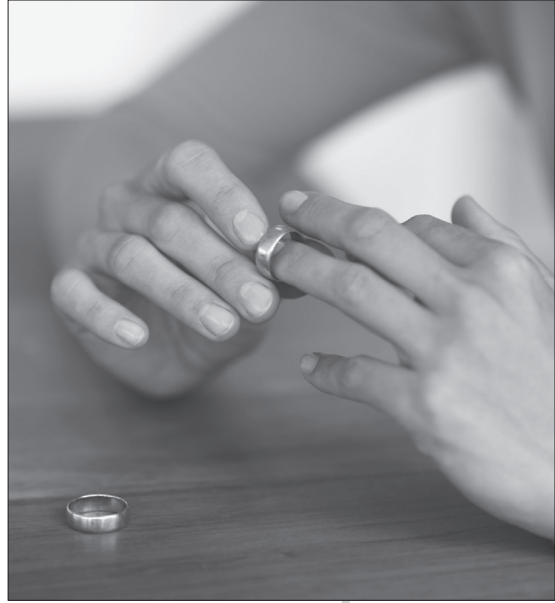
یا مرد ایده‌آل را در ذهن خود دارد. حال اگر این تصورات به درستی شکل نگرفته باشند و از واقعیت جامعه دور باشد، هنگامه انتخاب همسر مسئله‌ساز می‌شود. چرا که در این حالت افراد دارای شناخت اجتماعی صحیحی نسبت به جنس مخالف خود نیستند و وی را با تصورات و ایده‌آل‌های نادرست ارزیابی می‌کنند.

از دیگر واقعیات تلخ فرهنگ جامعه ما که در روند انتخاب‌های نادرست تأثیرگذار بود، طی چند سال باب شده این مسئله بد که تعداد دختران دو برابر تعداد پسران است. با توجه به نگاه منفی و واکنش بی‌انصافانه‌ی عرف جامعه نسبت به دختران مجرد و زدن برچسب‌های زهرآلود به این جنس در صورت مجرد ماندن، پرواضح است که بسیاری از انتخاب‌های دختران، از روی آگاهی و همراه با آرامش و طیب خاطر نبوده است.

علاوه بر انتخاب‌های نادرست و عوامل تأثیرگذار بر آن، دلایل بسیار دیگری در ایجاد و بروز اختلافات میان زوجین وجود دارد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

در بسیاری موارد زن و شوهر پروسه شناخت یکدیگر را به طور صحیح طی نکرده‌اند. یعنی فردی را که انتخاب کرده‌اند به دنبال شناخت او نبوده‌اند و یا در طی این مراحل دچار رودربایستی و یا حس ترحم نسبت به طرف مقابل می‌شوند. بدین ترتیب زمانی که زندگی زیر یک سقف را آغاز می‌کنند، اختلافات و به تبع آن رنجش‌ها میانشان بروز پیدا می‌کنند و به مرور زمان این رنجش‌ها روی هم انباشته می‌شود و ذهن آنها را درگیر می‌کند و آنان اندک اندک از هم فاصله می‌گیرند به گونه‌ای که پس از مدتی محبت و صمیمیت روزهای اولیه میانشان کم‌رنگ می‌شود و اگر باز هم تلاش نکنند تا با گفت و گو و تعامل مشکلات خود را حل کنند و به دیدگاه واحدی برسند؛ این فاصله بیشتر می‌شود و رابطه میان آنها به طلاق عاطفی می‌انجامد.

در برخی موارد اختلافات میان زوجین به کمبود و یا عدم وجود مهارت‌های زندگی بازمی‌گردد. مواردی چون رابطه صحیح کلامی، مهارت‌های لازم برای سخن گفتن و بیان صحیح خواسته‌ها از همسر، از جمله موضوعاتی است که در قالب مهارت‌های زندگی قرار می‌گیرند که اکثر جوانان فاقد آن هستند. بسیاری از افراد در آستانه ازدواج، آموزش ندیده‌اند که زندگی مشترک همان بازی‌های دوران کودکی نیست. بلکه مستلزم پذیرش و تعهد به شکل‌گیری « هویت ما » با فرد دیگری است که دارای جنسیت، فرهنگ، عقاید، باورها، شیوه تفکر و شخصیت کاملاً متفاوت از « من » می‌باشد.



بسیاری از افراد در آستانه ازدواج، آموزش ندیده‌اند که زندگی مشترک همان بازی‌های دوران کودکی نیست، بلکه مستلزم پذیرش و تعهد به شکل‌گیری « هویت ما » با فرد دیگری است که دارای جنسیت، فرهنگ، عقاید، باورها، شیوه تفکر و شخصیت کاملاً متفاوت از « من » می‌باشد.





ibberball/Corbis

زن و مرد باید یاد بگیرند که هنگام ازدواج میان آنها، هویت جدیدی به نام ما شکل می‌گیرد و اگر همچنان آنها دچار منیت‌ها و زدن ساز خود باشند، التهابات میان‌شان افزایش می‌یابد.

گاه میان زوجین تضادی ایجاد می‌شود و در این میان هر یک برای احراز منزلت خویش و رسیدن به اهداف خود، از طریق توسل به امکانات مالی، فرهنگی و... قصد تسلط بر دیگری را دارد. تداوم این وضعیت، تنش و کشمکش میان آنها را افزایش می‌دهد و در نهایت منجر به جدایی و طلاق آنها می‌شود. در چند دهه اخیر و تقابل سنت و مدرنیته، درخواست نفوذ و کنترل هر یک از زوجین به سرنوشت خود و خانواده افزایش یافته و این وضعیت یکی از عوامل مؤثر در ایجاد اختلاف و جدل در خانواده بوده است. از یک سو آشنایی بانوان با جایگاه حقوقی خویش، کسب استقلال اقتصادی، درخواست دخالت در امور خانواده و توزیع مساوی قدرت و از سوی دیگر عدم پذیرش و درک مردان از شرایط جدید و ناآگاهی آنها از حقوق و تکالیف متقابل زوجین، موجب اختلافات و تعارضات شدید در خانواده شده است. همچنین با پیشرفت اقتصادی-اجتماعی، گسترش رسانه‌ها و آموزش بیشتر، زنان از فرهنگ سنتی فاصله گرفته‌اند و این امر باعث شده است تا آنها کمتر نقش‌های سنتی را بپذیرند و یا در صورت پذیرش، ارزیابی منفی نسبت به نقش خود داشته باشند که به دنبال آن از زندگی خود رضایت چندانی نخواهند داشت.

یکی از راهکارهایی که می‌تواند

در شفاف‌سازی، سو-تفاهم

زدایی و باز کردن گره میان

زوجین، تأثیر زیادی داشته

باشد، زوج‌درمانی است.

زوج‌درمانی رویکردی است که

در آن جلسات درمانی مشترک

میان زن و شوهر برای تغییر

دادن روابط میان آنها در جهت

مطلوب برقرار می‌شود.

دلایل اصلی زندگی زوج‌ها در کنار یکدیگر بعد از وقوع طلاق عاطفی

از دیدگاه نویسنده، مهم‌ترین دلیل برای تحمل و ادامه یک زندگی در شرایط دشوار و رنج‌آور، کارکرد منفی است که طلاق رسمی در جامعه به همراه دارد. نگاهی که جامعه به افراد مطلقه دارد نگاه مثبتی نیست، علی‌الخصوص نسبت به زنان که چه بسا بعد از طلاق از طرف جامعه مورد بی‌حرمتی روحی و جنسی قرار می‌گیرند. هراس از برچسب‌هایی که جامعه به افراد مطلقه اطلاق می‌کند و همچنین قضاوت شدن از جانب اطرافیان، باعث می‌شود زوجین خود را به زندگی مشترک با تمام سردی‌ها و مرارت‌هایش عادت دهند و وجود هرگونه نزاع و تنش را در زندگی زناشویی خود منکر شوند.

از دیگر دلایل نقش فرودستی است که جامعه و نهادها به زنان می‌دهد. در واقع به دلیل همین نقش



متخصصین این حوزه و کمک گرفتن از آنهاست. یکی از راهکارهایی که می‌تواند در شفاف‌سازی، سوء تفاهم زدایی و باز کردن گره میان زوجین، تأثیر زیادی داشته باشد، زوج‌درمانی است. زوج‌درمانی رویکردی است که در آن جلسات درمانی مشترک میان زن و شوهر برای تغییر دادن روابط میان آنها در جهت مطلوب برگزار می‌شود. در واقع در زوج‌درمانی به این مسئله پرداخته می‌شود که مسئله میان زوجین، فردی نیست، بلکه مشکل میان فردی است و هر دو باید در جهت بهبود و حل مشکل دارای انگیزه باشند و رویکردی فعالانه را اتخاذ کنند.

در مورد گروه دوم که هنوز ازدواج نکرده‌اند بهترین رویکرد، پیشگیری است. این گروه دارای پتانسیل زیادی برای دچار شدن به چنین آسیبی را داراست، چرا که ممکن است آنها خود قربانی چنین پدیده‌ای باشند و از همه مهم‌تر در مورد آنها نداشتن مهارت‌های زندگی و مهارت‌های پذیرش نقش جدید است. مسئولیت آموزش این مهارت‌ها در وهله اول به عهده خانواده‌هاست و بعد از آنها، به عهده نهاد آموزش و پرورش می‌باشد. کودک از شش تا هجده سالگی بخش قابل توجهی از زندگی خود را در مدرسه می‌گذراند که این نهاد و سایر نهادهای مرتبط با کودک، برای آموزش مهارت‌های لازم زندگی باید برنامه‌ریزی عملی و متنوعی را اتخاذ نمایند.

همچنین در مورد دختران و پسران جوانی که قصد ازدواج را دارند باید مهارت‌های ازدواج‌عقلانه را آموزش ببینند. در واقع باید نهادهای مسئول کلاس‌های مشاوره پیش از ازدواج را برای چنین افرادی به صورت اجباری در نظر بگیرند تا از ایجاد آسیب‌های ناشی از انتخاب ناآگاهانه و انتخاب از روی هیجانات و همچنین انگیزه‌های نادرست از ازدواج جلوگیری به عمل آید.

فردست است که ابراز وجود زنان در زندگی فردی و اجتماعی‌شان حمایت نمی‌شود و بدین ترتیب در اکثر مواقع تقاضاها، نگرانی‌ها و دغدغه‌ها مسکوت باقی می‌ماند و همین مسئله، کنشگر نبودن زنان را تقویت می‌کند و آنان را موجوداتی وابسته به مرد و مصرف‌گرا با می‌آورد. طبعاً این فضا باعث می‌شود اگر مشکلی هم در زندگی آنان وجود داشته باشد، ابراز نکنند چرا که گمان می‌کنند همه زندگی‌ها همین است، مادرم هم همینطور بوده و من هم همینطور باید زندگی کنم. بنابراین وی تلاش برای تغییر را بی‌ثمر می‌داند و حتی اگر مشکلی هم وجود داشته باشد اجباراً یا آن سر می‌کند.

از دیگر موارد می‌توان به وابستگی اقتصادی زنان اشاره نمود. زنانی که دارای پست‌وانه مالی نیستند از این می‌ترسند که بعد از جدایی چگونه می‌توانند گذران زندگی کنند و یا اینکه معتقدند رفاه مادی را که اکنون داریم دیگر نخواهیم داشت. بنابراین آنان را وادار به تحمل سختی‌ها و سردی‌های طلاق عاطفی می‌کند.

وجود فرزندان و نگرانی از اینکه ممکن است فرزندان از جدایی رسمی آسیب ببینند، از دیگر عوامل ادامه زندگی در چنین شرایطی است. باید در نظر داشت که در طی طلاق عاطفی، فرزندان نیز از آسیب‌ها در امان نخواهند بود. چرا که آنها انسان‌هایی هستند که نیاز به یک پناهگاه امن و عاری از هرگونه سردی و تنش به نام خانواده را دارند که در هنگام وجود طلاق عاطفی میان والدین، آنها از داشتن چنین پناهگاهی محروم می‌شوند و بی‌تحریکی، افت تحصیلی، و افسردگی از نشانه‌های آسیب‌هایی است که فرزندان در اثر فقدان پناهگاه امن، به آن دچار می‌شوند.

چه باید کرد؟

برای مواجهه با چنین پدیده‌ای باید در نظر داشته باشیم که در حال حاضر با دو گروه مواجه هستیم: اول گروهی که ازدواج کرده‌اند و دچار طلاق عاطفی‌اند و گروه دوم شامل افرادی است که هنوز ازدواج نکرده‌اند ولی ممکن است بعد از ازدواج به این مسئله دچار شوند.

در مورد گروه اول بهترین کار، مراجعه به





میترا مشعوفی
کارشناس ارشد
مطالعات زنان



از قلب خود مراقبت کنید

با این ۲۲ روش مراقب قلب خود باشید

تنبض قلب خود را چک کنید

فردا صبح، قبل از اینکه کورکورانه کفش‌های راحتی خود را به پا کنید، نبض خود را پیدا کنید. سپس نبض خود را یادداشت کنید. افراد سالم باید دارای ضربان زیر ۷۰ باشند. اگر ضربان قلب شما برای یک هفته یا بیشتر افزایش یافت به دکتر خود زنگ بزنید.

از هوای آلوده دوری کنید

ذرات آلوده می‌تواند دیوار سرخرگ شریانی شما

ما استراتژی‌های ساده و کاربردی برای سلامت قلب شما جمع آوری کرده ایم. نیاز نیست تمام این نجات دهنده‌ها را اتخاذ کنید اما هر کدام را برای مدتی امتحان کنید. حتما جواب می‌گیرید.

گردو بخورید

گردو چربی امگا ۳ دارد که با التهاب قلبی می‌جنگد. محققان دانشگاه یل گزارش دادند که در حدود نصف فنجان از دونه‌های گردو در روز عملکرد رگ‌های خونی را بهبود می‌دهد.



خستگی مرتبط با کار خطر بیماری قلبی را افزایش می‌دهد. در یک مطالعه، مردانی که از خستگی رنج می‌بردند، نشانه‌های خود را تا ۵۷ درصد با انجام دادن ورزش‌های قلبی فقط در طی دو یا سه روز در هفته کاهش دادند.

واکسینه شوید

نیرومند ترین راه مبارزه با ویروس ه‌ا، واکسن آنفولانزا است که تقریباً خطر حمله قلبی را نصف می‌کند. این امر ممکن است به این دلیل باشد که آنفولانزا یک واکنش خودکار مقاوم را ایجاد می‌کند که با ویروس می‌جنگد. اما این کار را با مشورت پزشکتان انجام دهید.

خوب بخوابید

در مقایسه با افرادی که خوب می‌خوابند، افراد بی‌خواب با یک افزایش ۴۵ درصدی خطر حمله قلبی مواجه هستند. فقط ۳۰ دقیقه ورزش در سه نوبت از هفته خواب شما را بهتر می‌کند. اما صبور باشید، اثر این کار شاید هفته‌ها به طول بیانجامد.

زیاد نخوابید

اینچنین مسئله‌ای برای خوابیدن خیلی زیاد هم وجود دارد: افرادی که ۱۰ ساعت یا بیشتر در یک شب می‌خوابند خطر بیماری قلبی برایشان بیشتر است. چرت زدن خیلی زیاد ممکن است به سلامت ذهنی ضعیف یا وزن مرتبط باشد. اگر خوابتان را نمی‌توانید در اندازه سالم بین ۷ تا ۹ ساعت نگه دارید به دکترتان زنگ بزنید.

از چربی ترانس جلوگیری کنید

دانشمندان می‌گویند شما می‌توانید به طور موثر LDL خود را با حذف کردن چربی ترانس با فقط ۱ درصد در سال کاهش دهید. این چربی‌ها از خیلی از محصولات نشات گرفته‌اند. برای مثال این‌ها در پاپ کورن موجود هستند.

به دنبال پتاسیم باشید

دانشمندان دریافته‌اند که مصرف اضافی ۱۰۰۰ میلی‌گرم پتاسیم در هر روز می‌تواند BP قلبی

را کلفت کند که شما را برای حملات قلبی مستعد می‌کند. پیک سطح ذره‌ها در صبح در زمستان زیاد است، پس دویدن یا دوچرخه سواری را برای بعد از ظهر نگه دارید.

تا می‌توانید حیوانات بخورید

افرادی که ۱ فنجان حیوانات غنی شده مانند عدس، لوبیا یا نخود خورده‌اند فشار خون خود را تا ۴ میلی‌متر جیوه بعد از سه ماه کاهش داده‌اند. لوبیای سیاه به سالاد هااضافه کنید، عدس را داخل کاری بپزید یا یک ملاقه اضافی از لوبیای خال خالی را در قفل سرو کنید.

به تخم مرغ ایمان داشته باشید

فکر کردن به اینکه تخم مرغ کلسترول بد LDL شما را افزایش می‌دهد را متوقف کنید. در حقیقت، اخیراً یک محقق برزیلی به رابطه‌ای بین مصرف تخم مرغ و شریان‌های وریدی بدون گرفتگی پی برده است.

اعداد را ثبت کنید

یک ورزش را انتخاب کنید و هفتگی آن را انجام دهید. برای مثال پیاده روی کنید و بعد از آن زمان و میزان ضربان قلب خود را یادداشت کنید. اگر تغییر مهمی در ضربان قلب خود مشاهده کردید برای مثال اگر برای ورزشی در یک زمان قلب شما ۱۶۵ می‌زند و در روز بعد ۱۸۵ زد با دکتر خود تماس بگیرید. این یک نشانه از ضعیف شدن قلب یا انسداد شریان هاست.

عمیقاً نفس بکشید

بایستید و یک نفس آرام و عمیق بکشید. انجام اینکار می‌تواند فشار خون انقباضی را تا ۴ میلی‌متر جیوه در هر دقیقه پایین بیاورد. برخی از تحقیقات پیشنهاد داده‌اند که اگر شما این نفس کشیدن عمیق را به طور پیوسته تمرین کنید، اثرات فشار خون پایین می‌تواند زمان بیشتری طول بکشد.

خستگی کار را دفع کنید

اجازه ندهید کارتان موجب مرگ شما شود:



از آنجا که هرگونه ورزش قدرتی کلاسترول HDL (خوب) را افزایش می‌دهد، ورزش‌هایی که عضلاتتان را تقویت می‌کنند انجام دهید.

مثبت باشید

یک منظره آفتابی ممکن است خطر انسداد رگ شریانی را تا نصف کاهش دهد، احتمالاً به این دلیل که مثبت بودن به جلوگیری از استرس و التهاب کمک می‌کند.

غذاهای رنگارنگ بخورید

اگر نازنجی است، آن را بخور. مطالعات نشان داده که انسان‌هایی که کمترین سطح بتا کاراتن خون را دارند در حدود سه برابر در معرض سکته قلبی در برابر آنهایی که بیشترین سطح را دارند، هستند.

به سرعت به هر جا برو

بر روی یک دوچرخه ساکن برو. برای ۵ دقیقه گرم کن، و سپس ۱۵ تا ۳۰ ثانیه پدال زدن سریع - با مقدارهای مساوی از استراحت‌های مابین آن - به طور متناوب - انجام دهید. این عمل را برای ۱۰ دقیقه انجام بده، برای دقایقی استراحت کن، و تکرار کن. این کار روتین به بهبود نسبت لیپید شما کمک خواهد کرد.

را کاهش دهد. موز دارای ۲۴۰ میلی‌گرم است و شما همچنین می‌توانید این ماده معدنی را در سیب زمینی‌های شیرین (۵۴۰ میلی‌گرم در هر مجموعه) پیدا کنید.

سلول‌های خورشیدی را شارژ کنید

دانشمندان در اسکاتلند دریافته‌اند که ۲۰ دقیقه در معرض UV می‌تواند تولید نیتریک اکسید بدن شما را افزایش دهد که فشار خون را پایین می‌آورد. شما می‌توانید برای ۱۰ دقیقه دوبار در هفته آفتاب بگیرید. فقط بررسی کنید که پوست حساس یا سرطان پوست نداشته باشید.

درمان سکوت را امتحان کنید

برای هر ۱۰ دسیبل از نویز ترافیک کنار خانه شما خطر حمله قلبی شما تا ۱۲ درصد افزایش می‌یابد. در شب از گوش بند استفاده کنید.

زود غذا بخورید

در تحقیق اخیر دانشگاه هاروارد کسانی که صبحانه را حذف می‌کنند تا ۲۷ درصد افزایش بیماری قلبی داشته‌اند، که ممکن است به دلیل نوسانات بزرگتر در قند خون آنها و سطح بالاتر از تری‌گلیسیرید خون آنها باشد.

انرژی زها را دور بریزید

نوشیدنی‌های انرژی‌زا ممکن است نوشیدنی‌های دشمن باشند. تحقیقات نشان داده است که این نوشیدنی‌های کافئینی می‌تواند BP را در افراد سالم هم افزایش دهد. به جای آن قهوه بنوشید.

شیر کم چرب مصرف کنید

یکی از محققان فرانسوی دریافته است افرادی که لبنیات کم چرب مصرف می‌کنند احتمال کمی دارد که LDL بالایی داشته باشند. کلسیم در لبنیات ممکن است به دفع چربی کمک کند که منجر به کاهش کلاسترول بد می‌شود.

ورزش کنید





وزن خود را کاهش دهید!

هشت روش آسان برای آن که وزن خود را کاهش دهید

بد- بیشتر از آنچه شما فکر کنید.

در تحقیقی فارغ التحصیلان در دانشگاه Saint Bonaventure در نیویورک به سه دسته تقسیم شدند: یک گروه که در نزدیکی چند سیب قرار داشتند و پاپ کورن در چند متری آنها گذاشته شد، یک گروه دیگر نزدیک پاپ کورن و چند سیب در چند متری آنها گذاشته شده بود و گروه سوم در نزدیکی هر دوی این خوراکیها نشسته بودند. با اینکه همه‌ی شرکت کنندگان گفتند که ترجیح می‌دهند پاپ کورن بخورند ولی آنها چیزی که نزدیک تر به آنها بود را خوردند.

عتیاد به خوردن هله هوله را رها کنید

طبق پژوهش‌های انجام شده به نظر می‌رسد بازی کردن با بازی‌های کامپیوتری سرزندگی را کاهش می‌دهد. چرا؟ به دلیل اینکه بازی‌های کامپیوتری تمرکز و توجه شما به خودتان را کاهش داده و تمرکزتان را از مقدار هله هوله ای که در هنگام بازی می‌خورید به هم می‌زند.

غذاهای خوب را نزدیک خود بگذارید

تنبلی نقشی بزرگ در انتخاب غذای شما ایفا می‌کند- و این نقش می‌تواند هم خوب باشد و هم

مغز



بینی کردند مصرف این غذاهای نا سالم منجر به خطر کارکرد سوخت و ساز بدن، بزرگ شدن دور کمر، بزرگ شدن شکم، مقاومت بیشتر انسولین می‌شود، اما فقط در گروه با استرس بالا این اتفاقات افتاد.

زنان با استرس کم که خیلی از غذاهای پر چرب پر شکر را خورده بودند دچار این خطرات متابولیکی منفی نشدند.

نوشابه رژیمی را فراموش کنید

تحقیقات دانشگاه تگزاس نشان داده است که افرادی که نوشابه رژیمی مصرف کرده‌اند، دور کمر بزرگتری دارند. بعد از بررسی ۷۴۷ فرد در طی حدود یک دهه، آنها دریافتند که کسانی که نوشابه رژیمی می‌نوشند ۷۰ درصد افزایش بیشتر محیط دور کمر در مقایسه با کسانی که نمی‌نوشند را دارند. افرادی که دو نوشابه یا بیشتر می‌نوشند تا ۵۰۰ درصد افزایش را مشاهده کرده‌اند.

آب را نوشیدنی خود کنید

قطعا به همه‌ی ما گفته شده که از نوشیدن کافی آب در طول روز اطمینان حاصل کنیم اما باید بر آن باشیم تا نوشیدن آب را تکرار کنیم. تحقیقات نشان می‌دهد که نوشیدن آب یک کمک موثر برای وزن کم کردن است. در یکی از مطالعات دانشگاه ویرجینیا، از گروهی که اضافه وزن داشتند آنهایی که از یک رژیم کم کالری پیروی می‌کردند خواسته شد که قبل از هر وعده غذایی یک لیوان آب بنوشند و این گروه به طور متوسط ۱۵.۵ پوند در طول سه ماه وزن کم کردند. ولی آنهایی که غذای کم کالری خوردند اما به اندازه کافی آب نخوردند فقط ۱۱ پوند وزن کم کردند.

خوب بخوابید

هیچ راهی بهتر از این نیست که گرایش‌های خود برای خوابیدن بیشتر را کنار بگذارید. میزان خواب هر فرد در شبانه روز نباید کمتر از ۵ ساعت و بیشتر از ۷ الی ۸ ساعت باشد. خوابیدن زیاد یکی از علل اضافه وزن است.

نشنسته غذا بخورید

دکتر سالتر می‌گوید: متعجب می‌شوید اگر بدانید که چقدر کالری مخصوصا از غذا هایی که به صورت ایستاده یا به صورت بوفه بدون اینکه به خوردنتان توجه کنید، دریافت می‌کنید.

غذا خوردن بدون فکر، دشمن کاهش وزن است. مطالعات نشان داده که ما به صورت نا خودآگاه در جمع‌های بزرگ و در موقعیت‌های اجتماعی بیشتر می‌خوریم.

دکتر سالتر می‌گوید: اگر بر سر یک میز نشسته باشی، آگاهانه تر خواهی بود بر آن چیزی که می‌خواهی بخوری و کالری بیشتری را نسبت به مدل‌های دیگر در بدنتان نگه می‌داری و نیاز به دریافت کالری بیشتر نداری. برای کاهش بیشتر وسوسه، دورتر از غذا بنشیند.

سالاد را برای آخر نکه دارید

سالاد را معمولا همراه غذا می‌آورند، آن را در پایان وعده غذایی خود بخورید.

دکتر دپورا وین می‌گوید: سالاد می‌تواند یک گزینه کم کالری شکم پرکن باشد که با خوردن آن در آخر این فرصت را به مغز می‌دهید که بفهمد از زمانی که غذای خود را شروع کردید خیلی گرسنه نبودید. فقط سس را از سالاد حذف کنید.

آرام باشید

سبک زندگی کم استرس ممکن است چاقی را دور نگه دارد، در تحقیقی در دانشگاه کالیفرنیا به مدت یک سال، محققان ۶۱ زن سالم را مورد مطالعه قرار دادند؛ ۳۳ زن از روی عادت استرس داشتند در حالی که باقی آنها استرسی نداشتند. از آنها برای ثبت مصرف شکر و غذاهای پر چربی در طول روز تقاضا شد. محققان به طور معمول پیش





مونا مشعوفی
کارشناس ارشد
مدیریت بازرگانی بین الملل

ورزش و بیماری قلبی

فعالیت ورزشی متوسط ۳۰ دقیقه در روز، حداقل پنج روز در هفته ورزش کنیم.

- ورزش را به آهستگی شروع کنید.
- در طول ورزش باید قادر باشید به راحتی صحبت کنید.
- قبل از ورزش و در طول آن آب کافی بنوشید.
- در طول ورزش نباید زیاد خسته شوید.
- بگونه‌ای ورزش کنید که از آن لذت ببرید.

ورزش‌های مخصوص قلب:

تمرین‌های هوازی (ایروبیک)، از انواع ورزش‌هایی است که هوای بیشتری را به ریه‌ها وارد کرده و بهترین تمرین برای تقویت قلب خواهد بود. پیاده روی، پرش در جا، شنا، دوچرخه سواری، طناب بازی، حرکات موزون - اسکی و قایقرانی و تایچی، یوگا که تمامی بدن را درگیر می‌کند از جمله ورزش‌های مخصوص برای تقویت قلب است.

عدم تحرک یکی از علل رکود گردش خون و زمینه ساز ایجاد لخته در بسیاری از عروق بدن از جمله قلب می‌باشد. بدون شک ورزش در هر سنی سبب محو این عامل خطر ساز می‌شود.

قلب شما یک ماهیچه است و مانند سایر عضلات از طریق فعالیت بدنی بزرگ‌تر و قوی‌تر می‌شود. با ورزش به خصوص ورزش‌های هوازی، مثل پیاده روی، شنا و رقص که با این ورزش‌ها هم قلب و هم ریه‌ها کار می‌کنند، قلب قوی‌تر و بزرگ‌تر می‌شود، و در نتیجه کارایی قلب بیشتر شده و برای پمپ کردن خون در سراسر بدن قلب نیاز به کار کمتری دارد. یعنی ضربان قلب کمتر می‌شود و نیروی آن بیشتر، این باعث می‌شود فشار کمتر بر روی قلب وارد شود، که منجر به یک سیستم قلبی عروقی سالم و آرام‌تر می‌شود.

فعالیت بدنی انرژی بیشتری نیز به شما می‌دهد و می‌تواند به کاهش استرس کمک کند. کارشناسان توصیه می‌کنند که ما برای داشتن



۱۲ خوراکی مفید برای قلب

می‌دهد. کورستین، پتاسیم و منیزیم نیز به کنترل فشار خون کمک می‌کنند.

اسفناج: لوتئین موجود در اسفناج علاوه بر محافظت از کوری چشم مربوط به سن، با مانع شدن تراکم کلسترول در دیواره رگ‌ها از حمله قلبی پیش‌گیری می‌کند.

ماهی: ماهی آزاد که سرشار از اسید چرب امگا ۳ می‌باشد از لخته شدن خون و آسیب رسیدن و یا اکسیده شدن کلسترول پیش‌گیری می‌کند.

گوجه فرنگی: این گیاه غنی از لیکوپن است که خطر تصلب شرایین را به طور چشمگیری ۵۰ درصد کاهش می‌دهد. تحقیقات نشان داده است، لیکوپن مانع سفت شدن رگ‌ها می‌شود.

انار: انار و آب آن غنی از آنتی‌اکسیدان است که با کاهش دادن آسیب رگ‌های خونی مانع سفت شدن آن‌ها می‌شود و حتی پیشرفت این بیماری را کاهش می‌دهد.

غلات سبوس در: این غلات، ویتامین‌ها و فیبر مورد نیاز برای حفظ سلامت قلب را فراهم می‌کند.

عناب: دارای پتاسیم و منیزیم بوده، پتاسیم و منیزیم برای تقویت قلب مفید بوده و از فار خون بالا جلوگیری می‌کند.

عسل: غنی از آهن، منگنز و مس بوده و باعث سهولت در گردش خون می‌گردد.

روغن زیتون: باعث کاهش بیماری‌های قلبی و کاهش چربی‌های بد خون می‌شود. این روغن را برای غذا (نه سرخ کردن) و یا روی سالاد استفاده کنید.

علت اصلی گرفتگی رگ‌ها، مصرف غذاهای آماده حاوی چربی‌های اشباع شده، سموم و مواد شیمیایی است.

سرخرگ‌های سالم، انعطاف پذیر، قوی، نرم و عاری از هر نوع رسوب جریان خون را آسان‌تر می‌کند. اما با افزایش سن، رسوب مواد چرب، کلسترول، ضایعات سلولی و کلسیم در قسمت‌های درونی جدار سرخرگ‌ها به وجود می‌آید. این جرم سرخرگی می‌تواند جریان خون را کاهش و یا در برخی مواقع به طور کلی متوقف کند. با افزایش رسوب در سرخرگ‌ها، تصلب شرایین به وجود می‌آید که باعث باریک و سفت شدن رگ‌ها می‌شود.

اما خوب است بدانید مواد غذایی هم وجود دارد که رگ‌ها را تمیز می‌کنند. بنابراین اگر دچار درد قفسه سینه شده‌اید و یا با کمبود نفس مواجه شده‌اید، غذاهای زیر را به رژیم روزانه خود اضافه کنید.

سیبوز: از قدیم، سیر برای درمان بیماری قلبی و فشار خون بالا به کار برده می‌شود. سیر مانع رسوب کلسیم در شریان‌ها می‌شود. محققان آلمانی نیز دریافته‌اند، مصرف پودر سیر تشکیل نانو پلاک‌ها (اولین جرم‌ها) را ۴۰ درصد و اندازه خود نانو پلاک‌ها که شکل گرفته را نیز ۲۰ درصد کاهش می‌دهد.

انگور: خاصیت این میوه از فلاوانوئید که رنگ بنفش به این میوه می‌دهد، به دست می‌آید. فلاوانوئید، مانع اکسیده شدن کلسترول مضر که علت گرفتگی در دیواره‌های رگ‌ها است، می‌شود. این ماده خطر لخته شدن خون را که منجر به حمله قلبی می‌شود کاهش می‌دهد.

میوه‌های توتی: توت فرنگی، شاه توت، قره قاط... غنی از آنتی‌اکسیدان است که از سفت شدن رگ‌ها پیش‌گیری می‌کند.

سیب: این میوه حاوی «پکتین» نوعی فیبر قابل حل است که کلسترول خون را کاهش

مجموعه اشعار «جای پا» (۱۳۳۵)، «چلچراغ» (۱۳۳۶)، «ممر» (۱۳۴۲) و «ستاخیز» (۱۳۵۲) از جمله آثار او پیش از انقلاب ایران است.

خانم بهبهانی از اواخر دهه چهل و در اوایل دهه پنجاه خورشیدی، به همکاری با شورای موسیقی رادیو و تلویزیون ایران پرداخت و بیش از ۳۰۰ ترانه سرود که اغلب با آهنگ های آهنگسازان بزرگ دوران و خوانندگان نامدار وقت اجرا شدند. خانم بهبهانی در سال ۲۰۰۹ جایزه سیمون دوبوار برای آزادی زنان را از آن خود کرد.

بخش عمده غزل های سیمین رنگ و بوی سیاسی و اجتماعی و زبانی یگانه و بسیار جسورانه داشت. او در سال ۱۳۸۸ که قصد داشت برای سخنرانی در روز جهانی زن درباره فمینیسم به پاریس برود، ممنوع الخروج شد. تا کنون چندین بار از وی به علت حمایت همیشگی اش از آزادی های اجتماعی و سیاسی در ایران قدرتی شده است. دفاع سرسختانه خانم بهبهانی از آزادی اندیشه و حقوق بشر در ایران سبب شد که او در سال های اخیر به دریافت چند جایزه مهم بین المللی نائل شود. در سال ۱۳۷۸ سازمان جهانی حقوق بشر در برلین مدال کارل فون اوسو یتسکی را به سیمین بهبهانی اهدا کرد. در همین سال نیز جایزه لیلیان هیلمن / داشیل هامت را سازمان دیدبان حقوق بشر به وی اعطا نمود. در سال ۱۳۹۲ (۲۰۱۳) نیز جایزه «یانوش پانونیوش» مجارستان با حضور بانوی شعر فارسی در شهر پیچ این کشور به وی تقدیم شد.

سیمین می گوید: «اولین روزی که شروع کردم به شعر گفتن، اولین بیت این بوده که: «ای توده گرسنه و نالان چه می کنی / ای ملت فقیر و پریشان چه می کنی؟» این را در ۱۴ سالگی گفتم. حالا شعر اگر آن استحکام اولیه را نداشته، نقص فنی هم نداشته. ولی اولین شعر من که یاد هست نوجوانی بودم، قاعدتا باید متوجه مسائل عاشقانه یا این که لطیف تر باشد. ولی می بینید که با این شروع کردم.» سیمین بهبهانی «نیمای غزل ایران» بامداد سه شنبه، ۲۸ مردادماه ۱۳۹۳ در سن ۸۷سالگی بر اثر ایست قلبی و تنفسی در بیمارستان پارس تهران درگذشت.

مینا جزایری

«نیمای غزل» سیمین در گذشت



سیمین بهبهانی، شاعر و نویسنده معاصر در بیمارستانی در تهران درگذشت. خانم بهبهانی که بخاطر سرودن غزل در وزن های بی سابقه به «نیمای غزل» لقب داشت از حامیان سرسخت جنبش زنان بود.

سیمین بهبهانی (خلیلی) روز ۲۸ تیر سال ۱۳۰۶ خورشیدی در خانواده ای فرهنگی دیده بر جهان گشود و در نوجوانی به تبع خانم ارغون، مادر تحصیل کرده، شاعر و هنرمند و پدر نویسنده اش شعر می سرود. سیمین در سال ۱۳۲۵ خورشیدی با حسن بهبهانی ازدواج کرد و در سال ۱۳۴۹ از حسن بهبهانی جدا شد. اما نام خانوادگی بهبهانی را برای همیشه حفظ کرد. او اولین شعرهای خود را در سال ۱۳۲۰ و در ۱۴ سالگی سرود. شعرهای نخستینش در روزنامه نوبهار با مدیریت ملک الشعرا بهار منتشر شد.



دکتر مریم میرزاخانی، نخستین زن ریاضیدان جهان که موفق به دریافت مدال فیلدز شد

ریاضیدانان جوان (زیر ۴۰ سال) جهان اعطا می‌شود که میرزاخانی، نخستین زن برنده این جایزه به شمار می‌رود.

دکتر میرزاخانی از سوی نشریه آمریکایی «پاپیولار ساینس» به عنوان یکی از ۱۰ ذهن جوان برگزیده سال در آمریکای شمالی معرفی شد.

میرزاخانی پس از پایان دوره کارشناسی برای ادامه تحصیل به دانشگاه هاروارد آمریکا رفت. وی در سال ۱۹۹۹ میلادی زمانی که در دانشگاه پرینستون به تحقیق و تدریس اشتغال داشت موفق شد راه حلی برای یک مشکل ریاضی پیدا کند.

منبع: ایسنا

دکتر مریم میرزاخانی، استاد ۳۷ ساله دانشگاه استنفورد به عنوان نخستین زن ریاضیدان جهان موفق به دریافت مدال «فیلدز» شد که به عنوان عالیترین جایزه علمی رشته ریاضیات از آن به عنوان «نوبل ریاضیات» یاد می‌شود.

پروفیسور میرزاخانی که به دلیل تحقیقات برجسته‌اش در حوزه هندسه و نظریه ارگودیک کاملاً شناخته شده است به همراه آرتور آویلا، مانجول بهارگوا و مارتین هایبر مدال فیلدز ۲۰۱۴ را در کنگره بین‌المللی ریاضیات که در ستول کره جنوبی برگزار می‌شود، دریافت کرد. مدال فیلدز از سال ۱۹۳۶ هر چهار سال یکبار به برترین



انجمن خیریه دیرآموزان خورشید

انجمن خورشید در سال ۸۵ صرفاً برای حمایت از افراد دیرآموز با ارائه آموزش‌های توانبخشی حرفه‌ای و به امید تأمین آینده‌ی آنان تاسیس شده است.

نیازمند همراهی شما هستیم

حساب پشتیبان بانک پارسیان: ۰۶-۱۵۵-۸۱۱

حساب بانک تجارت: ۰۲۳۵۱۲۰۸۷۹

به نام انجمن حمایت از حقوق توانخواهان دیرآموز خورشید

khoshidngo@gmail.com

www.khorshidcharity.ir

تلفن: ۸۸۳۵۲۲۵۳



حرية التعبير: الفرص والحدود المحرمة



ليلا صادق
الترجمة

على مفهوم حرية التعبير والعناصر المكوّنة لها، فضلاً على دراسة القيود القانونية على هذه الحرية. إذن هذه المذكرة هي في إطار كلمتين قصدت تبيين مفهوم حرية التعبير والعناصر المكوّنة لها فضلاً عن مناقشة الحدود والحدود المحظورة لهذا الحق حتى يسلب الضوء في ضوء هذا الاستعراض على دراسة الفرص والقيود المفروضة على الحق التي هي بمعنى الفرص والقيود المفروضة على الشبكات الاجتماعية.

انتشار الشبكات الاجتماعية هي نتيجة التطورات التي تمت إحرازها في أدوات حرية التعبير ومن ناحية أخرى قد ساهمت المشاركة الفعالة للمرأة في هذه الشبكات والاستفادة من الشبكات الإلكترونية في الوعي، وتعزيز الثقة بالنفس، واحترام الذات والتمكين وانعكاس مطالبهنّ. على هذا الأساس قبل التعرف على مفهوم الشبكات الاجتماعية ومعرفة الإنجازات وأوجه القصور في التقدم لها، أنه من الضروري أن نتعرف

المتاركة الصامتة

(دراسة مفهوم الطلاق العاطفي، ميزات ومؤثراته)



احباط الزوج من الحياة تماماً لأن تختص إلى جانبه الإحصاءات الكبرى للطلاق العاطفي. وهذا يعنى بأنه تعيش الرجال والنساء عيشة صامتة وباردة معاً ولكن لا يبادرون بالطلاق القانوني. ويمكن هذا المشكل في الارتباط في مستوى الأسرة أن ينتشر في المجتمع يعطل الارتباطات البشرية. عندما اهتدّ أساس الأسرة، بالتالي تهتدّ الأسس الأخلاقية والاجتماعية في النظام الاجتماعي ويُدفع المجتمع إلى المشاكل المختلفة. من هذا المنظور لابد أن ندرس الطلاق العاطفي من جميع الزوايا.

وفقاً لرأى الخبراء، الأسرة من الأنظمة الأولى التي تلبي الاحتياجات الحياتية والعاطفية وبقاء المجتمع البشري. تقوم العلاقات الجيدة في المجتمع على العلاقات الجيدة في الأسرة. وكلما كانت العلاقات في الأسرة أكثر ملاءمة تحصل الأسرة وبالتالي المجتمع على مزيد من الاستقرار. لا يستطيع مجتمع بلا أسرة سليمة أن يدعى بالصحة. لم يحدث أي من الأمراض الاجتماعية دون تأثير الأسرة. الطلاق هو من أكثر الأمراض الأسرية. ولكن لا تشير الإحصاءات الرسمية للطلاق مستوى





كيف يتحدى إدمان الزوج مكانة المرأة؟

(التحديات والتحديات والفرص التي تواجه زوجات الأشخاص الذين يعانون من تعاطي المخدرات)

الاجتماعية. والسؤال الرئيسي هو كيف يتحدى إدمان الزوج مكانة المرأة؟ وهل تتحدى التنشئة الاجتماعية للأطفال عندما تتحدى مكانة المرأة بوصفها عاملاً مهماً في التنشئة الاجتماعية؟ يجدر بالذكر أنها قد سعت في هذه المذكرة أن تُدرس حالة الزوجات التي إخترن البقاء بجانب الزوج والدعم والتدخل لعلاجيه بعد المعرفة عن إدمانه في الواقع، النساء يخترن اختيارات مختلفة حول تعاطي الزوج حسب القدرات الفردية والشبكات الداعمة والسياق الثقافي والاجتماعي. بعض النساء يخترن المشاركة أفضل اختيار ويختار بعض آخر البقاء عند الزوج ومتابعة الحياة معه أيضاً حسب القدرات الفردية والشبكات الداعمة والسياق الثقافي والاجتماعي وحالة الأطفال والعوامل الأخرى. من هذه الزاوية، تحاول هذه الورقة أن تدرس تأثير تعاطي المخدرات على ستة الوظائف الأساسية للأسرة فضلاً عن دراسة الوظائف الاقتصادية المنتجة منه مع التركيز على مكانة المرأة.

تشير التقديرات الحالية في المستويين الوطني والدولي إلى كثرة الأشخاص الذين يعانون من تعاطي المخدرات. على جانب هذا الازدياد الصعوى زيد على تعقيد تبعات المنتجة منها وإدمان الشخص إلى المخدرات المتعددة في وقت واحد وانتشار المنتهات على جانب انتشار المخدرات جعل الأنظمة الفردية والأسرية والمجتمع أكثر عرضة للخطر تسعى هذه المقالة أن تبيّن المخدرات والمنتهات في مجال الأسرة ولا سيما في علاقة الزوجين وتواجه الزوجة إلى أئ الفرص والتحديات بسبب تعاطي مخدرات الزوج؟ وهل نحن واجهنا إلى ظاهرة اجتماعية زوجات الأشخاص الذين يعانون من تعاطي المخدرات؟ وهل من الضروري أن ننظر إلى هذه المسألة نظرة هيكلية وكليّة؟

بالغت أهمية هذا الموضوع عندما ننظر إلى الأسرة بما أنها إحدى من المؤسسات الأساسية للمجتمع وهي لم تزال حافظت على أهميتها في ايران بوصفها نقطة محورية للتنشئة



إجازة الأمومة، العبء المالى على الدولة أو الاستثمار فى المستقبل فى التنمية الإجتماعية للبلد؟

(دراسة إجازة الأمومة فى إيران وواحد وعشرين دولة متقدمة اقتصادياً)

إضافة إلى ذلك، العديد من النساء اللاتي كنّ قد يعملن فى أجزاء مختلفة باستخدام هذا القرار قد استفدن من تسعة أشهر من إجازة الأمومة واجهن الصعوبة فى العودة إلى العمل وفقدن وظائفهنّ وحاولن إلى إحياء حقهنّ القانونى وأرسلن العريضات إلى محكمة القضاء الإدارى ومعاونة شؤون المرأة والأسرة. أعرب فى الردّ على هذه المشكلة، من المستحيل تنفيذ مثل هذا القرار فى القطاع الخاص لأنّه يكون قراراً مكلفاً والحدّ من رغبة القطاع الخاص فى استخدام النساء فى ورش عملهم. والقرار المشار إليه سوف يكون مقصوراً على القطاع العام فى حين أنّه تواجه مشاكل التمويل والآن قد توقف.

ولكن السؤال الرئيسى هو هل مطالبة الموظفات لازدياد إجازة الأمومة مع دفع الأجر ومرافق هذه الفترة وتوقّع الحوافز للبقاء مطالبة غير متوقعة وتفرض أعباء مالية على الحكومة أو فى الأساس تُعدّ من الاستثمارات التحتية والطويلة للدولة للمستقبل فى مجال التنمية الاجتماعية؟

فى هذه الورقة ندرس وضع إجازة الأمومة فى واحد وعشرين البلدان ذات الاقتصاد المتقدّم نسبياً، وموقف إيران الحالى فى مجال الدراسات العالمية ونجيب على الأسئلة المطروحة.

فى اجتماع مجلس الوزراء يوم 2013/7/7 قريباً، وفقاً لملاحظة 2 مادة واحدة قانون الاصلاح لقوانين تنظيم السكّان والأسرة عام 2013 التي سمحت الدولة ارتفاع إجازة الأمومة إلى 9 أشهر وتوقّع أسبوعين إجازة إجبارية (حافز) لأزواجهنّ. قد عدل مجلس الوزراء عن فترة إجازة الأمومة (المفرد أو المزدوج) للموظفات فى القطاعين العام والخاص من 6 أشهر متوقعة فى المادة 3 الاصلاحية فى قانون تشجيع الرضاعة الطبيعية ودعم الأمهات المرضعات عام 2007 إلى تسعة أشهر، مع دفع الأجر والأجر الاضافى المتعلّق بها. وكذلك وفقاً لهذا القرار تتمتع أزواج هذه الأمهات أسبوعين من إجازة إجبارية (حافز).

ينصّ هذا القرار على أنّ أحكام هذه الشريعة قد سرت لأمهات اللاتي لم يبلغ أطفالهنّ من العمر تسعة أشهر. وستزيد مدة إجازتهنّ إلى تسعة أشهر. وتعيّنت تاريخ تنفيذ هذا القرار منذ بدء تنفيذ قانون اصلاح قوانين تنظيم السكّان والأسرة التي اعتمد عليه عام 2013. ولكن منذ توافق هذا القرار، رفضت الأنظمة المعنية بطرق مختلفة تنفيذ القرار المشار إليه.

وكذلك لم تبادر أقسام تحت رعاية وزارة الشؤون الاجتماعية ووزارة التربية والتعليم بسبب المشاكل الإدارية وعدم وجود التمويل اللازم لإنفاذ القانون المذكور بتنفيذ هذا القانون.



الدعم من الحقوق المالى للمرأة فى نظام حقوقى للأسرة

(قدرات وتحديات)



حقوقهن المالىة فى نظام الأسرة، ولكن هذا الأمر قبل فسخ الزواج وإمحاء دور المرأة كزوجة فى حال الطلاق، حفظ وطلب الحقوق المالىة للمرأة التى حاولت عليها فى سنوات حياتها المشتركة لغرض التنمية الاقتصادية للأسرة هو أكثر صعوبة من قبل وسيتم مناقشتها فى خلال البحث. وقد حاولت هذه الورقة مناقشة النظام الحقوقى المستولى على الاستقلال المالى للمرأة فى الأسرة وعلى وجه الخصوص فى شكل علاقة التكافؤ الناتجة عن الزواج الدائم.

مع تعزيز دور المرأة فى المجتمعات البشرية وقبول نفوذهن فى المجالات المعنوية بالتنمية الثقافية والاجتماعية والاقتصادية فى وقت واحد أضيف على أهمية دراسة هذا الموضوع. وفقاً لذلك، من الضرورى أكثر من أى وقت مضى أن تؤكد على الدعم فى تعزيز هذا الدور الذى كان نتيجة محاولات النساء وفى هذا المجال إنشاء القدرات القانونية التى تناسب مع السياق الثقافى للمجتمع يمكن أن تساعد المرأة فى تحقيق مكانتها المطلوبة. تتحقق القوانين الموضوعية الداخلية رؤية المشرع فى الاستقلال الاقتصادى للمرأة والمحافظة على





دراسة تحقّق الإغتصاب العوامل المساهمة وعواقبه

وإليوم هذه الجريمة من أبرز الجرائم التي أدخلت الضرر البدني والنفسى الشديد على الأشخاص وتحتلّ المقام الثانى بعد القتل حسب نسبة الشدّة، والنظم القانونية فى العالم تردّد على هذه الجريمة الإجابات الجنائية الثقيلة. يمكن أن نعتبر الاعتداء الجنسى هى العامل المؤلم وكثير المرارة من بين العوامل التى تهدّد أمن الأشخاص. كما نشاهد أخيراً انتشرت هذه الجريمة أكثر ممّا سبق وللأسف ترتكب بشكل مجموعة. إحصاء الإغتصابات هو أعلى بكثير من الأرقام الفعلية لأنّه لا يتم الإبلاغ عن عدد كبير من حالات الإغتصاب حتى لو لم يبلغ عنها وكذلك يتم الإبلاغ عن العديد من حالات الإغتصاب للشرطة لا يؤدى إلى الملاحقة القضائية. وفقاً لوثائق وزارة العدل الأمريكية فى عام 2005، كان الضحايا الحقيقيون للإغتصاب والعنف الجنسى فى عام 1916 تساوى 70. تمّ الإبلاغ عن 16% فقط من حالات الاغتصاب والعنف الجنسى فى عام 2000. تشير الدراسات إلى أنّ فى أمريكا تتعرض للإغتصاب كلّ عام بين 680 ألف حتى 1/5 مليون نساء. ويقدّر أن 12/1 مليون امرأة أمريكية على الأقل (واحد من كلّ ثمانية النساء البالغات) كانت ضحية للإغتصاب مرّة فى حياتهم.

المرأة هى جزء هام من مجتمع اليوم وتتمتع بالحقوق التى الإساءة إليها تطلب تفاعلات جيّدة من قبل السلطات المعنية. الإصابات والعنف ضدّ المرأة هى موضوع مؤلم وذو العواقب الوخيمة بالنسبة للمجتمع كلّ. ونتيجة لذلك الغرض الرئيسى من هذه الورقة هو مناقشة مشكلة الإيذاء الجنسى للمرأة لأنّ مؤلم الجرائم التى ترتكب ضدهنّ الإيذاء الجنسى. وللأسف حدثت هذه الجريمة منذ فترة طويلة فى جميع المجتمعات فى الأشكال المختلفة وكذلك فى العصر الحاضر أخذت فى الارتفاع. إعتبر اليوم المجتمع الدولى هذه الجريمة بوصفها من مصاديق حالات العنف ضد الجماعات الضعيفة أى النساء. وبالنظر إلى أنّ من أهم أهداف القانون الجنائى توفير مصالح الضحايا فى ضوء العدالة، من الضرورى أن تُدرس الجوانب الأساسية من التحقيق الجنائى والإجرام للإغتصاب فى إيران لتكون خطوة فى اتجاه رفع الثغرات القائمة من حيث التعامل مع هذه الجريمة. يهتمّ فى هذا المجال التحقيق فى أسباب الجنوح وعواقب الجريمة والتدابير الوقائية على الرغم من أنّ موضوع الإغتصاب ذو نطاق واسع لا يصلح فى هذا المقال. الإغتصاب هو جريمة ضد الأشخاص



Reviewing Rape, Its Effective Factors and Consequences

Introduction

Women as an important part of today's societies have some rights the violation of which should be appropriately pursued by related authorities. Victimization and violence against women is a painful issue the consequences of which are dangerous for the whole society. Thus, the main goal of this article is to review the problem of sexual victimization of women. Since one of the most painful crimes against women is raping and unfortunately it has been committed in various forms in all societies from the past times and it is increasing in current age, the world society has considered it as an instance of violence against vulnerable groups in societies that is women. Considering the fact that one of the most important goals of criminal law is to serve the interests of criminalized people in the light of justice, it is necessary to review criminal and criminological aspects of rape in Iran so that it can be a step toward removing existing gaps in combating this crime. The focus of the article is on reviewing the factors of misdemeanor and issues such as consequences of crime and preventive measures, though the issue of rape has many aspects which is beyond the limits of the

present article.

Rape is considered as a crime against people and nowadays is one of the most evident crimes that causes serious harms to mental and physical integrity of people. Regarding its severity, it is a second degree crime after murder which has a heavy criminal punishment in world's legal systems. Among the factors that threat human security, rape can be considered as one of the most painful and virulent threats and is recently seen to be increasing more and more which is unfortunately committed in group, too. The dark figure of rape is far more than the real statistics because many of the sexual assaults are not reported even if they are among the cases which can be reported, and also many of the reported cases to the police are not pursued. According to the United States Department of Justice's documents, in 2005, the real number of raped victims was 70 1916. In 2000, only 16 percent of the sexual assaults was reported. The studies show that in America, between 680 thousand to 1.5 million women are being raped yearly. It is estimated that at least 12.1 million American women (one of eight adult women) have been once victim of sexual assault during their lifetime.



Women and Family Affairs.

In response to solve this problem, it was stated that, due to the high cost of the plan and the low willingness of private sections to use women's force in their workshops, implementing this plan is principally impossible in non-governmental section and it is limited to the governmental one, in which there are some problems for providing the required fund to implement the act and it has already been stopped.

However, the main question is that whether the request of employed women for increasing the period of maternity leave with salary and fringe benefits and predicting incentive leave for fathers who have newborn baby is an unexpected claim which has financial burden on the government or it is basically one of the government's long-term and underlying investments for future social development?

In present article, by reviewing the status of maternity leave in 21 relatively developed countries, it is tried to review Iran's current status in this regard in the world and to find an answer for the mentioned questions.

Silent Separation

Reviewing Concept of Emotional Divorce, Its Signals and indicators

Abstract

According to the experts' viewpoint, family is of the primary systems totally necessary for meeting human's vital and emotional needs and for society's survival. Proper relationships in a society form on the basis of proper relationships in a family, and the more the relationships within a family is better, the more the family and consequently the society enjoy stability. No society can claim to be healthy without having healthy families, and none of the social harms has been caused without family intervention. One of the most important family's harms is divorce. However, the official divorce statistics does not completely show the couples' failure in their marital life since, besides that, there is a more higher statistics regarding emotional divorces, that is those silent lives and empty families in which man and woman live together with a cold relationship but do not file for legal divorce. This problem in relationship at the family level can also be spread to the society and disrupts human relationship. When the family foundation shakes, social and ethical foundations of the whole social system shake and the society is led toward various problems. From this respect, it is necessary to review emotional divorce in all its aspects.



Maternity Leave; a Financial Burden on Government or a Future Investment for Social Development?

(Reviewing maternity leave in Iran and 21 developed countries)

According to 1392 Act amending Population and Family Planning Laws, Single Article, Note 2, based on which the government is permitted to increase the maternity leave of mothers to 9 months and to predict two weeks of compulsory (incentive) leave for fathers, the cabinet, on its 7 Jul. 2013 session, changed the period of maternity leave (for single and twin babies) of employed mothers in governmental and non-governmental sections from 6 months, which is predicted in amending article 3 of the Law Promoting Breastfeeding and Protecting Mothers during Breastfeeding (1386), to 9 months with salary and all the related fringe benefits. Based on this enactment, the spouses of these mothers are also have two weeks of compulsory (incentive) leave. It has been restated in this enactment that the provisions of the enactment are applicable for mothers with children under 9 months and the period of

their leave will be increased to 9 months. The date of enforcing this enactment was the time the Act amending Population and Family Planning Laws, enacted on 1392, became enforceable.

However, from the time this enactment was approved, the related organizations have refused to enforce the act in various ways. Specially, the sections under the supervision of Social Security Organization and the Ministry of Education, due to administrative problems and lack of financial credit for implementation of the mentioned enactment, have not enforced it. Moreover, many of the employed women in different sections who had used their -9months maternity leave based on this enactment, faced with problem in their return to their work and lost their job, and, to restore their established legal right, they have filed petitions to Administrative Justice Court and to the Center for



How Does Husband's Addiction Challenge Wife's Status?

(Threats, Challenges, and Chances Facing the Wives of People Suffering from Substance Abuse)

Introduction

Present estimations on national and international levels indicate an increase in the number of people suffering from substance abuse. Besides this exponential growth, the complexity of its consequences has also become more. Moreover, addiction of people to several substances at the same time and spread of stimulant and psychoactive drugs besides narcotics have endangered personal, family and social systems more. In present article, it has been tried to focus on the issue of stimulant and narcotics within the limits of family and only in the relationship of husband and wife, and the issue that what chances and threats husband's abuse have for the wife; whether we are faced with the social phenomenon of the wives of people suffering from drug abuse; whether it is necessary to consider the issue with a more widespread and structural look. The issue becomes important when we consider the fact that family is one of the fundamental units of societies which still has its importance as a center for socialization in Iran. The basic

question is that how husband's addiction challenges wife's status? Or whether challenging wife's status as one of the important factors in socialization, can harm socialization's system for children?

It should be noted that in this article, it has been tried to consider the status of those wives who, when became aware of their husbands' addiction, have decided to stay with them and to protect them for treatment and intervention. In fact, women make different decisions regarding husband's abuse according to personal abilities, protective networks, and cultural and social context. Some women consider separation as the best choice and go that way and some women, again according to the personal features, protective network and social-cultural context, prefer to stay and continue their marital life. From this viewpoint, the present article has tried to review the effect of drug abuse on six basic functions of family and also its economic functions by focusing on the status of women.





Zahra Davarzani
Translator

Protecting Financial Rights of Women in Family Legal System

By promoting women's role in human societies and accepting their influence on areas related to economic, social and cultural development, the importance of explicating this issue has become more, and accordingly it has been required to emphasize on the necessity of increased protection for promoting this status, which is undoubtedly the result of women's attempts themselves. In this regard, establishing legal capacities according to the cultural context of the society can help women in achieving the desired status. With a brief look at the internal positive law, one can understand the legislator's viewpoint regarding economic independence of the women

and maintaining their financial rights in family system. Of course, before dissolution of marriage, maintaining this right is more easy, but, unfortunately, after marriage dissolution and by eliminating woman's role as a wife in case of getting divorce, maintaining and vindicating their financial rights, for which they have tried during their marital lives with the aim of family's economic development, become more difficult, the issue which will be dealt more in this study. In present article, it has been tried to review and evaluate the legal system governing woman's financial independence in the family and specially in the marital relationship resulted from permanent marriage contract.

Freedom of Expression: Chances and Forbidden Boundaries

Development of social networks is the result of an evolution which has occurred in the form of freedom of expression's tools. On the other hand, the active presence of women in these networks and using the chances provided by cyberspace have played an important role in spreading awareness, promoting self-esteem and self-confidence, empowering, and reflecting women's requests and claims. Nevertheless, before studying the concept of social networks and identifying their

achievements and shortcomings, it is necessary to become familiarized with the concept of freedom of expression and its constituting elements and also the legal limitations imposed on this kind of freedom. Thus, the present article, in two parts, tries to review the concept of freedom of expression and its constituting elements, and also limitations and forbidden boundaries imposed on this right to identify the chances and limitations of this right which themselves show the chances and limitations of social networks.



برگ اشتراک حقوق زنان

شماره‌ی اشتراک:

نام: نام خانوادگی:

سن: تحصیلات: شغل:

نشانی:

یا صندوق پستی: تلفن:

به پیوست فیش بانکی به شماره‌ی مبلغ ریال

بابت بهای اشتراک نشریه‌ی حقوق زنان (برای ۶ شماره) فرستاده می‌شود. خواهشمند است مجله

را برای شماره به نشانی بالا بفرستید.

■ برگ اشتراک را کامل و خوانا پر کرده و کد پستی را حتماً یادداشت کنید.

■ بهای اشتراک را به حساب جاری شماره ۰۱۰۵۶۸۸۱۲۰۰۰۸ بانک ملی ایران شعبه‌ی

امیرآباد (کد ۱۲۸) به نام مجله‌ی حقوق زنان (قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملی ایران) واریز

کرده و اصل فیش بانکی را همراه با برگ تکمیل شده‌ی اشتراک به آدرس: تهران - صندوق پستی

۱۳۸۴-۱۵۸۱۵ بفرستید.

■ لطفاً کپی فیش بانکی را تا زمان دریافت نخستین شماره‌ی اشتراک نزد خود نگاه دارید.

■ بهای اشتراک (برای ۶ شماره) با پست عادی برای تهران و شهرستان ۳۱۵۰۰ تومان است. بهای اشتراک

برای (۳ شماره) نصف مبلغ بالا خواهد بود.

■ در صورت هرگونه تغییر در نشانی، سریعاً دفتر مجله را آگاه کنید.

ایمیل نشریه: h_q_zanan@yahoo.com

■ علاقه مندان اشتراک مجله در خارج از کشور، می‌توانند تا اطلاع ثانوی از طریق دوستان و

خویشاوندان خود در ایران اقدام کنند.

دوره جدید شماره ۳۳

شهریور، مهر ۱۳۹۳

۵۰۰۰ تومان

حقوق زنان



مزیت‌های فضای مجازی بر جایگاه اجتماعی زنان

ارتقاء جایگاه زنان، ضرورت توسعه کشور

بررسی تجاوز به عنف، عوامل موثر و پیامدهای آن

جدایی خاموش بررسی مفهوم طلاق عاطفی